

هو الله العلي الاعلى
يَعْرِفُ اللهُ تَعَالَى لِحُبِّهِ الْكَرِيمِ؛ الْاَيُّمَةُ الْمُهَيِّدِينَ وَاتِّبَاعَهُمُ الْمُهْتَدِينَ، وَيُبَشِّرُهُمْ
خداوند به پيامبر اعظم ﷺ ائمه مهديين و پيروان مهتدين شان را معرفي نموده و بشارتشان مي دهد:
وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الظَّنَّ اَنْ يَّعْبُدُوْهَا، وَاَتَابُوا اِلَى اللّٰهِ، لَهُمُ الْبُشْرٰى،
فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ اَحْسَنَهُ، اُولَئِكَ الَّذِينَ هَدٰىهُمُ اللّٰهُ، وَاُولَئِكَ هُمُ الْاَلْبَنٰى

گاهنامه

بررسی

برای آگاهی و تبادل و فکر کردن، محیط و افراد و امکانات و موانع را شناختن، و برای رسیدن به مقصد اعلی تلاش نمودن

آغاز این بررسیها مربوط به سال 1398 هجری قمری و در دوران طاغوت بود که مطالب با استماع رادیوهای مختلف و اخبار شفاهی و ارتباطات مؤمنان مبارز داخل و خارج ایران (از افغانستان و پاکستان و هندوستان تا خلیج و عراق و لبنان و اروپا و آمریکا) بدست می آمد و بطور شفاهی در جلسات همراهان تبادل می کردید، بعد از بیروزی انقلاب اسلامی و شروع دوران یاقوت، امکانات جمهوری اسلامی و بولتنهای محرمانه و رسمی افزون بر رسانه های عمومی هم به بشتوانه این بررسیها افزوده شد، سپس با آمدن اینترنت و وسعت گستره بررسیها و امکان ارسال ایمیل این بررسیها برای برخی از اهل مطالعه تبادل مطالعاتی انجام می شد،

تا به امروز، که این برنامه چهل ساله شده است، والحمدلله رب العالمین همچنانکه در عناوین و توضیحات آمده است؛ هدف آگاهی از احوال زمان و انجام مسؤولیت در برابر آن بوده است، و عدم محاصره خبری و تسلط جو رسانه ای توسط جریانی خاص؛ و اطلاع هرچه وسیعتر و فارغ از ایزوله حزبی یا حکومتی می باشد. همانطور که اشاره شده نقل و مطالعه برخی گزارشها خصوصا از منابع غیر خودی و با ادبیات خودشان؛ صرفا برای احاطه کافی بر نبض جریانها و فارغ از دسته بندیها می باشد.

فرستادن گزارشی علامت تایید کلیات چه برسد جزئیات آن یا تعبیرات آن نیست، و صرفا جهت اطلاع از فضا و محیط می باشد، فرصتی هم برای تصحیح یا بازنویسی متن آنها یا تعلیقه نویسی بر همه گزارشها و همه فقرات آن نیست، ارسال مطالب صرفا برای بررسی و آگاهی و تأمل و تفکر و شناخت محیط و افراد و امکانات و موانع و انگیزه کافی جهت تلاش برانمقصد اعلی است،

اگر می بینید که رویکرد مناسب فوق را نداشته از ما بخواهید تا برایتان دیگر ارسال نکنیم و مطالب آنرا برای دیگری که به غیر مقصود برداشت می کند نقل نکرده و ارسال هم نکنید (وتعیهها اذن واعیه).

کسانی که این گزارشها را بررسی می کنند؛ از افتادن به دسته بندیها برهیز کنند و بر محور تعالیم الهی:

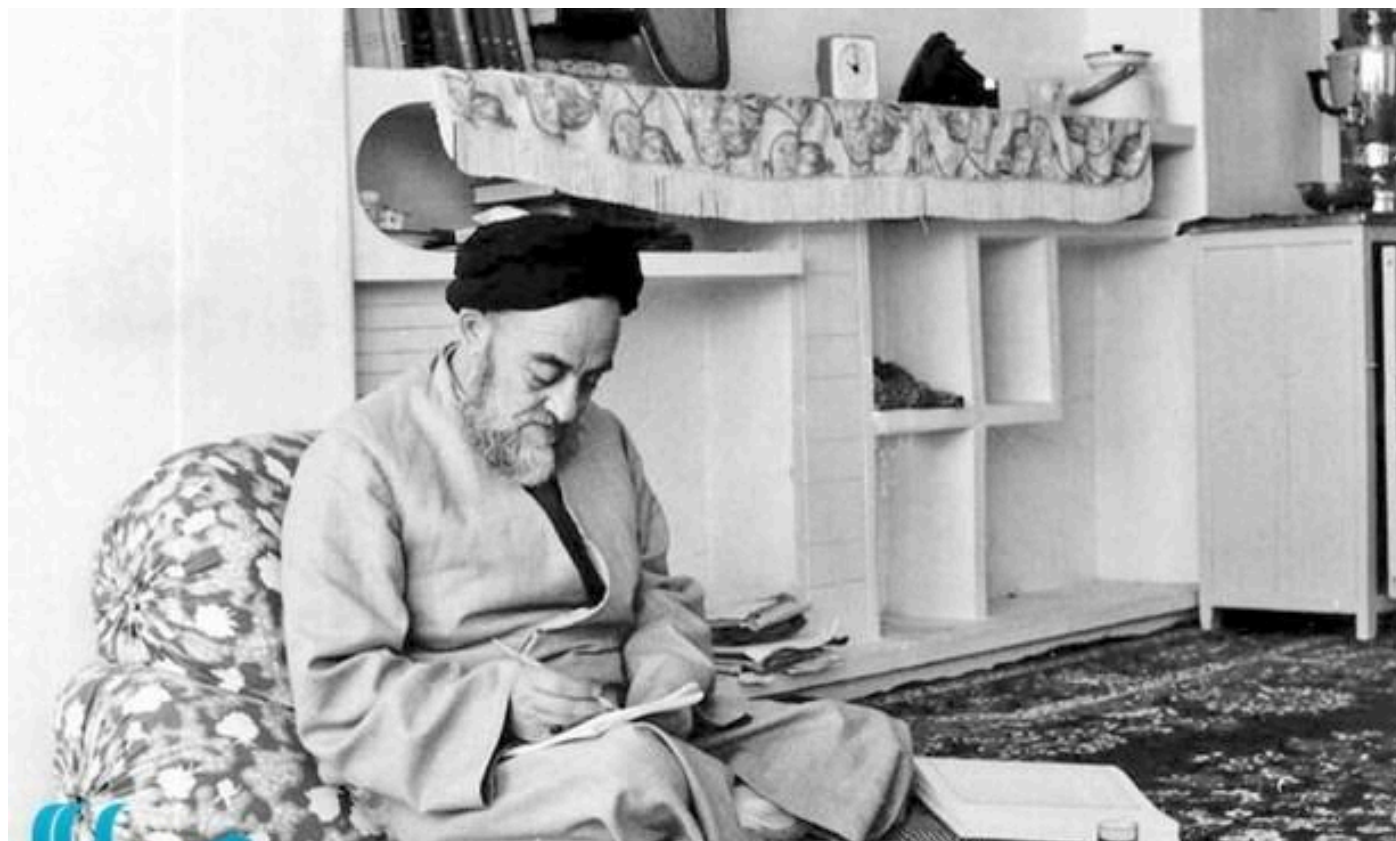
- 1- ابتدا اجتناب از طاغوت و عبادت و پیروی و التزام به آن کنند.
- 2- توجه عمیق و با تمام وجود به درگاه و مسیر الهی بنمایند.
- 3- در بررسیها هرچه بیشتر بشنوند و بخوانند، و بهترینش را که در چهارچوب تعالیم مکتب وحی است پیروی کنند.

اگر مناسب دیدند مطلبی را در اختیار کسی بگذارند، رعایت ظرفیت طرف مقابل و عدم سوء برداشت او را بنموده، و مطلب را بدون انتساب به کسی یا شخصی یا مرکزی یا عنوانی در اختیارش بگذارند؛

8 شعبان

1439

خاطره‌ای از علامه طباطبائی: شیخ شیعه چگونه با یک استدلال؛ شیخ و هابیان متعصب مدینه را منکوب کرد؟



شفقنا- مرحوم آیت‌الله حسینی طهرانی خاطره‌ی زیر را در کتاب «امام‌شناسی» (ج ۵، صص ۱۷۴-۱۷۷) از مرحوم علامه‌ی طباطبائی نقل کرده است:

چندی پیش، روزی سرتیپ قریب که به نزد ما آمده بود؛ بالمناسبه قضیه‌ای را ذکر کرد، که بسیار مُعجب و سُرور آور است.

او گفت: در سالی که من به حجّ بیت الله الحرام مشرّف شدم، از طریق شام، آن هم با کشتی بود تا به جدّه رسیدیم؛ کشتی بیش از یک هفته بر روی آب بود؛ و در آنجا رفقا و دوستان من که غالباً هم طراز و رفیق من بودند؛ برای یاد گرفتن اُعمال و مناسک حجّ، وقت فارغ و مکان آرامی را داشتند.

شیخی در کشتی بود که او هم عازم حجّ بود؛ تنها بود؛ و پیوسته مراقب و ساکت و به حال خود مشغول.

ما روزهای اوّل ساعتی نزد او می‌رفتیم؛ و از مسائل مورد نیاز می‌پرسیدیم؛ و در روزهای بعد بیشتر، تا جائیکه از او تقاضا کردیم که: در نزد ما بیاید؛ و با ما هم غذا شود؛ تا ما از وجود او بیشتر بهره‌مند گردیم؛ او هم قبول نمود؛ و نزد ما آمد؛ و در حقیقت بر رفقای همسفری ما یک نفر اضافه شد.

به مدینه منوره رسیدیم؛ و دیگر هر جا می‌رفتیم، همه با هم بودیم؛ و شیخ هم با ما بود؛ و از وجود او بسیار بهره‌مند و خوشحال بودیم؛ مردی خلیق و آرام و متفکر و صبور و دانشمند بود.

یک روز در معیت شیخ، همه با هم برای دیدار کتابخانه معروف مدینه (مکتبه عارف حکمت که روبروی حرم نبوی و محل خانه امام مجتبی و امام سجاد بوده است) رفتیم؛ رئیس و عالم کتابخانه، پیرمردی نابینا بود، که شیخ و عالم و وهابی مذهب بود. ما همگی نشستیم؛ و آن عالم سنی، با ما از هر جا سخن می‌گفت: و چون فهمیده بود که ما ایرانی و جعفری مذهب هستیم، از هر طرف در ردّ شیعه، و توبیخ، و توهین، و اهانت و نسبت شرک، و یهودیت، و مجوسیت، خودداری نمی‌کرد. از اصول گرفته تا فروع همه را به باد انتقاد گرفته و با عصبانیت روایت می‌خواند، و توجیه می‌کرد. و آیات قرآن می‌خواند، و معنی می‌نمود، و همه مرا با آنها محکوم نموده و نتیجه می‌گرفت، که ما اصولاً مسلمان نیستیم؛ و نماز نمی‌خوانیم، و روزه نمی‌گیریم، و حجّ ما برای تماشا و جهانگردی است؛ نه برای عبادت، و ما که در نماز سر بر تربت امام حسین می‌گذاریم. این یک نحو بت پرستی است؛ زیارت اهل قبور، و طواف در دور مشاهد مشرفه و بوسیدن ضریح و درها، همه و همه مرده پرستی است و شرک است.

می‌گفت: شیعه قرآن را نمی‌داند و نمی‌خواند؛ و معانی را تأویل می‌کند؛ این خراب کردن قرآن است؛ قرآن را باید روی معنای ظاهر معنی کرد؛ و اصولاً نباید معنی کرد؛ و فقط به ظاهر باید اکتفا نمود.

معنای الله نُورُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ (آیه ۳۵ از سوره ۲۴: نور) «خداوند نور آسمانها و زمین است» مراد همین نور ظاهری است.

شیعه می‌گوید: و در تفسیر خود می‌نویسد: مراد از نور؛ حقیقت است؛ این تفسیر به رأی و حرام است. شیعه می‌گوید مقصود این است که: خدا نور دهنده آسمانها و زمین است؛ این خلاف ظاهر است.

قرآن صریحاً می‌گوید: وَ جَاءَ رَبُّكَ «خدا می‌آید»؛ شیعه می‌گوید: منظور این است که وَ جَاءَ أَمْرُ رَبُّكَ، «امر خدا می‌آید» این معنی غلط است.

بالاخره مدّتی مفصل، در این باره بحث کرد؛ و این شیخ همراه ما هم ساکت بود؛ و چیزی نمی‌گفت.

ما هم همه کسل شدیم، و ناراحت که چرا شیخ ما جواب نمی‌دهد؟ این شیخ ما که تا به حال این طور نبود؛ به نظر ما مرد دانشمندی بود، چرا اینجا محکوم شد؟ و حتّی بعضی از ما می‌خواستیم بر آن شیخ وهابی پرخاش کنیم؛ و بگوئیم: این گفتار شما تهمت است؛ و غلط است. و آیه نور و جاء ربّک را این طور معنی کردن (بطور ظاهری و براساس فکر وهابی)، معنایش جسمیت خداست و غلط است، قرآن را باید از اهلش آموخت، نه از اجنبی، اهل قرآن رسول الله و اهل بیت او است، نه افرادی مانند شما که این طور تفسیر می‌کنند؛ و این گونه می‌فهمند.

ولی اوّل درست به زبان عرب وارد نبودیم، و ثانیاً از شیخ خودمان که عالمی جلیل و بزرگوار بود ملاحظه می‌کردیم. که با وجود او سخن گفتن ما غلط است؛ و تصمیم گرفتیم که چون بیرون آئیم؛ دیگر با شیخ خودمان رفاقت نکنیم.

خلاصه آن شیخ وهابی، آن قدر اطاله سخن داد تا خسته شد، و دهانش کف کرده بود و شیخ ما هم آرام گوش می‌داد و حتّی یک جمله هم چیزی نگفت.

در این حال که او سخنانش را به پایان رسانید؛ شیخ ما رو به او کرد و گفت: لابد این همه شما خود را عصبانی می‌کنید و زحمت می‌کشید و از ساحت قرآن و پیغمبر اسلام دفاع می‌کنید، برای این جهت است که در روز قیامت به خدمت پیغمبر مشرف گردید! و او را زیارت کنید! و

اعمال شما مقبول و مشکور واقع شود؟!

شیخ وهابی گفت: آری! آری!

شیخ ما گفت: ولی من متأسفم که: شما روز قیامت، رسول الله را أبدا نخواهید دید!

شیخ وهابی با حال عصبانیت گفت: به چه جهت؟ به چه علت؟

شیخ ما گفت: برای این که شما کور هستید! و طبق آیه قرآنی که خودتان از آن دفاع می‌کنید، { وَ مَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَ أَضَلُّ سَبِيلًا } بنا بر تفسیر و معنایی که خودتان می‌فرمائید یعنی: کسی که در این جهان کور باشد، در آن جهان هم کور است و گمراه: (آیه ۷۲، از سوره ۱۷: اسراء).

و در معنای آیه وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ (آیه ۴۰، از سوره ۲۴: نور).

« خودتان می‌فرمائید که: و کسی که خداوند برای او این نور ظاهری را قرار نداده باشد؛ او هیچوقت نور ندارد».

و بنابراین شما که کورید! در آخرت هم کورید و گمراه! و نور ندارید! فلذا پیغمبر خدا را أبداً نخواهید دید!

این جمله را شیخ ما گفت و دیگر چیزی نگفت.

شیخ وهابیان مدینه چنان مضطرب و مشوش شد؛ و چنان ناراحت و بی‌تاب شد که گوئی مانند مرغ سربریده‌ای بر خود می‌پیچید،

و دیگر چیزی نگفت و سکوت محض اختیار کرد، و هی با خود غرّش می‌کرد و بدنش را تکان می‌داد.

از این جمله شیخ خودمان، ما آنقدر مسرور و مبتهج شدیم که در پوست نمی‌گنجیدیم،

برخاستیم و برگشتیم و در راه دائماً شیخ را می‌بوسیدیم؛ و بعضی از دوستان ما بی‌اختیار

می‌خواست شیخ را در حین عبور از خیابان و کوچه در آغوش بگیرد، و بغل کند،

و به او گفتیم: تو از شدت سکوت خود، ما را خسته کردی و گفتیم: مُفحم و محکوم شده‌ای! ولی

تنها و تنها فقط با این یک جمله‌ات، تمام سخنان طویل و عریض او را باطل کردی. جَزَاكَ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ وَالْقُرْآنِ خَيْرًا.

بیشنهاد ترکیه برای جایگزین کردن طلا بجای دلار - ترکیه در حال انتقال تمام ذخایر طلای خود در کشورها از جمله آمریکا را به داخل ترکیه است



شفقنا- رسانه های ترکیه اعلام کردند که دولت این کشور در پی انتقال تمام ذخایر طلای خود از آمریکا به آنکارا است. رسانه های محلی ترکیه به نقل از منابع دولتی این کشور نوشتند که دولت ترکیه در حال انتقال تمام ذخایر طلای خود از سیستم فدرال رزرو آمریکا به ترکیه است. به گزارش شفقنا به نقل از مهر، ترکیه طی سال های گذشته ۲۲۰ تن از ذخایر طلای خود را از خارج از مرزها به این کشور انتقال داده است؛ در ادامه این اقدام، هفته گذشته هم ۲۸.۷ تن از ذخایر طلای ترکیه از آمریکا به آنکارا انتقال داده شد. به گفته روزنامه ینی سافاک ترکیه، برآورد می شود که ذخایر طلای ترکیه ۵۶۴ تن، به ارزش

حدود ۲۰ میلیارد دلار باشد. در حال حاضر ترکیه بعد از هلند، یازدهمین دارنده بزرگ ذخایر طلای جهان شناخته می شود و هند در جایگاه دوازدهم قرار دارد.

رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه هفته گذشته موضع سختی را در برابر دلار آمریکا در پیش گرفت و وام های دلار را مورد شماتت قرار داد و گفت که وام های بین المللی باید به جای اینکه به دلار باشند به طلا اعطاء شوند.

اردوغان گفت: چرا همه وام ها را به دلار می دهیم؟ بیاییم از ارزی دیگر استفاده کنیم و پیشنهاد می کنم که وام ها بر اساس طلا باشند.

رئیس جمهور ترکیه گفت: جهان همواره با دلار تحت فشار نرخ ارز است. دولت ها و کشورها باید از فشار نرخ ارز رهایی پیدا کنند و طلا در سرتاسر تاریخ هرگز ابزاری برای سرکوب نبوده است.

این اظهار نظر اردوغان، یک هفته بعد از آن انجام شد که ارزش لیر ترکیه در برابر دلار بصورت چشمگیری کاهش یافت.

بر پایه این گزارش، از سال ۲۰۱۲ میلادی موج خروج ذخایر طلای کشورها از آمریکا کلید خورد و ابتدا ونزوئلا ۱۶۰ تن از طلای خود را به ارزش ۹ میلیارد دلار از آمریکا خارج کرد و به دنبال آن بوندس بانک آلمان ۳۰۰ تن و هلند هم ۱۲۲.۵ تن از طلای خود را از آمریکا خارج کرد.

ظاهراً تنها این ایران بوده است که حسابهای بانکی ذخایر خود را در کشورهایی مثل (امریکا - انگلیس) نگهداشته در حالی که همزمان علیه آنها شعار مرگ بر ... آنها... هم می داده و بعدش هم مورد مصادره و ضبط آن کشورها به بهانه مختلف شده، یا داستان آن کسی که روی شاخه درختی نشسته بود و انرا اره می کرد

**هارت و بورت‌های امریکا و روسیه در برابر هم، ایرانیها
فریفته نشوند: نه به حمایت روسیه نه تهدید امریکا، و الا
این وسط نیروهای مقاومت بمباران شده؛ بی هیچ پاسخی!
جز محکوم کردن!! و وعده پاسخگویی در وقت مناسب!!!**

«الدیار» به نقل از منبع نظامی روس:

پوتین از جنگ استقبال می‌کند / موشک‌های اتمی آمریکا در ۴۸
دقیقه به روسیه می‌رسد؛ اما پاسخ اتمی روسیه فقط ۱۶ دقیقه
طول می‌کشد / روسیه اجازه شلیک موشک‌های آمریکایی به
ایران را نمی‌دهد / احتمال درگیری مستقیم روسیه و اسرائیل /
کاخ بن سلمان از اهداف جنگنده‌های روسی خواهد بود / بعید
ندانید که ایران وارد قطیف و قسمتی از خاک عربستان شود

یک منبع نظامی روسیه می‌گوید: موشک جدید روسیه با دقت ۹۸ درصد می‌تواند پایگاه‌های آمریکا در عراق و خلیج فارس را در طول چند ساعت نابود کند. به گفته او، ۱۵۰ جنگنده روسی تراز یو ۲۲ می‌توانند از ایران، اهداف آمریکایی در خلیج فارس و دریای مدیترانه را نابود کنند.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



الدیار چاپ بیروت نوشت: یک سخنگوی سری در مسکو فاش کرد ولادیمیر پوتین قصد دارد جنگی را با آمریکا در خاورمیانه و دریای مدیترانه شعله ور کند، جنگی که پس از ارسال مقدار زیادی سلاح به سوریه و یونان و برپایی پایگاه دریایی بزرگی در سوریه، آغاز می‌شود. در حال حاضر ارسال ۴۲ رزمناو دریایی و ۶ زیردریایی اتمی

روسی به اضافه موشک بانکستیر آغاز شده است، که ارسال این موشک (جدیدترین موشک ساخت روسیه) برای اولین بار صورت گرفته و میزان درستی هدف گیری آن ۹۸ درصد است، این موشک قادر است پایگاه‌های هوایی آمریکا در آلمان و هر دولت اروپایی دیگری را هدف قرار دهد.

به گزارش «انتخاب»، این رسانه عرب زبان ادامه داد: رئیس جمهور روسیه می‌خواهد نبرد اتفاق بیفتد در حالی که می‌داند دونالد ترامپ جرأت استفاده از سلاح اتمی را ندارد و نبرد احتمالی به شکل سنتی روی خواهد داد. این در حالی است که پوتین تصمیم گرفته است جنگنده‌های آن بر فراز لبنان به پرواز درایند و تعدادی از جنگنده‌های روسی نیز به ناقره در مرزهای اسرائیل رسیده اند. وی قصد دارد آمریکا را به معرکه بکشاند، چرا که بر این عقیده است که با استفاده از سامانه‌های دفاعی خود و بویژه با ارسال موشک‌های بانکستیر قادر است اهدافی در فاصله ۵۰ تا ۳ هزار کیلومتر را از بین ببرد. این بزرگترین اختراع در جهان است که می‌تواند از بین بردن ناو ششم آمریکا و همچنین پایگاه‌های نظامی آمریکا در عراق و خلیج فارس را در طول چند ساعت نابود کند.

روسیه مطمئن است که آمریکا هرگز جسارت استفاده از بمب یا موشک‌های اتمی را نخواهد داشت و حتی در صورت استفاده از آن، روسیه با موشک‌های ساراماک اتمی خود مقابله به مثل می‌کند؛ موشک‌هایی که طی ۱۶ دقیقه به آمریکا می‌رسد.

این در حالی است که موشک‌های اتمی ایالات متحده برای رسیدن به روسیه به ۴۸ دقیقه تا یک ساعت زمان نیاز دارند. آیا امور به این حد از وخامت رسیده است؟ جواب را نمی‌دانیم، اما می‌گوییم شرایط در لبنان و سوریه تغییر کرده و پوتین از جنگنده‌های روسی پرواز بر سواحل لبنان، سوریه و عراق را خواسته است، بویژه در آسمان عراق که می‌تواند از این طریق جنگنده‌های آمریکایی را به چالش بکشد.

قواعد درگیری واقعا متحول شده است و به صورت قطعی نمی‌دانیم ترامپ چه خواهد کرد، آیا جنگی را علیه ارتش روسیه در سوریه، یونان و مدیترانه آغاز می‌کند؟ لازم به ذکر است ۱۵۰ جنگنده روسی تراز یو ۲۲ می‌توانند از ایران حرکت کرده و اهداف آمریکایی در خلیج فارس و دریای مدیترانه را نابود کند.

علاوه بر این، روسیه سامانه‌های موشکی دارد که قادر است اهداف هوایی را ساقط کرده و هر جنگنده یا موشک آمریکایی را از رسیدن به اراضی ایران بازدارد.

موشک نابود کننده SA۲۲

بار دیگر می‌گوییم قواعد درگیری تغییر کرده و پوتین می‌خواهد آمریکا را وارد جنگی در خاورمیانه کند. روسیه قصد دارد با قساوت با اسرائیل مقابله کند و بعید نیست که جنگنده‌های روسی و اسرائیلی در آسمان لبنان و هر نقطه‌ای در سواحل اسرائیل، لبنان و سوریه با یکدیگر برخورد کنند.

در همین رابطه، روزنامه حریت ترکیه تصاویری را منتشر کرده است که در آن جنگنده‌های روسی در ارتفاع ۲۵ متری ناو آمریکایی که به سمت سوریه در حرکت است پرواز می‌کنند و این ناو را مجبور به تغییر مسیر کرده اند. این جنگنده‌ها آماده اند تا در صورت پیشروی ناوهای آمریکایی به سمت سواحل سوریه آن‌ها را از بین ببرند.

همچنین یک منبع نظامی روسیه تهدید کرده است که از جنگنده‌های سوری برای بمباران عربستان از مرزهای عراق استفاده می‌کند. جنگنده‌های سوریه ۱۰ دقیقه با کویت و ۲۵ دقیقه با عربستان فاصله دارد. به گفته این مسئول روسی، جنگنده‌های سوریه‌ای می‌توانند از ایران، عربستان سعودی و هر دولتی در خلیج فارس که در تجاوز به سوریه با آمریکا همراه شوند، را هدف قرار دهند. به این بن سلمان دیوانه می‌گوییم که کاخ او در رأس اهداف این جنگنده‌ها خواهد بود، طوری که مجبور می‌شود از ترامپ و کوشنر درخواست کمک کند. ولی عهد سعودی به این ترتیب نبض ارتش عربی سوری و نبض ارتش عراقی را خواهد دید، چرا که ما ارتش واحدی در سوریه و عراق شده ایم و با ائتلاف با ایران، می‌توانیم موشک‌هایمان را به سمت خلیج فارس شلیک کنیم و هدف اولمان هم عربستان سعودی است.

عربستان هنوز بهای جنگ با بمب‌های نابود گر روسیه را نمی‌داند. سعودی‌ها برای اولین بار صحنه‌ای بی نظیر را در تاریخشان خواهند دید، پایتخت آن‌ها ریاض و نیز جده با همه خیابان‌های آن بدون استثنا ویران می‌شود و نه ساختمانی مسکونی و نه پایگاهی نظامی باقی می‌ماند. یک نابودی واقعی رخ می‌دهد. باید جنگ اتفاق بیفتد، سوریه‌ای که ۷ سال مبارزه کرده و ۸۵ درصد از شهرهای آن با خاک یکسان شده، ۷ میلیون نفر از مردم آن مهاجرت کرده و یک میلیون و ۷۰۰ هزار تن از ملت سوری کشته شده اند، از جنگ با اسرائیل، یا با این شاهزاده سعودی مجنون و یا هر دولت دیگری باکی ندارد.

اما ایران اعلام کرده است: «در صورت تجاوز عربستان به سوریه، موشک‌های ایرانی، عربستان سعودی و بویژه شهرهای بزرگ و مهم آن، و مهمتر از همه شرکت آرامکو را هدف قرار خواهد داد».

این منبع نظامی روسیه گفت: به عربستان می‌گوییم هیچ بعید نداند که ایران وارد قطیف و قسمتی از خاک عربستان سعودی شود. تا کنون ما و ایران به یمن موشک بالستیک نداده ایم، اما در صورت تجاوز سعودی‌ها به سوریه، علناً چنین خواهیم کرد و وارد نبردی مستقیم با ارتش آمریکا می‌شویم و تا می‌توانیم موشک و سلاح پیشرفته تقدیم حوثی‌ها می‌کنیم.

او افزود: در این حالت، سعودی‌ها می‌بینند که اگر ایران را تحریک کنند، با خلیج فارس چه خواهد کرد. این شاهزاده دیوانه گمان می‌کند می‌تواند یک حمله به سوریه کند و تمام! همانطور که گفتیم شرکت ارامکو را با موشک‌های پیشرفته از بین می‌بریم و در ادامه به دلیل وجود چاه‌های نفتی، آتشی وحشتناک شعله ور می‌شود که هیچ دولتی در جهان نمی‌تواند آن را مهار کند.

مترجم: مریم نصرالهی

روزنامه البناء لبنان:

«محور مقاومت» چگونه به حمله آمریکا علیه سوریه پاسخ می‌دهد؟ / موشک‌های جریان مقاومت، ریاض را نشانه گرفته اند

هر اندازه که عملیات آمریکا در مورد سوریه جدی تر شود، تعداد موشک‌هایی که بر سر ریاض فرود خواهد آمد نیز بیشتر می‌شود. مقاومت ملی سوریه در شمالی شرق این کشور با استفاده از موشک‌های خود و عملیات شهادت طلبانه نابودی پایگاه‌های آمریکایی را بر عهده می‌گیرند، در حالی که پایگاه تنف و دیگر پایگاه‌های آمریکا در عراق نیز از سوی نیروهای مقاومت عراقی تهدید می‌شود.



پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir):

روزنامه البناء نوشت: با وجود زبان متناقض آمریکا در مورد عملیات نظامی در سوریه، محور مقاومت به گونه ای برخورد می‌کند که گویا جنگ قطعی است و تمام فرضیه ها را روی میز دارد.

به گزارش «انتخاب»؛ این روزنامه در ادامه آورده است: این محور تلاش می‌کند سناریوهای فرضی را ترسیم کند تا پاسخی محکمی برای هر یک از آنها تدارک ببیند. نبردهای سرنوشت سازی که محور مقاومت در آنها ورود کرده و پیروز شده و فداکاریهای عظیمی که برای تحقق برتری استراتژیک انجام داده، همگی در صورت اجرایی شدن تهدید های آمریکا تحت تاثیر قرار می‌گیرد. درست نیست که در مورد طبیعت این تصمیم صحبت شود، چرا که به

نظر قطعی و واضح می آید؛ تنها باید در اندیشه مقابله با آن در جهت تثبیت نتایج پیروزی های کسب شده در سوریه باشیم.

مسئولان فراهم کردن آمادگی های میدانی به نحوی رفتار می کنند که گویی جنگ آغاز شده و به شکلی برنامه ریزی می کنند تا این جنگ در کوتاهترین زمان ممکن و کمترین مساحت به پایان برسد. از این رو می کوشند با پیامهایی بازدارنده در همان ساعتهای نخست جنگ واشنگتن و هم پیمانانش را در برابر گزینه هایی سخت قرار دهند. محور مقاومت از این جهت به توانایی خود اطمینان دارند که آمریکا اهداف متناقضی را مطرح می کند؛ ضربه ای دردناک به دولت سوریه که موجب فلج شدن آن شود، و دوری از برخورد مستقیم با روسیه و ایران.

گسترش حجم هم پیمانان واشنگتن در جهت آمادگی برای ضربه نظامی به سوریه، محور مقاومت را آشفته نمی کند، چرا که بدین ترتیب دایره گزینه ها وسیع تر می شود و می تواند هدف قرار دادن هر یک از این هم پیمانان را عملی مشروع و قانونی کند؛ چرا که می توان گفت این هم پیمانان در یک تجاوز به سوریه با آمریکا همراه شده اند که باید پاسخ داده شود. در این صورت، مقابله با این شرکا براساس انتقام صورت نمی گیرد. به این دلیل است که محور مقاومت به دقت موضع هم پیمانان منطقه ای ایالات متحده را تحت نظر دارد تا بداند کدام یک از این عناصر در ضمن هم پیمانان آمریکا در این تجاوز قرار می گیرند تا آنها را وارد جدول مقابله قرار کند.

این در حالی است که عربستان سعودی رسماً اعلام کرده در حمله آمریکا، به آن ملحق می شود و صحبت از ورود امارات و اردن و قرار گرفتن پایگاههای آمریکایی در قطر و ترکیه است.

اهداف قانونی محور مقاومت تا کنون ریاض است -که اعلان شرکت در جنگ کرده- و همچنین پایگاههای آمریکایی مستقر در سوریه، عراق و اردن. به نظر می رسد این اهداف آنقدر بزرگ نیستند که نیروهای بزرگ در محور مقاومت آن را بر عهده گیرند.

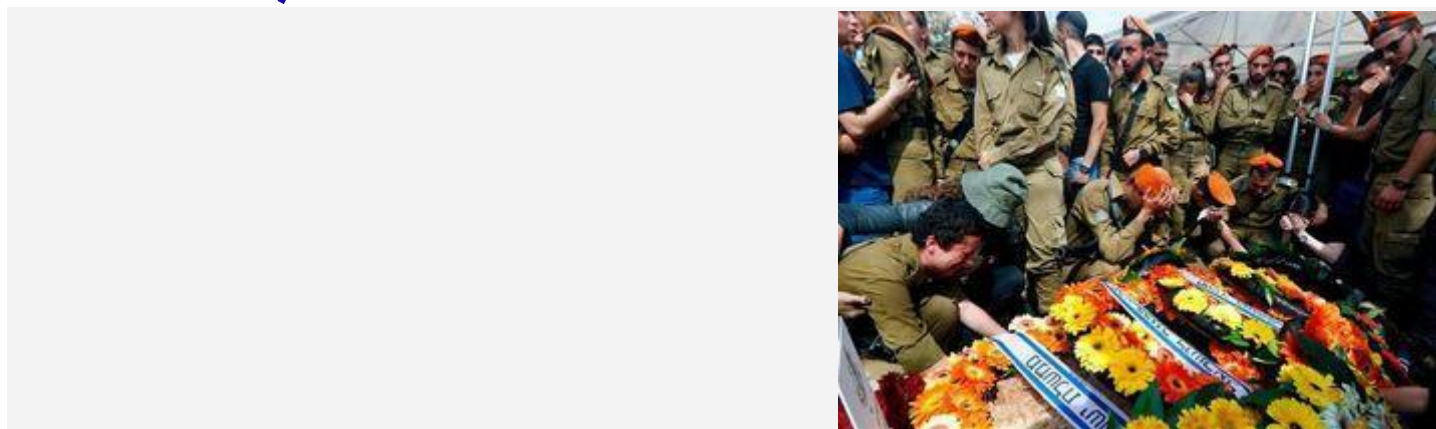
هر اندازه که عملیات آمریکا در مورد سوریه جدی تر شود، تعداد موشکهایی که بر سر ریاض فرود خواهد آمد نیز بیشتر می شود. مقاومت ملی سوریه در شمالی شرق این کشور با استفاده از موشکهای خود و عملیات شهادت طلبانه نابودی پایگاههای آمریکایی را بر عهده می گیرند، در حالی که پایگاه تنف و دیگر پایگاههای آمریکا در عراق نیز از سوی نیروهای مقاومت عراقی تهدید می شود.

بانک هدفهای محور مقاومت تا منافع اقتصادی فرانسه در شمال سوریه و پایگاههای جاسوسی انگلیس در جنوب سوریه گسترش می یابد و در ادامه تحرک اسرائیل را زیر ذره بین قرار می دهد تا از یک سو کیفیت رفتار اسرائیل در این بین را بداند و از سوی دیگر دقیقاً ارزیابی کند که چه زمانی لازم است معرکه را به عمق اسرائیل بکشاند.

برخی کارشناسان جدیت تصمیم آمریکا در مورد خروج از مسیر مذاکره در سوریه تا ورود به جنگ را با تخلیه پایگاههای آمریکا در سوریه و عراق مرتبط می دانند، ایالات متحده این کار را کرد تا در ابتدای امر با تابوت های سربازان و افسران خود که هدف موشکهای محور مقاومت قرار گرفته اند، مواجه نشود. تلاش واشنگتن برای کاهش تعداد هم پیمانانش در این جنگ نیز با هدف کاهش خسارتهاست.

1.

ژنرال های ارشد صهیونیست: آینده اسرائیل در لبه پرتگاه است



سه ژنرال بلندپایه ارتش رژیم صهیونیستی اذعان کردند که موجودیت رژیم صهیونیستی در معرض خطر قرار دارد و آینده این رژیم به دلایل داخلی و خارجی در لبه پرتگاه است.

به گزارش **مشرق** به نقل از پایگاه خبری عربی 12، سه ژنرال بلندپایه رژیم صهیونیستی درباره وقوع سناریوهای تیره تر درباره آینده این رژیم در سایه آنچه آن را "شکاف های بزرگتر بین اقشار اجتماعی" در درون فلسطین اشغالی توصیف کردند؛

هشدار دادند. آنها این وضعیت را خطرناکتر از جنگی کلاسیک توصیف کردند که ممکن است علیه رژیم صهیونیستی صورت گیرد.

این ژنرال‌ها با اشاره به افول بیشتر قدرت آمریکا در دهه‌های پیش‌رو و روی کار آمدن قدرت‌های بزرگ جهانی اذعان کردند که رژیم صهیونیستی بدون حمایت آمریکا توان ادامه حیات ندارد و دیگر از آن حمایت بین‌المللی دهه‌های اول تشکیل این رژیم نیز خبری نیست.

"آهارون لایب‌دوت" نویسنده و تحلیلگر صهیونیست که با "یتسحاق نیر" و "اریک چرنیاک" از افسران بلندپایه نیروی هوایی و "میشکا بن دیوید" از مأموران سابق موساد مصاحبه کرد، به روزنامه صهیونیستی "اسرائیل الیوم" گفت: "این سه فرد در سال‌های اخیر چندین کتاب را منتشر کرده‌اند که بدترین سناریوهای احتمالی تهدیدکننده اسرائیل را روایت می‌کند. مبنای مشترک همه آنها، از پیش‌بینی‌های بسیار دشوار در ارتباط با آینده اسرائیل تا مرحله تهدید موجودیت آن را شامل می‌شود". این نویسنده افزود: "اسرائیل قبل از جنگ اکتبر سال 1973 میلادی شاهد انتشار چنین کتاب‌هایی بود؛ یعنی زمانی که به سطح بی‌سابقه‌ای از ناامیدی و یأس رسیده بود و شکست نظامی و مسئله بودن یا نبودن اسرائیل، در درون فکر اسرائیلی‌ها رخنه کرده بود. این وضعیت بستر مناسبی را برای ظهور ادبیات یأس و ناامیدی ایجاد کرد و حال سؤال این است که آیا امروز نیز اسرائیل در چنین مرحله‌ای به‌سر می‌برد؟".

بن‌دیوید در کتابش با عنوان "کوسه سفید" که چند ماه پیش منتشر شد، داستان یک نظامی رژیم صهیونیست در گذرگاه بیت‌حانون (ایریز) را روایت می‌کند و می‌گوید: "رؤبیین یکی از نگهبانان گذرگاه ایریز در شمال نوار غزه است که با افسر مستقیم خود تلفنی صحبت می‌کند و می‌گوید: من زنان و کودکان را می‌بینم، امواج بزرگ انسانی، هزاران نفر از تاریکی می‌آیند؛ حتی اگر همه مهمات خودم را هم شلیک کنم، نخواهم توانست جلوی آنها را بگیرم زیرا ظرف یک دقیقه از روی من رد خواهند شد. من دستوری برای شلیک ندارم. افسر بلندپایه‌ای با ما درباره یورش انسانی از این نوع صحبت نکرده است".

فاجعه در راه است

آهارون لایب‌دوت نویسنده و تحلیلگر صهیونیست ادامه داد: "این سه افسر پیشینه امنیتی و نظامی طولانی دارند و جالب است که هریک از آنها از دیدگاه خود معتقد است که فاجعه برای اسرائیل در راه است. آنها معتقدند که می‌توان از زاویه ژئوپلیتیکی گسترده‌ای به اسرائیل نگاه کرد اما اگر همچنان تکیه اسرائیل به آمریکا باشد، بعد از مدتی خود را در لبه پرتگاه خواهد دید".

این سه ژنرال صهیونیست معتقدند: "درگیری با فلسطینی در درون خود، تهدید خطرناکی دارد. این تهدید، پیوستن فلسطینی‌های اراضی 48 به این درگیری است. چپ‌ساینگرانی از پیوستن آنها به فهرست دشمنان اسرائیل وجود داشته باشد؛ با وجود اینکه جبهه داخلی اسرائیل برای چنین سناریوی ترسناکی خواه در سطح سیاسی یا نظامی آماده نیست".

به‌نوشته روزنامه صهیونیستی "اسرائیل الیوم"، این سه ژنرال صهیونیست درباره "گسترش شکاف‌های اجتماعی در بین اسرائیلی‌ها و فشارهای خارجی ناشی از آن هشدار دادند که ممکن است به انفجار داخلی بزرگی منجر شده و اسرائیل را وارد نوعی تباہی و لبه پرتگاه کند".

آهارون لایب‌دوت نویسنده و تحلیلگر صهیونیست به‌نقل از بن‌دیوید گفت: "نگرانی من این است که اسرائیل - با وجود برتری نظامی و اقتصادی و ویژه بر همه کشورهای عربی - به چند دلیل اساسی و ریشه‌ای در مسیر پرتگاه حرکت می‌کند، اما در مقابل، نمی‌بینیم که حمایتی بین‌المللی از اسرائیل - آن‌طور که در دهه‌های اولیه عمر آن وجود داشت - صورت بگیرد؛ بلکه به‌عکس می‌بینیم که سازمان‌هایی نظیر "بی‌دی‌اس" (جنبش جهانی تحریم و خارج کردن سرمایه‌گذاری‌ها و اعمال مجازات علیه رژیم صهیونیستی) موفقیت‌هایی علیه ما کسب می‌کنند و نگران هستیم که به روزی برسیم که جهان به نبود ما در نقشه تن داده و آمادگی خود را برای عدم بقای اسرائیل نشان دهد؛ به این دلیل که هزینه‌ای که در مقابل این گزینه خواهد پرداخت، زیاد نخواهد بود".

وی افزود: "روسیه و چین با ما نیستند. آمریکا با رئیس‌جمهوری بی‌ثبات ممکن است از ما روی برگرداند اما در این نزدیکی نیز فکر می‌کنم نوار غزه به‌سمت انفجار پیش می‌رود که ما در مقابل آن، هزینه بسیار گزافی خواهیم پرداخت. کرانه باختری نیز ممکن است سناریوهای مشابهی را شاهد باشد. اما در جبهه داخلی، فکر می‌کنم که اسرائیل شاهد شکاف‌ها و گسست‌هایی است که در تاریخ خود تاکنون ندیده است".

اما ژنرال اسحاق نیر به‌نوبه خود معتقد است که "اسرائیل وجود فیزیکی روی زمین ندارد و بدون حمایت بین‌المللی و جهانی واضح نمی‌تواند ادامه بقا دهد".

وی معتقد است: آمریکا "که در اواخر قرن بیستم تنها قدرت بزرگ جهان بود؛ امروز خود را در وضعیت پس‌رفت می‌بیند. این امر ممکن است 20 تا 30 سال طول بکشد اما اتفاق خواهد افتاد. قدرت بزرگ آتی در شرق است؛ جایی که چین وجود دارد و چپ‌سای این قدرت هند باشد".

این ژنرال افزود: "تهدیدهای افسران بلندپایه نیروی هوایی مبنی بر اینکه هر کشوری اگر به ما حمله کند؛ آن را به عصر حجر باز خواهیم گرداند؛ سخنانی بیهوده است. درست است که نیروی هوایی می‌تواند آن کشورها را فلج کند؛ همان‌طور که در سال 1967 میلادی روی داد و ما در آن جنگ شرکت کردیم، اما دشمنان امروز ما مقادیر زیادی موشک دارند و می‌توانند حریم هوایی ما را به‌طور کامل ببندند و صدها موشک را به‌طور هماهنگ روی سر ما روانه کنند. در این صورت بازوان بلند اسرائیل کجاست؟".

"خطر موجودیتی"

از سوی دیگر، ژنرال اریک چرنیاک به‌طور خاص از تفاوت‌ها و شکاف‌های جامعه اسرائیل ابراز نگرانی کرد و گفت: "زیرا وضعیت اجتماعی و سیاسی بسیار سست است و این نگرانی وجود دارد که با گذر زمان رنگ و بوی افراط‌گرایی به خود بگیرد. شکاف‌ها در درون گروه‌های متعدد اجتماعی وجود دارد و اختلافاتی بین دولت و مراجع مجری قانون در جریان است و تلاش برای خدشه وارد کردن به دستگاه قضایی وجود دارد؛ با وجود اینکه من نگرانی کمتری از تهدید نظامی دارم". وی اشاره کرد: "ممکن است تحولات غیرقابل پیش‌بینی اتفاق بیفتد؛ از جمله بازگشت اخوان المسلمین به قدرت در مصر. امروز اسرائیل کنترلی بر میزان حضور ارتش مصر در سینا ندارد و به‌خاطر مبارزه با گروه‌های تروریستی، اسرائیل از ارتش مصر حمایت می‌کند اما اگر اخوان المسلمین به قدرت در مصر بازگردد؛ می‌توانم بگویم که ما ارتش مصر را با قدرت یکسان با ارتش اسرائیل خواهیم دید که ورود به سینا را آغاز خواهد کرد و این امر چهره نظامی بین نیروهای دو ارتش را تغییر خواهد داد".

این ژنرال اذعان کرد: "نیروی پیاده‌نظام اسرائیل برای ورود به جنگی زمینی در چند جبهه آماده یا مجهز نیست و این یک ضعف ساختاری به‌شمار می‌رود، شاید می‌تواند وارد جنگی در جبهه شمالی با سوریه و لبنان در آن واحد شود اما اگر جبهه مصر به آن ملحق شود یا اردنی‌ها با فشار فلسطینی‌ها وارد شوند؛ آنگاه اسرائیل خود را با مشکلی واقعی خواهد دید؛ با وجود داشتن نیروی هوایی. چه‌بسا آخرین سپر مورد attack، زیردریایی‌هایی باشد که کلاهک‌های هسته‌ای حمل می‌کند". چرنیاک از "خطر موجودیتی" سخن گفت که رژیم "اسرائیل در آن به‌سر می‌برد". وی گفت که "اسرائیل هم‌زمان باید توسعه دستاوردهای خود باید راحل‌هایی برای اوضاع ژئوپولیتیکی که آن را تهدید می‌کند، بیابد".

منبع: تسنیم

سفیر روسیه در لبنان: موشک‌های آمریکا را در صورت اقدام نظامی علیه سوریه هدف قرار خواهیم داد

یک منبع نظامی دیپلماتیک روس با اشاره به آمدن گروه کشتی‌های آمریکایی به منطقه دریای مدیترانه گفت: ناوگان دریایی روسیه "قادر است که در صورت لزوم به‌سرعت واکنش نشان دهد و هنگام آمدن آنها، کسانی منتظر آنها خواهند بود".

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

سفیر روسیه در لبنان امروز چهارشنبه تهدید کرد: اگر آمریکا حمله نظامی به سوریه انجام دهد؛ موشک‌های آمریکایی شلیک‌شده را هدف قرار خواهیم داد.

به گزارش انتخاب به نقل از خبرگزاری فلسطینی معا، سفیر روسیه در لبنان در پاسخ به احتمال حمله آمریکا به سوریه گفت: "اگر آمریکا اقدام نظامی علیه سوریه انجام دهد، ارتش روسیه با موشک‌های آمریکا مقابله خواهد کرد و چه‌بسا سکوها‌های پرتاب (موشک‌ها) را هدف قرار دهد".

در همین زمینه، یک منبع نظامی دیپلماتیک روس خطر عزیمت گروهی از کشتی‌های جنگی آمریکا به دریای مدیترانه را برای روسیه کم‌اهمیت دانست.

وی به روزنامه کامرسانت روسیه در واکنش به عزیمت کشتی‌های جنگی آمریکا و در صدر آنها ناو هواپیمابر "هری ترومن" به‌سمت دریای مدیترانه گفت: "تا کنون، چیز نگران‌کننده‌ای روی نداده است".

این منبع در عین حال افزود: "هرگونه تقویت نیروها در منطقه دریای مدیترانه به تشدید تنش منجر خواهد شد". وی تصریح کرد: نظامیان روس تحولات اوضاع را پیگیری و ارزیابی خواهند کرد و این مأموریتی است که از چند روز پیش انجام می‌دهند.

وی افزود: هواپیماهای شناسایی روسیه از نوع A-50 ناوشکن "دونالد کوک" آمریکا (مستقر در دریای مدیترانه) را زیر نظر دارند.

این منبع در اشاره به آمدن گروه کشتی‌های آمریکایی به منطقه دریای مدیترانه گفت: ناوگان دریایی روسیه "قادر است که در صورت لزوم به‌سرعت واکنش نشان دهد و هنگام آمدن آنها، کسانی منتظر آنها خواهند بود".

این منبع شاغل در دستگاه‌های مدیریت نظامی روسیه گفت: در یگان نیروی دریایی روسیه مستقر در دریای مدیترانه فقط کشتی‌های عادی نیستند بلکه زیردریایی‌ها هم حضور دارند، از جمله این زیردریایی‌ها، زیردریایی‌های هسته‌ای مجهز به اژدر و موشک‌های کالیبر ویژه انهدام اهداف دریایی و زمینی هستند.

این منبع در عین حال از افشای انواع مشخص زیردریایی‌های روسی مستقر در منطقه خودداری کرد اما روزنامه "The Sunday Times" انگلیس در سال 2016 میلادی نوشته بود که دو زیردریایی هسته‌ای از نوع "شوکا -

بی" و یک زیردریایی دیزلی از نوع "باتوس" در دریای مدیترانه رهگیری شده‌اند.
علاوه بر این، پایگاه هوایی حمیمیم روسیه در حومه لاذقیه سوریه موشک‌های ضدکشتی از نوع "خ - 35 کیاک" در اختیار دارد.
در همین حال، ژنرال یوری بالویفسکی رئیس ستاد نیروهای مسلح روسیه گفت: توانمندیهای دو ناوگان روسیه و آمریکا آنها را از لزوم نزدیک شدن مستقیم دوطرف در دریا بی‌نیاز می‌کند.
وی ابراز عقیده کرد: عزیمت گروهی از کشتی‌های جنگی آمریکا از پایگاه "نورفولک" به‌منزله نمایش قدرت به‌شیوه‌های "دیپلماسی گذشته" است.
بالویفسکی همچنین ابراز عقیده کرد که مسئله تا مرحله ضربات واقعی از سوی این یا آن طرف پیش نخواهد رفت و این مواضع سران دو کشور است که مسیر اوضاع را مشخص خواهد کرد.
منبع: تسنیم

سفیر روسیه در بیروت: مسکو به هر تجاوزی به سوریه پاسخ می‌دهد

«الکساندر زاسپکین» سفیر روسیه در بیروت تاکید کرد که کشورش پاسخ هر تجاوزی به سوریه را می‌دهد و موشک‌های شلیک شده به این کشور را سرنگون خواهد کرد.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

الکساندر زاسپکین سه شنبه شب در گفت و گو با شبکه تلویزیونی المنار با اشاره به موضع قاطع «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهوری روسیه و فرماندهان ارشد ارتش این کشور، تاکید کرد که روسیه به منبع آتشباری‌ها علیه سوریه حمله خواهد کرد.

طی روزهای اخیر آمریکا با متهم کردن سوریه به استفاده از سلاح شیمیایی در غوطه دمشق تهدید کرده که پاسخ این اقدام را خواهد داد.

سفیر روسیه پیش‌بینی کرد که تنش کنونی ممکن است به بحران شدیدی کشیده شود اما گفت که باید از درگیری دوری کرد.

وی تاکید کرد که روسیه آماده گفت و گو است.

به گفته زاسپکین دستاوردهای اخیر در آزادسازی غوطه شرقی دمشق باعث تعجب آمریکایی‌ها و همپیمانانش نشد بلکه آنها این اتفاق را شکستی برای خود دانستند.

سفیر روسیه تصریح کرد: اقدامات تحریک‌آمیز اخیر در موضوع سلاح‌های شیمیایی مقدمه چینی برای اقدام نظامی علیه دمشق است.

زاسپکین با اشاره به نتایج نشست اخیر سران روسیه، ترکیه و ایران در استانبول گفت که طرف‌های مقابل به دنبال ناکام کردن نتایج این نشست هستند.

وی با بیان اینکه حملات غرب علیه روسیه غیرمسئولانه است، تاکید کرد که سیاست کشورش، ایستادگی و رویارویی در برابر این اقدامات است.

منبع: ایرنا

گزارشی از آنچه امروز صبح در سوریه گذشت؛

حملات هوایی آمریکا، فرانسه و انگلیس به سوریه / پایگاه‌های گارد ریاست جمهوری سوریه و مراکز تحت اختیار حزب‌الله هدف قرار گرفت / ترامپ: عملیات ما، مقابله با «بربریت» است؛ پوتین به قولش عمل نکرد / آمریکا: عملیات محدود بود و پایان یافت؛ عملیات دیگری در دست برنامه ریزی نیست؛ روسیه از پیش در جریان قرار نگرفته بود / روسیه: از مجموع ۱۰۳

موشک شلیک شده، پدافند هوایی سوریه ۷۱ موشک را رهگیری کرد / سامانه موشکی سوریه را ارتقا می دهیم

دونالد ترامپ شامگاه جمعه در پایان نشست فوق العاده با مشاوران امنیتی کاخ سفید و پس از رایزنی های تلفنی با امانوئل ماکرون و ترزا می از آغاز حملات مشترک آمریکا، فرانسه و بریتانیا به سوریه خبر داد.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



دونالد ترامپ از آغاز حملات هوایی به سوریه خبر داد. به گزارش «انتخاب»، دونالد ترامپ شامگاه جمعه در پایان نشست فوق العاده با مشاوران امنیتی کاخ سفید و پس از رایزنی های تلفنی با امانوئل ماکرون و ترزا می از آغاز حملات مشترک آمریکا، فرانسه و بریتانیا به سوریه خبر داد.

رئیس جمهوری آمریکا با هولناک توصیف کردن حملات ارتش سوریه اعلام کرد به همراه فرانسه و بریتانیا عملیاتی را برای مقابله با «بربریت» آغاز کرده است.

دونالد ترامپ تاکید کرد به نیروهای تحت امر خود دستور داده است پایگاه هایی را که حملات شیمیایی دولت بشار اسد از آنجا هدایت و سازماندهی می شود، هدف قرار دهند.

دونالد ترامپ در بخشی دیگر از سخنان خود به ایران و روسیه در خصوص هرگونه حمایت از بشار اسد هشدار داد و تاکید کرد ولادیمیر پوتین نتوانست به وعده خود برای ممانعت از هرگونه استفاده از سلاح های شیمیایی توسط ارتش سوریه عمل کند.

همزمان خبرگزاری ها از شنیده شدن صدای انفجارهای قوی در پایتخت سوریه خبر داده اند.

خبرگزاری فرانسه به نقل از منابع خود در دمشق اعلام کرد پس از پرواز چندین فروند هواپیمای جنگی بر فراز آسمان این شهر سحرگاه روز شنبه صدای چندین انفجار قوی پایتخت سوریه را به لرزه انداخت.

بنا بر اعلام خبرگزاری فرانسه اولین انفجار ساعت 4 بامداد به وقت محلی روی داده است. تلویزیون سوریه نیز از مقابله پدافند هوایی این کشور درباره تجاوز آمریکا و متحدانش خبر داد.

دولت سوریه نیز اعلام کرده که پدافند هوایی ارتش این کشور بیش از 15 موشک را در اطراف دمشق رهگیری و منهدم کرد.

این حملات به بهانه استفاده ارتش سوریه از سلاح شیمیایی در شهر دوما انجام شده در حالی که هیچ منبع مستقلى

تاکنون موضوع استفاده از سلاح شیمیایی را تایید نکرده است. دولت سوریه خود رسماً از سازمان منع گسترش سلاحهای شیمیایی (opcw) برای بازدید از شهر دوما و راستی آزمایی ادعاهای آمریکا و متحدانش، دعوت کرده است.

حملات هوایی آمریکا و متحدانش به شکل حملات موشکی و حملات با استفاده از جنگنده‌های این کشورها بوده که وارد حریم هوایی سوریه نشده و موشک‌های خود را خارج از مرزهای سوریه شلیک کردند.

حملات بر سه استان دمشق، حمص و حماة متمرکز بوده و جنگنده‌های آمریکایی از پایگاه هوایی العدید این کشور در قطر به پرواز درآمده بودند. منابع محلی در سوریه می‌گویند دست‌کم 30 موشک کروز و تام‌هاک به دمشق شلیک شده است.

مقامات آمریکایی اعلام کرده اند که در اقدام نظامی بر ضد سوریه چندین موضع مختلف با بمب‌های متنوع هدف حمله قرار گرفته اند. برخی منابع نیز تصریح کرده اند که در جریان حملات هوایی واحد هایی از مراکز تولیدات شیمیایی در سوریه مورد حمله قرار گرفته اند.

لندن نیز اعلام کرده است که حملات انجام شده توسط ارتش بریتانیا یک مجتمع نظامی در نزدیکی حمص را هدف قرار داده است. وزارت دفاع بریتانیا با اعلام این خبر تصریح کرد کشورش با چهار فروند هواپیمای شکاری تورنادو GR4 متعلق به نیروی هوایی سلطنتی در اقدام هماهنگ شده با متحدان مشارکت دارد.

دیده بان حقوق بشر سوریه، سازمانی غیر دولتی که مقر آن در لندن است در اطلاعی‌ه ای اعلام کرد حملات هوایی مشترک آمریکا، فرانسه و بریتانیا پایگاه های نظامی و مراکز تحقیقات علمی در داخل و اطراف دمشق را هدف قرار داده اند.

نخست وزیر بریتانیا: اقدام نظامی اجتناب ناپذیر بود

ترزا می نخست وزیر بریتانیا دقایقی پس از شروع حملات هوایی به سوریه اعلام کرد هیچ جایگزین دیگری برای واکنش به حملات شیمیایی ارتش بشار اسد به جز اقدام نظامی وجود نداشت.

نخست وزیر بریتانیا تصریح کرد متحدین در پی یافتن راهی برای پرهیز از اقدام نظامی بودند اما روسیه مانع تلاش های دیپلماتیک شد.

ماکرون: نمی توانیم شاهد عادی شدن استفاده از سلاح شیمیایی باشیم

امانوئل ماکرون نیز در سخنانی استفاده از سلاح شیمیایی را خط قرمزی دانست که نمی توان در برابر آن بردباری نشان داد. رئیس جمهوری فرانسه با تایید مشارکت نظامیان فرانسوی در حملات مشترک بر ضد سوریه هدف از این اقدام نظامی را ضربه زدن به ظرفیت های تولید سلاح های شیمیایی در این کشور اعلام کرد.

امانوئل ماکرون با تاکید بر وجود دلایل کافی دال بر دست داشتن دولت سوریه در انجام حملات شیمیایی خاطرنشان کرد: «رژیم سوریه مسئول کشته شدن دهها مرد، زن و کودک در جریان حمله شیمیایی هفتم آوریل به دوما است و در این مسئله جای هیچ شک و تردیدی وجود ندارد.»

پایان عملیات نظامی متحدین در سوریه

در حالیکه هنوز جزئیات بیشتری از وسعت و چگونگی حملات هوایی آمریکا، فرانسه و بریتانیا به سوریه منتشر نشده است ژنرال جو دانفورد، رئیس ستاد کل ارتش آمریکا دقایقی پیش از پایان یافتن این عملیات خبر داد.

این فرمانده آمریکایی ساعتی پس از شروع حمله در کنفرانس خبری مشترک با جیم متیس، وزیر دفاع آمریکا تصریح کرد که عملیات دیگری در حال حاضر در دست برنامه ریزی نیست و متحدین در حملات هوایی جمعه شب با دقت فراوان اهداف را به گونه ای انتخاب و نشانه رفتند که به نیروهای روسی مستقر در خاک سوریه آسیبی وارد نشود.

این مقام بلند پایه نظامی همچنین یادآور شد که روسیه از پیش در جریان این حمله قرار نگرفته بود.

وزیر دفاع آمریکا: بشار اسد پیام سال گذشته را نگرفته بود

جیم ماتیس، وزیر دفاع آمریکا نیز پس از حملات هوایی و موشکی به سوریه که با همراهی فرانسه و بریتانیا صورت گرفت با حضور در میان خبرنگاران اعلام کرد این عملیات پاسخ به حملات شیمیایی ارتش سوریه و «پیامی روشن» برای بشار اسد بود.

وزیر دفاع آمریکا با یادآوری حمله هوایی کشورش به پایگاه نظامی شعیرات در نزدیکی حمص که آوریل سال 2017 در پاسخ به استفاده ارتش سوریه از سلاح هسته ای صورت گرفت، تصریح کرد: «بسیار روشن است که دولت بشار اسد پیام سال گذشته ما را دریافت نکرده بود.»

جیم ماتیس همچنین خاطرنشان کرد: «اینبار، ما به همراه متحدین واکنش شدید تری نشان دادیم. ما به اسد و

فرماندهان ارتش سوریه به صراحت این پیام منتقل کردیم که نباید بار دیگر مرتکب چنین رفتاری شوند و از سلاح شیمیایی برای حملات خود استفاده کنند زیرا حسابش را پس خواهند داد.»
وزیر دفاع آمریکا در پایان تصریح کرد: «وقت آن است که همه کشورهای متمدن به سرعت و فوریت متحد شوند تا بتوان با تکیه بر فرایند صلح سازمان ملل متحد به جنگ داخلی در سوریه پایان داد.»
حملات چه مناطقی را هدف گرفت

بنا بر اعلام رسانه‌های غربی و نیز منابعی در داخل سوریه، عمده مناطق هدف قرار گرفته، پایگاه‌های نظامی یا مراکز وابسته به ارتش سوریه بوده است
مرکز تحقیقاتی برزه واقع در اطراف دمشق که از مراکز علمی پژوهشی ارتش سوریه محسوب می‌شود از جمله مناطقی است که هدف حمله قرار گرفته و تلوزیون سوریه نیز آن را تایید کرده است.
انبارهای مهمات ارتش سوریه در 15 مایلی مرکز استان حمص نیز از دیگر اهداف این حمله بوده که ظاهراً 4 فروند جنگنده انگلیسی آن را بمباران کرده‌اند.
پایگاه‌های گارد ریاست‌جمهوری و لشکر چهارم ارتش سوریه در اطراف دمشق که مسئولیت حمایت از پایتخت سوریه را بر عهده دارند نیز از مناطق هدف قرار گرفته اعلام شده است. پایگاه‌های گارد ریاست‌جمهوری و لشکر چهارم عمدتاً در داخل و اطراف شهر دمشق مستقر است.
پایگاه‌های و مراکز تحت اختیار حزب‌الله لبنان نیز از دیگر مناطقی است که منابع داخلی سوریه گفته‌اند در حملات بامداد امروز هدف قرار گرفته است.
واکنش روسیه

وزارت خارجه روسیه لحظاتی پس از این حمله اعلام کرد: دمشق پایتخت سوریه درست زمانی هدف قرار گرفت که در حال حرکت به سوی آینده‌ای صلح آمیز بود و فرصت برای صلح فراهم شده بود.
وزارت خارجه روسیه رسانه‌های غربی را در این تجاوز شریک دانست و اعلام کرد: رسانه‌های غربی نیز مسئول این حملات هستند چرا که با استناد به اخبار آنها این حملات صورت گرفت.
سفیر روسیه در آمریکا هم آمریکا، فرانسه و انگلیس را مسئول پیامدهای این حمله دانست و گفت تمامی تبعات آن متوجه این سه کشور خواهد بود.
ادامه اخبار به صورت لحظه به لحظه در زیر آمده است:

*وزارت دفاع انگلیس اعلام کرد که چهار جنگنده تورنادو در حملات به اهدافی در سوریه مشارکت داشتند
*سی.ان.ان: حمله به سوریه نمادین بود و دستاوردی نداشت. اصلاً این‌طور نیست که /توانمندی‌های ارتش سوریه نابود شده و از بین رفته باشد.

*آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان ضمن حمایت از حمله موشکی به سوریه گفت این اقدام «ضروری» و «متناسب» بود

*ترزای می: حمله نظامی به سوریه محدود، هدفمند و به منظور کاهش توانایی رژیم سوریه برای توسعه و استفاده از تسلیحات شیمیایی بود

*«جیمز متیس» وزیر دفاع آمریکا ادعا کرد که حملات هوایی به اهدافی در سوریه فقط یک بار صورت می‌گیرد و هدف آن ارسال پیامی محکم به رئیس‌جمهوری سوریه است

*پوتین: حمله به سوریه، حمله به حاکمیت مستقلی است که پیش‌تاز مبارزه با تروریسم بوده است
*سفیر سوریه در لبنان: نتیجه حمله امروز، هیچ بود/ بازی شیمیایی هیچ‌کس حتی افکار عمومی انگلیس و فرانسه را قانع نکرده است.

*وزارت دفاع روسیه: به ارتقا سامانه پدافند موشکی سوریه ادامه می‌دهیم. آماده از سرگیری مذاکره تحویل اس-۳۰۰ به ارتش سوریه هستیم و ممکن است این سامانه را در اختیار دمشق قرار دهیم.

*وزارت دفاع روسیه: از مجموع ۱۰۳ موشک شلیک شده از سوی متجاوزان، پدافند هوایی سوریه ۷۱ موشک را رهگیری کرد.

*وزارت دفاع روسیه: در حمله موشکی امروز آمریکا، هیچ‌یک از نظامیان و شهروندان سوری آسیب ندیدند.

*نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی از وزرای کابینه‌اش خواست از اظهارنظر راجع به اوضاع سوریه خودداری کنند.

انهدام یک مرکز تحقیقاتی (شیمیایی!!) در حمله هوایی آمریکا و متحدانش به سوریه

حملات موشکی تحت امر آمریکا به سوریه موجب وارد آمدن خسارات مادی به یک تاسیسات تحقیقاتی در برزه در مجاورت دمشق شده است.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :





















اگر سوریه واقعا گاز سارین یا کارخانه‌های ساخت سلاح‌های
شیمیایی داشته باشد آیا واقعا منطقی است که با بمباران
ساختمان‌ها خطر مرگ هزاران نفر با انتشار چنین سموم حساسی
را بپذیریم



شفقتا- اگر سوریه واقعا گاز سارین یا کارخانه‌های ساخت سلاح‌های شیمیایی داشته باشد آیا واقعا
منطقی است که با بمباران ساختمان‌ها خطر مرگ هزاران نفر با انتشار چنین سموم حساسی را
بپذیریم؟

به گزارش شفقنا به نقل از دیپلماسی ایرانی، در طول هفته گذشته، رئیس جمهور ترامپ شلیک بیش از ۱۰۰ موشک به سوریه را جشن گرفت و توییت کرد: «ماموریت تحقق یافته». می گویند اگر از تاریخ یاد نگیری به ناچار آن را تکرار می کنی. بنابراین به گمانم ما در حال تکرار تاریخ هستیم. همه ما به یاد می آوریم روزی که رئیس جمهور بوش بابت «ماموریت تحقق یافته» خود خوشحال بود با بنری از پیروزی که روی ناو دریایی پس از پایان نبرد در عراق زده شده بود. اگرچه پس از پیروزی او نزدیک به ۴ هزار نفر از پرسنل نظامی آمریکا کشته شدند، یک میلیون عراقی جان خود را از دست دادند و تمام زیرساخت ها و ساختار اجتماعی کشور به شدت تخریب شد. تخریبی گسترده که احتمالاً هرگز نتوان آن را ترمیم کرد. در واقع آنچه از حمله ایالات متحده به سوریه بسیار به ذهن می آید ماجرای عراق است.

آمریکا در عراق نیز با بمباران شروع کرد. پیش از اینکه بازرسان بین المللی ماموریت خود برای بررسی ذخایر سلاح های کشتار جمعی صدام حسین انجام داده باشند. در صورت انجام ماموریت مجوز حمله، تصاویر رنج آور و تخریب یک کشور می توانست ایجاد نشود. در سوریه نیز ایالات متحده پیش از اینکه بازرسان بین المللی حتی مجاز به بررسی ادعاها مبنی بر دست داشتن اسد در حمله شیمیایی دوما شوند، بمباران آغاز شد. چرا؟ عجله برای چه بود؟ آیا واشنگتن می ترسید که اسد ممکن است گناهکار شناخته نشود؟ چه کسی حقیقتاً از حمله ایالات متحده به دولت سوریه سود برد؟ گزارش هایی مبنی بر این بود که داعش بلافاصله پس از حملات هوایی تحرکاتی داشت. آیا ما واقعا می خواهیم تبدیل به نیروی هوایی داعش و القاعده شویم؟ این کار امنیت ما را تضمین می کند؟ زمانی را به یاد می آورم که القاعده دشمن ما بود نه یک متحد در سرنوشتی آخرین دولت سکولار در خاورمیانه.

آیا مسیحیان سوریه پس از حمله اخیر آمریکا وضعیت بهتری دارند؟ تنها یک هفته پیش برای اولین بار پس از سال ها مسیحیان توانستند عید پاک را در حلب برگزار کنند. حالا چه تغییری ایجاد شد؟ ارتش سوریه القاعده را که بخش هایی از قسمت شرقی سوریه را در اختیار داشتند، بیرون کرد. مسیحیان وضعیت بدتری داشتند اگر تروریست های معتدل کنترل سوریه را در دست می گرفتند.

اگر سوریه واقعا گاز سارین یا کارخانه های ساخت سلاح های شیمیایی داشته باشد آیا واقعا منطقی است که با بمباران ساختمان ها خطر مرگ هزاران نفر با انتشار چنین سموم حساسی را بپذیریم؟ آیا منطقی است که ریسک کشتن غیرنظامیان را به بهانه اینکه دولت سوریه افراد غیرنظامی را با سلاح های شیمیایی کشته است، بپذیریم؟ نه بیشتر شبیه حماقت است همانطور که در مورد صدام مرتکب آن شدیم.

اگر آمریکا می دانست که سلاح های شیمیایی در ساختمان هایی که بمباران کرده اند ساخته می شود چرا سازمان پیشگیری از سلاح های شیمیایی را در جریان قرار نداد؟ سازمان مذکور ساختمان های بمباران شده را مدتی نه چندان قبل پاک عنوان کرده بود. چرا دوباره از آنها خواسته نشد که این ساختمان ها را بازرسی کنند؟ سوالات فراوانی درباره تصمیم اقتضاح رئیس جمهور در مورد برافروختن جنگ با سوریه وجود دارد. به عنوان مثال جایگاه کنگره در این میان کجاست؟ فاجعه بار است که صحبت های پل رایان را درباره عدم درخواست مجوز حمله از کنگره بشنویم. همه اعضای کنگره به قانون اساسی قسم یاد کرده اند که تنها این نهاد اعلام جنگ کند. آیا این قسم معنایی ندارد؟

رئیس جمهور روزی حسرت خواهد خورد که چرا گذاشته است که نهوکان ها کنترل سیاست خارجی دولت او را بر عهده بگیرند. سابقه آنها فاجعه بار است. حمله به سوریه آشکارا غیرقانونی بود و تصمیم او برای جنگ می تواند به این قیمت تمام شود که حزب او کنترل مجلس را از دست بدهد و رقبایش در حزب دموکرات کنترل اوضاع را در دست بگیرند.

منبع: آنتی وار/ نویسنده: ران پاول/ مترجم: روزبه آرش

آمریکا “پایگاهی در مرز با لبنان را هم هدف قرار داده”

منتشر شده در: ۲۵ فروردین ۱۳۹۷.

خبرگزاری رویترز به نقل از یک فرمانده نیروهای هوادار بشار اسد می گوید به غیر از مرکز تحقیقاتی هدف قرار گرفته شده در برزه سوریه و انبار تسلیحاتی در حمص مکان های زیر هم هدف قرار گرفته شده است.

یک پایگاه نظامی در منطقه دیماس در نزدیکی مرز با لبنان. گزارش شده که جنگنده های اسرائیلی در سال ۲۰۱۴ این منطقه را بمباران کرده بودند

یک مرکز در مصیاف در استان حما که طبق گزارش ها وابسته به مرکز تحقیقاتی بوده که به گفته سازمان های اطلاعاتی غربی سال پیش محل تولید مهمات شیمیایی بوده است.

انبار تسلیحاتی ارتش در منطقه قلمون شرقی در شمال شرقی دمشق منطقه کسوه در جنوب دمشق.

به گزارش بی بی سی گفته شده ایران یک پایگاه نظامی در این منطقه دایر کرده است. در ماه دسامبر گزارش شد اسرائیل موشک هایی به این منطقه پرتاب کرده و خساراتی به آن وارد کرده است.

کاخ سفید: اهداف ایرانی در لیست حمله موشکی آمریکا به

سوریه نبود

یک شنبه 29 رجب 1439 هـ - 15 آوریل 2018 م

دبی. العربیه نت فارسی

چند مقام عالی رتبه کاخ سفید اعلام کردند که هیچ کدام از 105 موشک کروز آمریکایی شلیک شده در سوریه، به سمت اهداف ایرانی یا روسی شلیک نشده اند و تنها تاسیسات و مراکز پژوهشی ساخت تسلیحات شیمیایی رژیم سوریه را هدف قرار داده اند.

علیرغم اینکه اهداف ایرانی در لیست حملات آمریکا در سوریه نبود، دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا به ایران هشدار داد و گفت که ایران باید اموالش را به جای حمایت از اشد، صرف بهبود اقتصاد کشورش کند.

یکی دیگر از مقامات کاخ سفید در یک گفتگوی تلفنی کوتاه گفت که آمریکا برای روسیه نقش مهمی در روند ثبات سوریه قائل است و گام بعدی بعد از حمله موشکی باید بازگشتن به گفتگوهای ژنو، تلاش برای اصلاح قانون اساسی، برگزاری انتخابات آزاد و پشتیبانی از تلاش های سازمان ملل بر اساس قطعنامه 2254 است.

یک مقام عالی رتبه آمریکا نیز افزود که هدف ایالات متحده شکست دادن داعش است و این حمله موشکی تاثیری بر حضور نزدیک به 2 هزار سرباز آمریکایی در شمال سوریه ندارد. هدف از این حمله موشکی مشخص و محدود بود و تنها مراکز تولید و نگهداری تسلیحات شیمیایی را مورد هدف قرار داد تا توان رژیم سوریه در استفاده مجدد از این تسلیحات را فلج کند.

ژنرال مکنزی در مقر پنتاگون نیز اعلام کرد که رژیم سوریه کماکان تسلیحات شیمیایی دیگری را در اختیار دارد که با توجه به نگهداری آنها در مناطق مسکونی، هدف قرار دادن آنها در این حمله موشکی، می توانست به کشته شدن شهروندان بیانجامد.

تحلیلگران بر این باورند که ایالات متحده باید سیاستی در پیش بگیرد که جنگ سوریه را که وارد سال هشتم خود شده، به پایان برساند. رئیس جمهوری آمریکا تهدید کرد که در صورت استفاده مجدد از تسلیحات شیمیایی حملات نظامی دیگری در پیش خواهد بود. برخی دیگر نیز احتمال وضع تحریم های جدید علیه ایران و روسیه به عنوان حامیان بشار اسد را دور از ذهن ندانسته اند.

خرین به روز شدن: یک شنبه 29 رجب 1439 هـ - 15 آوریل 2018 م GMT 05:37 - KSA 08:37

انفجار بزرگ در پایگاه نیروهای سپاه ایران و شبه نظامیان افغان در جنوب حلب

یک شنبه 29 رجب 1439 هـ - 15 آوریل 2018 م

گزارش‌ها حکایت از وقوع انفجارهایی بزرگ در پایگاه محل تجمع نیروهای ایرانی و شبه‌نظامیان همراهش از جمله فاطمیون افغان در بلندی‌های عزان در جنوب استان حلب دارد. دیدبان حقوق بشر سوریه وقوع انفجار «بزرگ» را شامگاه شنبه 14 آوریل تایید و تاکید کرد که منطقه محل انفجار، محل حضور نیروهای سپاه پاسداران، حزب‌الله لبنان، و نیروهای فاطمیون افغان است. رامی عبدالحمین مدیر دیدبان حقوق بشر سوریه در مصاحبه با العربیه گفت که این انفجار، تلفات جانی هم داشته است.

در حالی که برخی از رسانه‌ها به نقل از منابع محلی، از پرواز جنگنده ناشناس بر فراز منطقه پیش از انفجار خبر داده‌اند، مدیر دیدبان حقوق بشر سوریه گفت که تا کنون نمی‌توان از عامل حادثه با اطمینان سخن گفت.

خبرگزاری فارس نزدیک به سپاه پاسداران هم در حساب خود در شبکه اجتماعی توییتر، وقوع انفجار در بلندی‌های عزان در جنوب استان حلب را تایید کرد.

روزنامه اسرائیلی جورزالیم پست در سایت خود نوشت که یک جنگنده اسرائیلی پایگاه محل حضور نیروهای ایرانی را بمباران کرده است.

تا کنون رسانه‌های دولتی سوریه، خبری در این باره منتشر نکرده‌اند. اما شبکه خبری المیادین نزدیک به نظام سوریه، به نقل از منابع محلی، وقوع حمله هوایی را تکذیب کرد.

این در حالی است که کمتر از دو هفته پیش، فرودگاه نظامی تی‌فور (T4) در استان حمص هدف حمله‌ای هوایی قرار گرفت که طی آن دستکم 14 تن از جمله 7 تن از نیروهای سپاه پاسداران ایران کشته شدند.

اکتفا به انتقاد و محکومیت از سوی روسیه و ایران و هیچگونه اقدام!!

گفتگوی تلفنی رؤسای جمهور ایران و روسیه:

روحانی: حمله آمریکا، فرانسه و انگلیس به سوریه اقدامی تجاوزکارانه و برای روحیه دادن به تروریست‌های شکست خورده بود / نباید اجازه دهیم آتش تنشی جدید در منطقه شعله‌ور شود/ پوتین: رسیدن به صلح در سوریه با این اقدام آمریکا دشوارتر شد

رئیس جمهور روسیه با اشاره به ضرورت اقدامات برای حل بحران انسانی در یمن و آتش بس در این کشور، خاطرنشان کرد: ایران و روسیه باید با هماهنگی بیشتر در راستای توسعه صلح و ثبات در منطقه گام بردارند.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



رؤسای جمهور ایران و روسیه در گفتگویی تلفنی آخرین تحولات بین المللی، منطقه‌ای، اوضاع سوریه و چگونگی همکاری‌ها و روابط دوجانبه تهران-مسکو را مورد بررسی قرار دادند.

به گزارش انتخاب؛ حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی روز یکشنبه در تماس تلفنی «ولادیمیر پوتین» رئیس جمهوری فدراسیون روسیه، حمله آمریکا، فرانسه و انگلیس به سوریه به بهانه استفاده از سلاح شیمیایی را اقدامی تجاوزکارانه و در راستای روحیه دادن به تروریست‌های شکست خورده در این کشور عنوان کرد و گفت: اگر تجاوز و نقض آشکار قوانین بین المللی به سادگی و بدون پرداخت هیچ هزینه‌ای از سوی عاملان آن امکان پذیر شود، باید شاهد بی‌ثباتی‌های جدیدی در نظام بین الملل و منطقه باشیم.

رئیس جمهور با بیان اینکه "این اقدام تجاوزکارانه آمریکا نشان داد که با تروریست‌ها رابطه مستقیم دارند"، افزود: آمریکایی‌ها زمانی که احساس کردند دست تروریست‌ها از منطقه مهمی مانند غوطه شرقی کوتاه شده، اینگونه عکس العمل از خود نشان دادند.

دکتر روحانی افزود: حمله آمریکا و متحدانش به سوریه نشان دهنده آنست که در مسیر مبارزه نهایی با تروریسم در سوریه با مشکلات و مسائل جدید روبرو هستیم و باید ریزنی و همکاری بیشتری با هم داشته باشیم.

رئیس جمهور با اشاره به اینکه آمریکا و برخی کشورهای غربی نمی‌خواهند که اوضاع سوریه به راحتی به ثبات دائمی برسد، گفت: باید برای حل بحران سوریه بر سرعت عمل در اقدامات خود بیافزاییم و در این راستا جمهوری اسلامی ایران آمادگی دارد تا همکاری‌های خود با روسیه را در چارچوب‌های دوجانبه و سه جانبه افزایش دهد.

دکتر روحانی افزود: متأسفانه همزمان با تنش آفرینی‌های جدید در منطقه رژیم صهیونیستی دست به اقدامات تجاوزکارانه جدید علیه مردم فلسطین زده و این در حالیست که نباید اجازه دهیم آتش تنش جدید در منطقه شعله‌ور شود.

دکتر روحانی همچنین با اشاره به وقوع فاجعه انسانی در یمن بر ضرورت ارسال کمک‌های بشردوستانه به آنان تأکید کرد و گفت: ادامه درگیری و کشتار مردم در یمن به نفع هیچ کس نیست و ایران آماده کمک به هر روندی در راستای برقراری آتش بس، امنیت، صلح و نجات مردم این کشور است.

رئیس جمهور همچنین با بیان اینکه روابط و همکاری‌های ایران و روسیه در بخش‌های مختلف به خوبی در حال پیشرفت بوده و توسعه مناسبات تحرک شایان ذکری داشته اظهار امیدواری کرد با تلاش مسئولان دوکشور روابط و همکاری‌های تهران-مسکو بویژه در زمینه اقتصادی و تجاری گسترش یابد.

دکتر روحانی ادامه داد: اراده جمهوری اسلامی ایران بر توسعه روابط و همکاری‌های نزدیک و صمیمانه‌تر با روسیه است.

«ولادیمیر پوتین» رئیس جمهوری فدراسیون روسیه نیز در این گفتگوی تلفنی، با اشاره به اینکه ایران و روسیه در بسیاری از مسائل و موضوعات منطقه‌ای و بین المللی دیدگاه مشترکی دارند، گفت: حمله آمریکا و کشورهای غربی به سوریه با هربهانه‌ای نقض فاحش قوانین بین المللی است و این اقدام آمریکا و متحدانش چیزی جز جنایت بین‌المللی و

تجاوز نبوده و بهانه کاربرد سلاح شیمیایی در سوریه بی اساس و خلاف واقع است. پوتین با بیان اینکه حمله آمریکا به سوریه در حالی انجام شد که کارشناسان کمیسیون بین المللی منع سلاح های شیمیایی برای بررسی وارد سوریه شده بودند، اظهار داشت: سازمان ملل متحد برای اجماع میان کشورها ایجاد شد و نباید در راستای تامین منافع سیاسی برخی قدرت ها باشد چراکه اگر همه بخواهند با شیوه خود در عرصه بین الملل عمل کنند، با هرج و مرج مواجه خواهیم شد.

وی با تاکید بر اینکه "این اقدامات متجاوزانه مانع از تلاش ما در مسیر مبارزه با تروریسم و افراطگرایی در منطقه و بویژه سوریه نمی شود"، گفت: روند رسیدن به صلح در سوریه با این اقدام آمریکا دشوارتر شد، اما باید در هر صورت رایزنی ها و روابط سه جانبه ایران، روسیه و ترکیه ادامه یافته و برای توسعه صلح و ثبات و برقراری گفتگو در این کشور تلاش کنیم.

رئیس جمهور روسیه با اشاره به ضرورت اقدامات برای حل بحران انسانی در یمن و آتش بس در این کشور، خاطرنشان کرد: ایران و روسیه باید با هماهنگی بیشتر در راستای توسعه صلح و ثبات در منطقه گام بردارند. پوتین همچنین بر توسعه روابط و همکاری های همه جانبه تهران- مسکو بویژه در بخش اقتصادی و تجاری تاکید کرد و گفت: در شرایط کنونی استفاده از تمامی ظرفیت ها و توانمندی ها در راستای گسترش روابط و مناسبات ایران و روسیه ضروری است.

هرمیداس باوند در گفت و گو با «انتخاب» تحلیل کرد؛

پیام حمله صبحگاهی آمریکا به سوریه چه بود؟ / ایران و روسیه چه تصمیمی در روزهای آینده خواهند گرفت؟

داوود هرمیداس باوند؛ تحلیلگر روابط بین الملل می گوید: درباره حمله آمریکا، فرانسه و انگلیس به سوریه، ایران در همین حد که محکوم کند و یا به درستی بگوید این موضوع، آینده سوریه را مشکل تر و طولانی تر خواهد کرد کافی است. ضرورتی باشد که فراتر از این موضوع، واکنشی نشان داد.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



داوود هرمیداس‌باوند؛ تحلیل‌گر روابط بین‌الملل می‌گوید: درباره حمله آمریکا، فرانسه و انگلیس به سوریه، ایران در همین حد که محکوم کند و یا به درستی بگوید این موضوع، آینده سوریه را مشکل‌تر و طولانی‌تر خواهد کرد کافی است. ضرورتی باشد که فراتر از این موضوع، واکنشی نشان دهد.

هرمیداس‌باوند در گفت و گو با خبرنگار «انتخاب»، در پاسخ به سوالی درباره اینکه آیا حملات سه کشور آمریکا، انگلیس و فرانسه به سوریه، ادامه خواهد داشت یا خیر گفت: اقدامات تنبیهی معمولاً برای اهداف محدودی است و در این مورد هم در رابطه با ادعای استفاده از سلاح شیمیایی بر خلاف حقوق بین‌الملل و به ویژه کنوانسیون منع تولید، توسعه و استفاده از سلاح شیمیایی بود. از این رو، در این مقطع گفته می‌شود تا این اقدامات تا همین جا بوده و فراتر از این نخواهد بود.

او ادامه داد: البته اگر اتفاق مجددی در خصوص استفاده از سلاح شیمیایی رخ دهد، این کشورها بر اساس مقتضیات روز تصمیم می‌گیرند. اما نظریه اقدامات تنبیهی معنایش همین است و از همین سه پایگاهی که مورد هدف قرار گرفته فراتر نخواهد رفت.

این استاد دانشگاه درباره واکنش روسیه به حملات سه کشور مذکور نیز گفت: واکنش روسیه قابل پیش‌بینی بود. درست است که سفیر روسیه در لبنان گفته بود موشک‌ها را از بین می‌بریم ولی از سابقه روسیه قابل پیش‌بینی بود که غیر از محکومیت لفظی اقدامات دیگری انجام ندهند. هرچند بعداً اعلام می‌کنند که درباره پیامدهای آن تصمیماتی خواهند گرفت.

هرمیداس‌باوند ادامه داد: روسیه اعلام کرده که این موضوع، بحران سوریه را پیچیده‌تر کرده است. این یک واقعیت است. در عین حال معنای دیگری هم برای غرب دارد و آن اینکه چون غرب در مسئله سوریه آنچنانی که باید و شاید، نقش تعیین‌کننده نداشت، با این اقدامات تنبیهی به نحوی خود را بیشتر از پیش وارد ماجرای سوریه کرد. یعنی در هر حال تصمیم‌گیری درباره آینده سوریه باید با توافق غرب صورت بگیرد.

او درباره واکنش ایران به اوضاع سوریه هم گفت: ایران هم اعلام کرده بود که حمله، مشکل خاورمیانه به خصوص سوریه را پیچیده‌تر می‌کند و امکان صلحی که در افق‌ها پدیدار شده بود را به تأخیر می‌اندازد. فکر نمی‌کنم ضرورتی باشد که ایران فراتر از این موضوع، واکنشی نشان دهد. در همین حد که محکوم کند و یا به درستی بگوید این موضوع، آینده سوریه را مشکل‌تر و طولانی‌تر خواهد کرد کافی است.

هرمیداس‌باوند درباره این موضوع که مقام‌های روسیه اعلام کرده اند برخی موشک‌های شلیک شده به سریه، توسط موشک‌های ساخت شوروی سابق منهدم شده اند نیز گفت: روسیه، بد یا خوب حضور مسلط در سوریه پیدا

کرده و شریک اتفاقاتی است که در سوریه پیش می آید و برای حیثیت خود مجبور است واکنش هایی را نشان دهد. اما اینکه بگوید زمان شوری سابق ساخته شده، بعید می دانم پس از فروپاشی شوری در سوریه از چنین سلاح هایی استفاده کنند؛ بلکه روسیه در شرایط موجود از سلاح های موجود استفاده می کند. در هر صورت روسیه می خواهد عدم دخالت خود را به صورت حاشیه ای نشان دهد.

واکنش انتقادی پوتین به حمله آمریکا، فرانسه و انگلستان به سوریه: این اقدام دارای تبعاتی ویرانگر برای روابط بین الملل است

آمریکا، فرانسه و انگلستان بامداد امروز به بهانه پاسخ به حادثه ادعایی در شهر «دوما»، نقاطی در سوریه را هدف حمله قرار دادند. وزارت دفاع روسیه از هفته ها پیش گفته بود که تروریست ها و حامیان آن ها در تدارک انجام یک حمله شیمیایی یا صحنه سازی برای فراهم کردن شرایط اقدام نظامی در سوریه هستند.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir):

رئیس جمهور روسیه با انتقاد از اقدام نظامی آمریکا در سوریه، این حمله را «تجاوز به حاکمیتی مستقل» خواند که پیشتر مبارزه با تروریسم است.

به گزارش انتخاب؛ «ولادیمیر پوتین» رئیس جمهور روسیه روز شنبه در واکنش به حمله سه کشور غربی به سوریه، این اقدام را دارای تبعاتی ویرانگر برای روابط بین الملل توصیف کرد.

به نوشته خبرگزاری «اینترفکس»، در بیانیه پوتین آمده است: «تشدید تنش در سوریه آثار ویرانگری بر کل روابط بین الملل دارد؛ اقدامات آمریکا باعث وخامت بیشتر اوضاع انسانی در سوریه می شود.»

وی با بیان اینکه مسکو برگزاری نشست فوق العاده شورای امنیت سازمان ملل متحد را خواستار است، گفت: حمله به سوریه، اقدامی تجاوزکارانه علیه حاکمیتی مستقل است که پیشتر مبارزه با تروریسم بوده است.

آمریکا، فرانسه و انگلستان بامداد امروز به بهانه پاسخ به حادثه ادعایی در شهر «دوما»، نقاطی در سوریه را هدف حمله قرار دادند. وزارت دفاع روسیه از هفته ها پیش گفته بود که تروریست ها و حامیان آن ها در تدارک انجام یک حمله شیمیایی یا صحنه سازی برای فراهم کردن شرایط اقدام نظامی در سوریه هستند.

منبع: فارس

الجزیره بررسی کرد:

روس ها برخلاف تهدیدات شان به حملات موشکی آمریکا پاسخ نگفتند

«توهین به رئیس جمهور روسیه امری غیر قابل قبول است و این ضربه ها بدون عواقب نخواهد بود». اینها صحبت های سفیر روسیه در واشنگتن در پی حملات موشکی ایالات متحده، فرانسه و انگلیس به نظام سوریه در سحرگاه روز شنبه است. در این میان سوال هایی در مورد کیفیت واکنش مسکو به این حمله مطرح می شود.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir):

محمد النجار در الجزیره نوشت: «توهین به رئیس جمهور روسیه امری غیر قابل قبول است و این ضربه ها بدون عواقب نخواهد بود». اینها صحبت های سفیر روسیه در واشنگتن در پی حملات موشکی ایالات متحده، فرانسه و انگلیس به نظام سوریه در سحرگاه روز شنبه است. در این میان سوال هایی در مورد کیفیت واکنش مسکو به این حمله مطرح می شود.

به گزارش «انتخاب»؛ این شبکه عرب زبان در ادامه آورده است: صرف نظر از واکنش زود هنگام سفیر روسیه و زاخاروا، به نظر می رسد مسکو خود را با این ضربه 50 دقیقه ای به سوریه وفق داده است، بویژه آنکه سه طرف متجاوز همه تلاش خود را برای عدم تحریک مسکو و هدف قرار نگرستن پایگاه های آن در سوریه کردند.

خبرنگاران الجزیره در مسکو واکنش های اولیه روسیه به حملات امروز صبح به سوریه را در مقایسه با هدف قرار گرفتن فرودگاه الشعیرات توسط آمریکایی ها در سال گذشته، ضعیف تر می دانند. در این بین رسانه های روسیه حملات به پایگاه های نظام سوریه را «نمایشی» توصیف می کنند.

آنچه که می تواند چگونگی عکس العمل روسیه به ضربه امروز را مشخص کند، پیامهای غیر مستقیم وزارت دفاع روسیه و آمریکا در این باره است. رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا در یک کنفرانس مطبوعاتی در صبح شنبه اعلام کرد هم پیمانان ایالات متحده همه تلاش خود را کرده اند تا به پایگاههای روسی مستقر در سوریه ضربه ای نزنند. این در حالی است که روسیه بر این مساله تاکید کرد پیش از این ضربه ها هیچ هشداري به آن داده نشده است. یک مسئول نظامی بلند پایه آمریکا نیز بر این نکته تاکید کرد که نقشه ای برای انجام عملیات نظامی دیگری ندارد. این پیام آمریکا در خصوص سعی آن برای تحریک نکردن مسکو، با این پیام روسیه مواجه شد که طی آن وزارت دفاع روسیه اعلام کرد بیش از 100 موشک ائتلاف سه گانه از فراز پایگاههای روسیه در سوریه عبور نکرده اند. گذشته از این، وزارت دفاع روسیه مشارکت سامانه های دفاعی خود در حملات موشکی به سوریه را به شدت تکذیب کرد و این مساله ای است که به عقیده مامون ابونوار، کارشناس مسائل استراتژیک، علامت سوالهایی را در مورد دلایل عدم مقابله روسها با موشکهای آمریکایی و غربی بر می انگیزد، در حالی که در روزهای گذشته روسیه در این مورد تهدید کرده بود.

ابو نوار در گفتگو با الجزیره گفت:پیش بینی ها نشان می دهد ایالات متحده و هم پیمانان آن از آغاز تصمیمی برای هدف گرفتن پایگاههای روسیه یا تحریک آن نداشتند.

ابو نوار معتقد است عبور نکردن موشکهای ائتلاف سه گانه از پایگاههای حمیمیم و طرطوس با هدف تحریک نکردن روسها انجام شده است؛ چرا که حتی یک اشتباه کوچک از سوی آمریکا و هم پیمانانش در این نواحی می توانست منجر به سقوط موشکهایشان بر پایگاههای روسیه شده و در نتیجه با واکنش روسها مواجه شوند. این کارشناس بعید نمی داند که پیش از حمله، طی هماهنگی قبلی صورت گرفته بین آمریکا و روسیه، پایگاههای حضور نیروهای روسیه مشخص شده است تا مورد حمله و اشنگتن قرار نگیرند.

امروز هر دو طرف روسی و آمریکایی تاکید کردند که قصد ورود به مقابله مستقیمی را ندارند، مقابله ای که می تواند تهدیدی خطرناک و بی سابقه برای امنیت و صبح جهانی باشد.

اما ابو نوار بعید نمی داند که مسکو گام هایی عملی را در جهت پاسخ به حملات و اشنگتن و هم پیمانانش بردارد؛ گامهایی که لزوماً نظامی و مستقیم نخواهد بود.

مسکو می تواند از طریق حملات الکترونیک به ارتباطات و سازمانهای وابسته به آمریکا تشویش و نا به سامانی را در تحرکات آمریکا در منطقه ایجاد کند.

اما مساله خطرناکتر آن است که روسیه تصمیم بگیرد حفظ «خط ارتباطی» بین افسران آمریکایی و روس در جریان عملیات در سوریه را متوقف کند، در این صورت احتمالات درگیری بین این دو افزایش یافته و ما را وارد مرحله تازه ای تهدیدها می کند.

بین ضربات «محدود» ائتلاف سه گانه و واکنشهای به دور از تشنج مسکو سوالی باقی می ماند مبنی بر اینکه آیا این حملات هوایی خطوط قرمز تازه ای را در جریان مذاکرات ترسیم می کند؟ آیا مسکو در میدان ثابت می کند که در جنگی که برای تثبیت ارکان نظام بشار اسد آغاز کرده شکست نخورده است؟ در روزهای آینده پاسخ این سوالات مشخص خواهد شد.

مترجم: مریم نصرالهی

درک شرایط!!! علت اینکه روسیه به حملات آمریکا پاسخ نداد / دو طرف هزینه جنگ مستقیم را درک کردند

شنبه ۲۲ فروردین را می توان نقطه عطفی در تنش های میان روسیه و ایالات متحده دانست. جایی که الکساندر زاسپکین، سفیر روسیه در لبنان در اظهاراتی کم سابقه به آمریکا و هم پیمانانش هشدار داد: «در صورتی که حمله ای موشکی به سوریه انجام شود، ما نه تنها خود موشک ها که حتی مبدا شلیک موشک ها را هم مورد هدف قرار خواهیم داد.»

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

یورونیوز نوشت: سه شنبه ۱۰ آوریل/ ۲۲ فروردین را می توان نقطه عطفی در تنش های میان روسیه و ایالات متحده دانست. جایی که الکساندر زاسپکین، سفیر روسیه در لبنان در اظهاراتی کم سابقه به آمریکا و هم پیمانانش هشدار داد: «در صورتی که حمله ای موشکی به سوریه انجام شود، ما نه تنها خود موشک ها که حتی مبدا شلیک موشک ها را هم مورد هدف قرار خواهیم داد.»

بعد از این اظهارات بود که دونالد ترامپ ۱۱ آوریل در توئیتر با انتشار پستی تند، به روسیه آماده باش داد که منتظر

«موشک‌های تر و تمیز، زیبا و هوشمند» آمریکا باشد. رئیس‌جمهور آمریکا هرچند در ادامه و در توییت‌های بعدی از تندی زبان خود کاست اما بعد از آن مشاجره همه منتظر بودند تا واکنش روسیه به حمله احتمالی آمریکا و متحدینش را ببینند.

اما پس از حملات ۱۴ آوریل، آمریکا، بریتانیا و فرانسه به سوریه، نه تنها مبدا ارسال موشک‌ها هدف قرار نگرفت که حتی خود موشک‌ها هم از سوی روسیه تعقیب نشد. اما چرا روسیه به تهدیدات خود عمل نکرد؟ آیا اساسا آن تهدید صرفا یک لفاظی از سوی سفیر روسیه در لبنان بود و راهبرد مسکو متفاوت از آن‌چیزی است که سفیرش در بیروت به زبان آورد؟ یا همراهی بریتانیا و فرانسه با آمریکا سبب شد مسکو از تهدیدات خود عقب بنشیند؟ یا اینکه تهدیدات روسیه باعث شد سطح حملات واشنگتن، پاریس و لندن تنزل یابد؟

شاید پاسخ تک کلمه‌ای برای این پرسش وجود نداشته باشد چرا که احتمالا مجموعه‌ای از عوامل در واکنش روسیه دخیل بوده است.

ابتدا سطح و عمق حملات به سوریه را بررسی کنیم. طبق گزارشهای رسمی حدود ۱۰۰ تا ۱۲۰ موشک از سوی متحدین به روسیه شلیک شده است. یک مقام عالیرتبه ارتش روسیه در این خصوص می‌گوید: «از ۱۰۳ موشک ارسال ۷۱ عدد از سوی سامانه دفاعی سوریه منهدم شده و به هدف نخورده است.» وزارت دفاع روسیه نیز گفته است سوریه از سیستم موشکی قدیمی زمین به هوا اس-۱۲۵ و سامانه موشکی بوک که محصول شوروی سابق هستند استفاده کرده است.

همچنین طبق گزارشها، هیچیک از پایگاه‌های روسیه در سوریه مورد هدف قرار نگرفته است. وزارت دفاع روسیه در بیانیه‌ای گفته حملات آمریکا و متحدانش متوجه پایگاه‌های روسی نبوده است. در این بیانیه همچنین آمده: «موشک‌های شلیک شده در نزدیکی مناطق تحت حفاظت روسیه در طرطوس و حمیمیم نبوده‌اند.»

طبق اعلام رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا تنها سه نقطه یعنی یک مرکز تحقیقاتی در دمشق که ظاهرا با فعالیت‌های بیولوژیک و شیمیایی مرتبط بوده، یک انبار تسلیحات شیمیایی در غرب حمص و همچنین یک انبار تجهیزات و تسلیحات شیمیایی در نزدیکی حمص مورد هدف قرار گرفته‌اند.

از سوی دیگر آن‌طور که ژنرال دانفورد رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا اعلام کرد، هیچ برنامه‌ای برای ادامه یا گسترش این عملیات وجود ندارد.

از سوی دیگر وزیر دفاع فرانسه هم اعلام کرده پیش از حمله، به روسیه در این خصوص اطلاع داده شده است. هرچند آمریکا این موضوع را تکذیب کرده است.

اما واکنش روسیه به مجموعه این تحولات تنها به محکوم کردن گذشت و واکنش عملی در این راستا از کرملین مشاهده نشد. هرچند ممکن است روس‌ها در روزهای اخیر کمک‌های اطلاعاتی و مستشاری در این رابطه به سوری‌ها داده باشند. کمااینکه یکی از مقامات عالی‌رتبه سوریه در این خصوص گفته‌است: «با اطلاع و مشاوره روسیه در روزهای اخیر، مراکز نظامی که از سوی آمریکا و متحدینش مورد حمله قرار گرفت را تخلیه کرده بودیم»

اما در مجموع به نظر می‌رسد هر دو طرف هزینه و خطر وقوع یک درگیری مستقیم را درک کردند. ترامپ در سخنرانی معروفش در ۳۰ مارس اظهار داشت: «به دلیل هزینه‌های فراوانی که حضور در سوریه برای آمریکا به همراه داشته، قصد دارد از این کشور خارج شود.» تنها چند روز بعد و در ۴ آوریل، رئیس‌جمهور آمریکا در یک سخنرانی دیگر به عربستان پیشنهاد داد، اگر خواهان حضور ایالات متحده در سوریه است باید هزینه این حضور را بپردازد. در عین حال اما ترامپ به دنبال یک درگیری جدی با روسیه نبود و هرچند در مقابل اظهارات سفیر روسیه در لبنان واکنش تندى نشان داد، اما به این نکته هم توجه داشت که در حملات موشکی‌اش در سوریه به نقاط حساس روسیه نزدیک نشود.

در عین حال هنوز نباید ماجرای واکنش‌های روسیه را تمام شده دانست. وزارت دفاع روسیه در بیانیه خود پس از پایان حملات ائتلاف به سوریه اظهار داشته: «موضوع تحویل سامانه ضد موشکی اس ۳۰۰ به سوریه را بررسی خواهیم کرد.»

ضمن اینکه اعلام نارضایتی برخی از کشورهای عربی به ویژه به صورت غیررسمی از عمق و سطح این حملات موشکی تردیدها در خصوص نیت آمریکا، بریتانیا و فرانسه را بیشتر کرده است. به ویژه وقتی که سخنرانی ۴ آوریل ترامپ و درخواست او از عربستان برای پرداخت هزینه حضور ایالات متحده در سوریه را به یاد آوریم. مجموعه این تحولات نشان می‌دهد که آمریکا و متحدینش یا تهدید روسیه را جدی گرفته‌اند و یا نخواستند به تنش‌های بیشتر با پوتین دامن بزنند. میزان ضربه‌ای که آمریکا و متحدینش وارد کردند، به آن اندازه نبود که روسیه

بخواهد واکنش شدید و مستقیمی نشان دهد. ضمن اینکه روسیه هم می‌داند دست زدن به واکنشی شدید در مقابل حملات هوایی نسبتاً محدود و اشنگتن، لندن و پاریس می‌تواند چه هزینه‌های وحشتناکی به همراه داشته باشد. ضمن اینکه دو طرف به خوبی دریافته‌اند با بازی تهدید طرف مقابل می‌توانند به خوبی از عواقب و سطح اقدام رقیب بکاهند.

«موساد»: حمله به سوریه صوری بود

سازمان جاسوسی رژیم صهیونیستی موسوم به «موساد» اعلام کرد که اهداف حمله اخیر آمریکا، انگلیس و فرانسه به سوریه تحقق پیدا نکرده است.

به گزارش مهر به نقل از مرکز اطلاع رسانی فلسطین، پایگاه اینترنتی روزنامه عبری زبان یدیعوت احارونوت به نقل از یک مقام موساد اذعان کرد که حمله به سوریه صوری و ناکارآمد بوده و نتوانسته اهداف خود را محقق کند.

مقام صهیونیست مذکور مدعی شد که این حملات مانع استفاده مجدد دولت سوریه از سلاح شیمیایی نمی‌شود.

این مقام موساد تاکید کرد که دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا تنها خواسته است از طریق حمله به سوریه نشان دهد به استفاده از سلاح شیمیایی واکنش نشان داده است و هدف از حمله، نابودی توانایی‌های شیمیایی سوریه نبوده است.

اعتراف مکرون به بی‌نتیجه بودن حملات سوریه

رئیس جمهوری فرانسه که با انتقادهای فراوان داخلی برای مشارکت در حمله به سوریه روبرو است، روز سه شنبه اذعان کرد که اینگونه حملات هیچ چیزی را حل نمی‌کند.

کد خبر: ۷۹۱۱۵۷

تاریخ انتشار: ۲۸ فروردین ۱۳۹۷ - ۲۱:۲۸ April 2018

رئیس جمهوری فرانسه که با انتقادهای فراوان داخلی برای مشارکت در حمله به سوریه روبرو است، روز سه شنبه اذعان کرد که اینگونه حملات هیچ چیزی را حل نمی‌کند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از استراسبورگ، امانوئل مکرون گفت: من واقعا نگران هستم. وقتی اصول پیش رویمان نگاه می‌کنیم، باید از خود پرسیم به کجا می‌خواهیم برویم. اینگونه حملات به سوریه هیچ چیزی را حل نمی‌کند.

مکرون گفت: به منظور یافتن راه حلی مسالمت آمیز برای خروج از بن بست سوریه، آمادگی داریم که با همه طرف‌های حاضر در سوریه از جمله روسیه، ترکیه و ایران و حتی خود دولت سوریه و همه گروه‌های مخالف گفت و گو کنیم.

رئیس جمهوری فرانسه از همه کشورها خواست به آنچه وی 'تلاش بشردوستانه برای کمک به غیرنظامیان در سوریه' خواند، ملحق شوند.

وی در پایان از اختصاص 50 میلیون یورو برای کمک به سازمان‌های غیردولتی فعال در سوریه خبر داد اما اشاره ای به این منابع مالی نکرد.

به گزارش ایرنا، مکرون که تا پیش از حمله به سوریه همراه با متحدانش همواره از آن دفاع می‌کرد، به نظر می‌رسد پس از انتقادهای فراوان سیاستمداران فرانسوی از مواضع خود عقب نشینی کرده است.

مشارکت فرانسه در اقدام نظامی علیه سوریه به همراه آمریکا و انگلیس، موجی از اعتراض‌ها را در میان سیاستمداران فرانسوی به دنبال داشته است.

سیاستمداران فرانسه مشارکت مکرون در حمله به سوریه را تقبیح کردند

مارین لوپن رئیس حزب راست‌گرای جبهه ملی فرانسه و رقیب سرسخت امانوئل مکرون در انتخابات ریاست جمهوری این کشور در حساب کاربری توئیتر خود نوشت: اقدام نظامی فرانسه علیه سوریه، کشور ما را در مسیری غیر قابل پیش بینی قرار داد که می‌تواند نتایج اسفباری به دنبال داشته باشد.

فرانسه بار دیگر این فرصت را از دست داد تا در عرصه جهانی به عنوان قدرتی مستقل و کشوری که به دنبال صلح است، نمایان شود.

والری بویر یکی از سیاستمداران مطرح مخالف دولت مکرون نیز در این باره در صفحه توئیتر خود نوشت: در حالی که فرانسه بطور کامل در مبارزه علیه تروریسم غایب است، متأسفانه مکرون بدون مجوز سازمان ملل متحد خود را وارد این معرکه و رسوایی بزرگ کرد. فرانسه به چه بهایی و برای چه از سیاست‌های آمریکا علیه روسیه پیروی می‌کند؟

روسیه بازیگران فیلم مجروحان شیمیایی سوریه را علنی می کند!

نماینده روسیه در سازمان منع سلاح شیمیایی گفت شواهد زیادی از اخبار جعلی غرب مبنی بر استفاده از گاز شیمیایی وجود دارد ولی غرب متحداً یک سناریویی که انگار از پیش نوشته شده را تکرار میکند و اصلاً حرف های منطقی ما را گوش نمیکند. اگر واقعاً غرب انبارهای سلاح شیمیایی - اگر وجود میداشت - را در سوریه میزد آیا پیش بینی کرده بود چه مقدار انسان را به کشتن میداد؟ ما دیگر در این نوع بازی گفتن و استدلال کردن ما و گوش ندادن غربی ها شرکت نمی کنیم و از شیوه دیگری استفاده می کنیم. آنها در درک حرفهای منطقی اشکال دارند. ما در جلسه بعدی همان کسانی را که شما به عنوان قربانیان سلاح های شیمیایی از آنان فیلم گرفته اید را خواهیم آورد تا آنان خود بگویند در ازای چه مقدار پول در این فیلم ها شرکت کرده بودند.

رسوایی صحنه سازی و فیلمبرداری شیمیایی در سوریه

رسانه های غربی ترجیح داده اند دیگر اخبار مربوط به حمله محور شرارت به سوریه و اخبار جعلی انبار سلاح های شیمیایی در این کشور را یا منتشر نکنند و یا در حداقل ممکن اشاره ای به آن کرده و بگذرند.

در عوض، رسانه ها و مقامات روسیه دست بردار نیستند و هر روز اطلاعات تازه ای درباره جعلی بودن اخبار مربوط به وجود سلاح شیمیایی در سوریه که بهانه حمله نظامی به این کشور شد را منتشر می کنند.

در تازه ترین خبر که روز گذشته تلویزیون های روسیه پخش کردند خبرنگار امریکائی شبکه اول اخبار "نت ورک" بنام "پرسون شارپ" به سوریه رفته و در شهر "دوما" با مردم عادی در هرکجای شهر که مایل بوده صحبت کرده و حتی در جستجوی مجروحان باصطلاح شیمیایی به بیمارستان ها رفته است.

او در گزارش مستقیم خود بعنوان نتیجه تلاش های خبری اش گفت:

من هیچگونه شواهدی مبنی بر استفاده از سلاح شیمیایی در "دوما" و در بیمارستان ها ندیدم و مردم عادی نیز اخبار مربوط به چنین ماجرائی را جعلی و ساخته غربی ها می دانستند.

در بیمارستانی که پیش از حمله به سوریه فیلمی در آنجا از باصطلاح مجروحان شیمیایی تهیه شده بود به من گفتند که چند نفر با چند بچه ناگهان به همراه چند کودک و با دوربین فیلمبرداری وارد بیمارستان شدند و در گوشه ای از بیمارستان مواد رنگی روی سر و روی کودکانی که همراهشان آورده بودند ریختند و فیلم گرفتند و فوراً بیمارستان را ترک کردند.

روسیه: کودک سوری جزئیات فیلم ساختگی حمله به "دوما" را فاش کرد

اسپوتنیک، خبرگزاری رسمی روسیه گزارش داد، حسن دیاب، کودک سوری که در ویدیوهای ساختگی "کلاه سفیدها" به عنوان قربانی حمله های شیمیایی دوما، نشان داده شده بود، جزئیات این فیلم های ساختگی را فاش کرد.

به گزارش عصر خبر، حسن دیاب همچنین در گفتگویی که با شبکه "روسیه 1" داشت، گفت: ما

در یک زیرزمین بودیم. مادرم به من گفت، پسرم چیزی برای خوردن نداریم و امروز چیزی نمی‌خوریم. من صدایی از بیرون شنیدم که فریاد می‌زدند؛ "به بیمارستان بروید". ما به بیمارستان رفتیم و تا وارد بیمارستان شدیم ما را گرفتند و بر روی ما آب ریختند و بر روی روی تخت های بیمارستان قرار دادند.

خبرنگار شبکه تلویزیونی "روسیه 1" اشاره کرد که این کودک را مجبور به حضور در این ویدئو کردند.

وی گفت: "حسن" غذایی برای خوردن نداشت و به وی گفتند در ازای حضور در این فیلم به تو برنج، خرما و کیک خواهیم داد.



پدر "حسن" نیز گفته های وی را تایید کرد و افزود که هیچ حمله شیمیایی به این شهر صورت نگرفته بود.

روز 14 آوریل آمریکا و متحدانش بیش از 100 موشک به سوریه شلیک کردند. این موشک ها از دو ناو نیروی دریایی آمریکا در دریای سرخ، از هواپیما های تاکتیکی بر فرار حوضه دریای مدیترانه و همچنین توسط بمب افکن های B-1B از منطقه التنف شلیک شدند. حمله به تاسیسات نظامی و کشوری سوریه از ساعت 3 و 42 دقیقه تا ساعت 5 و ده دقیقه 14 آوریل به وقت محلی طول کشید. سامانه های دفاع هوایی سوریه 71 فروند از موشک های کروز غربی

را قبل از رسیدن آنها به اهداف خود منهدم کردند.

لفاظیهایی بین روسیه و اسرائیل تنش کم سابقه در روابط روسیه و اسرائیل / تل آویو: نمی پذیریم که مسکو برای فعالیت های ما در سوریه و مقابله با تهران حد و حدود تعیین کند / رای الیوم: از این پس S300 های روس منتظر جنگنده های اسرائیل در دمشق هستند

روابط روسیه و اسرائیل این روزها بر وفق مراد نیست و پس از بمباران موشکی پایگاه تیفور، به سطح بسیار پایین رسیده است. تا آنجا که وزارت خارجه روسیه سفیر اسرائیل در مسکو را احضار کرده و اعتراضات شدید خود را به وی ابلاغ کرد، در حالی که پوتین نتانیاهو را به دوری از انجام هر گونه اقدامی که منجر به متشنج تر شدن اوضاع شود، فراخواند.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir):

رای الیوم نوشت: روابط روسیه و اسرائیل این روزها بر وفق مراد نیست و پس از بمباران موشکی پایگاه تیفور، به سطح بسیار پایین رسیده است. تا آنجا که وزارت خارجه روسیه سفیر اسرائیل در مسکو را احضار کرده و اعتراضات شدید خود را به وی ابلاغ کرد، در حالی که پوتین نتانیاهو را به دوری از انجام هر گونه اقدامی که منجر به متشنج تر شدن اوضاع شود، فراخواند.

به گزارش «انتخاب»؛ این روزنامه چاپ لندن در ادامه آورده است: در این میان، لیبرمن، وزیر جنگ اسرائیل در یک گفتگوی مطبوعاتی تصریح کرده است که دولت او هرگز نمی پذیرد که روسیه برای فعالیتهای اسرائیل در سوریه یا منطقه حد و حدودی تعیین کند و نیروهای نظامی اسرائیل از آزادی عمل کامل برخوردارند، یعنی به حملات خود به سوریه ادامه داده و به ایران اجازه تقویت حضور نظامی در سوریه و تبدیل آن به یک پایگاه برای حمله به اسرائیل را نمی دهد.

این نهایت گستاخی و وقاحت است که مسئولان اسرائیلی به تعیین حدودی برای تجاوز آنها به خاک سوریه اعتراض می کنند و بر ادامه حملات خود اصرار دارند؛ حتی اگر این محدودیتها از سوی دولت بزرگ همچون روسیه وضع شده باشد. اسرائیل نمی تواند درک کند که سوریه میدان مشاعی برای هواپیماها و موشکهای آن نیست. مشارکت اسرائیل در تجاوز سه گانه به سوریه و حمله به پایگاه تیفور و شهادت 14 نظامی سوریه ای و ایرانی، بدون پاسخ نخواهد ماند و چه بسا روسیه را وادار به تقدیم اس 300 به سوریه کند.

به نظر می رسد اظهار نظر ابراهام هالیفی رئیس سابق موساد در گفتگو با شبکه 10 اسرائیل، در خصوص وقوع مقابله نظامی با ایران، خواه در سوریه و یا در فلسطین اشغالی، نزدیک به واقعیت باشد. همانطور که ولایتی، نیز چندین بار تکرار کرده است که تجاوز اسرائیلی به تیفور بی پاسخ نخواهد ماند.

یک تحلیلگر نظامی انگلیسی که در مسائل خاورمیانه تخصص دارد و به دولتمردان در لندن نزدیک است، بر این مساله تاکید می کند که ورود پهباد ایرانی به مرزهای اسرائیل، تنها با هدف شناسایی نبود، بلکه موشکهای پیشرفته ای همراه این پهباد بود که همین مساله باعث نگرانی شدید مجامع نظامی اسرائیل شد؛ از این رو، صهیونیستها جنگنده های اف 16 خود را مأمور حمله به پایگاه تیفور کردند.

لیبرمن و دیگر ژنرال های اسرائیلی نمی دانند که زمان تجاوز به خاک سوریه سر آمده است؛ از ابتدای سال جاری سامانه های دفاعی سوریه با هر گونه حمله هوایی یا موشکی اسرائیل مقابله می کنند.

اسرائیل بعنوان یکی از شکست خورده های تجاوز سه گانه به سوریه از آن خارج شد؛ چرا که دیگر زمام ابتکار عمل در سوریه را در اختیار ندارد و نمی تواند بدون هیچ مانعی در آسمان این کشور عربی ظاهر شود. اس 300 روسیه در انتظار جنگنده ها و موشکهای اسرائیل است و این در صورتی است که امور به سمت عکس العمل های انتقامی موشکی در عمق اسرائیل پیش نرود.

مترجم: مریم نصرالهی

اسرائیل از سال 2012 تا کنون بیش از 100 بار به سوریه حمله هوایی کرده که در بیشتر آن ها محموله های تسلیحاتی حزب الله لبنان را هدف قرار داده است. این موارد بجز ترور شخصیت های وابسته به ایران و سران حزب الله و حماس است (راغب حرب - موسوی - مغنیه بدر و بسر - فرماندهان عالی سپاه در لبنان و سوریه - فتحي شقايي - شحادة - یاسين - رنتيسي - ابوشنب.... در همه این موارد حق رد و انتقام محفوظ مانده و گفته شده در وقت خودش پاسخ داده می شود!!!)

اسرائیل ارسال جنگنده های اف ۱۵ به رزمایش مشترک با آمریکا در آلاسکا را لغو کرد / ان بی سی: این تصمیم با ادعای حمله احتمالی ایران مرتبط است

رژیم صهیونیستی با نگرانی از استقرار نیروهای نظامی ایران در مرز سوریه با فلسطین اشغالی، ارسال جنگنده های خود به رزمایش مشترک با آمریکا را لغو کرد.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

رژیم صهیونیستی با نگرانی از استقرار نیروهای نظامی ایران در مرز سوریه با فلسطین اشغالی، ارسال جنگنده های خود به رزمایش مشترک با آمریکا را لغو کرد.

به گزارش ایرنا، شبکه خبری ان بی سی آمریکا در تارنمای خود نوشت: رسانه های رژیم صهیونیستی تصمیم این رژیم برای لغو ارسال جنگنده های اف15 خود به رزمایش مشترک با آمریکا در آلاسکا را با حمله احتمالی ایران مرتبط دانستند.

به نوشته ان بی سی، یک سخنگوی وزارت جنگ رژیم صهیونیستی در گفت و گو با این شبکه خبری، لغو ارسال این جنگنده ها را تایید کرده است.

این رژیم از سال 2012 تا کنون بیش از 100 بار به سوریه حمله هوایی کرده و مدعی است که در بیشتر آن ها محموله های تسلیحاتی حزب الله لبنان را هدف قرار داده است.

“ایران فریب روس ها را نخورد”

قاسم محبعلی، مدیرکل پیشین خاورمیانه ای وزارت امور خارجه، در تحلیل توییت اخیر دونالد ترامپ و تهدید موشکی روسیه:

بعید است آمریکا مواضع روسیه را به طور مستقیم هدف قرار دهد. در صورت وقوع جنگ، آمریکا احتمالاً در درجه اول مواضع سوری و سپس مواضع ایرانی را هدف قرار خواهد که البته احتمال حمله به مواضع ایرانی هم ضعیف تر خواهد بود.

اگر آمریکا به طور مستقیم به مواضع روسیه حمله کند، تحول بزرگی رخ داده، چراکه قدرت های بزرگ پس از جنگ جهانی دوم مستقیم وارد نمی شدند.

حتی روسیه نیز بعید است خود را برای مقابله با آمریکا و پاسخ به این کشور آماده کرده باشد؛ چنانکه در گذشته نیز این اتفاق رخ داده و با وجود کشته شدن ۱۰ نظامی روس در دیرالزور، روسیه واکنشی به آمریکا نشان نداد.

ایران باید احتیاط کند. ایران یکی از هدف های آمریکاست و در حال حاضر، هم آمریکایی ها، هم اسرائیلی ها، هم اعراب و هم ترک ها علاقه مند هستند که ایران از سوریه خارج شود.

حتی بعید نیست توافقی بین آمریکا و روسیه صورت بگیرد که طی آن، آمریکا اهداف ایرانی را مورد هدف قرار داده و سپس روسیه از ایران بخواهد تا سوریه را ترک کند.

بنابراین، ایران در جهات منافع و حفظ امنیت ملی خود، باید احتیاط کند و فریب تندروهای منطقه و حمایت شفاهی روس ها را نخورد و اجازه دهد اگر قرار است اقدامی صورت بگیرد، خود روسیه پیشگام شود نه ایران. / راهبرد

۳۰ میلیون سالمند ایرانی در راه است

رقم خبر برای «رد نشدن» از کنار ارقام موجود در خبرهاست. گاهی ارقامی وجود دارد که با چند لحظه فکر کردن به آن به موضوعات جدیدی پی خواهیم برد.



نقوی حسینی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با اعلام اینکه بیش از ۶۰ درصد اسکله‌های موجود فاقد نظارت هستند، گفت: افزایش هزینه‌های تجارت رسمی و کاهش هزینه‌های تجارت غیررسمی شده است.

۶۰٪
اسکله‌های کشور فاقد نظارت هستند

۳۰

سالمند ایرانی در سال ۲۰۵۰

محسنی بندپی رئیس سازمان بهزیستی کشور: نرخ باروری طی این ۴ دهه به ۱.۶ کاهش یافته است که حتی از آمریکا و خاورمیانه هم پایین‌تر است. پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۳۰ جمعیت سالمندی کشور دو برابر شود و این رقم در سال ۲۰۵۰ به حدود ۳۰ میلیون جمعیت سالمند در کشور خواهد رسید.



۲۱۰

هزار البرزی بدون برق شدند

مدیرعامل شرکت توزیع برق استان البرز اعلام کرد که بارش برف سنگین، سبب قطع برق ۱۷ درصد مشترکان به تعداد ۲۱۰ هزار واحد مسکونی، تجاری و اداری در این استان شد.

۲۰٪

معتادان تحصیلات دانشگاهی دارند

صرافی مشاور دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر: ۲۰ درصد از مصرف‌کنندگان مستمر مواد مخدر از میان تحصیل‌کردگان، فوق‌دیپلم تا دکتری هستند. همچنین ۸۷ درصد از مصرف‌کنندگان نیز افراد دارای شغل رسمی یا کاذب هستند.



۱۲.۱٪

نرخ بیکاری در سال ۹۶

نتایج طرح آمارگیری نیروی کار نشان می‌دهد که ۱۲.۱ درصد از جمعیت فعال (شاغل و بیکار)، بیکار بوده‌اند. بررسی روند تغییرات نرخ بیکاری حاکی از آن است که شاخص بیکاری نسبت به سال ۹۵، ۰.۳ درصد کاهش یافته است.



۴۵٪

درصد کمتر از بارش‌های سال قبل

در سال جاری تاکنون تنها ۱۱۳ میلیمتر باران باریده که ۴۵ درصد کمتر از شرایط نرمال است. بارش‌های چند روز اخیر نیز اگرچه تاحدی آمار بارش را بالا می‌برد اما نمی‌تواند کم‌آبی را جبران کند.

سال دیگر نفت داریم

بانک جهانی در جدیدترین گزارش خود با عنوان «ثروت در حال تغییر ملت‌ها» پیش‌بینی کرد ذخایر نفتی ایران ۱۵۵ سال دیگر دوام خواهد آورد.

۱۵۵

عوارض اسلام حکومتی در ترکیه : سوء استفاده حکومت ترکیه از اسلام و مذهب برای تحکم حزب حاکم؛ سبب تزلزل عقیده جوانان ترکیه به اسلام و مذهب شده است

هم‌حزبی اردوغان اخیراً در یک سخنرانی اظهار داشته که «اگر ما در این منطقه شهر شکست بخوریم و آن را از دست بدهیم، بعداً قدس را هم از دست خواهیم داد، مکه را هم از دست خواهیم داد.»
جنجال درباره آمار فزاینده بی‌دین شدن جوانان در ترکیه

در گزارش وزارت آموزش ملی ترکیه ادعا شده که چون تفکرات سنتی مذهبی نمی‌تواند به پرسش‌های مختلف جوانان پاسخ بگوید، برخی از محصلین مدارس مذهبی به سوی انکار دین رفته‌اند. البته این جوانان به جای این که به سوی آتئیسم یا خداناباوری بروند، به سوی دئیسم یا دادرانگاری گرایش پیدا کرده‌اند که در آن باور به وجود خدا وجود دارد، ولی باور به یک مذهب وجود ندارد.

در دوره‌ای که به نظر می‌رسد اسلام‌گرایی در ترکیه در حال تقویت است، برعکس اسلام حکومتی و استفاده سیاسی از دین به نفع حزب حاکم سبب اعراض جوانان از اصل دین و مذهب شده است انتشار گزارش‌های دولتی در خصوص گرایش جوانان ترکیه به دئیسم سبب بروز جنجال‌های فراوان در محافل سیاسی و رسانه‌ای ترکیه شده است.

به گزارش «تابناک» به نقل از المانیتور، یک هفته پیش در دهم ماه آوریل، رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه که معمولاً هفتگی با هم‌حزبی‌هایش در حزب عدالت و توسعه جلسه برگزار می‌کند، کار غیرمعمولی کرد. اردوغان ناگهان در میانه سخنانش درنگ کرد و عصمت ییلماز وزیر آموزش ملی را به جایگاه فراخواند. دو نفر حدود سی ثانیه با یکدیگر چیزی زمزمه کردند ولی چون صدای میکروفن‌های جایگاه قطع شده بود، همه حرف‌های آنها شنیده نشد، ولی از میان سخنان آقای وزیر مشخص شد که موضوع بحث گزارش منتشره درباره شیوع دئیسم در میان محصلین ترکیه است؛ موضوعی که البته اردوغان آن را با لحنی قاطع رد می‌کرد.

عنوان گزارش مورد نظر که در یکی از همایش‌های وزارت آموزش ترکیه در شهر مذهبی قونیه مورد بحث قرار گرفته، «گرایش جوانان به سوی دئیسم» است که در آن ادعای جنجالی گرایش فزاینده جوانان مذهبی‌ترین مدارس ترکیه به دئیسم مطرح شده است. در این گزارش ادعا شده چون تفکرات سنتی مذهبی نمی‌تواند به پرسش‌های مختلف جوانان و به خصوص این که «چرا خداوند اجازه وقوع کارهای شروانه در دنیا را می‌دهد»، پاسخ بگوید، برخی از محصلین مدارس مذهبی به سوی انکار دین رفته‌اند. در این گزارش ادعا شده که البته این جوانان به جای این که به سوی آتئیسم یا خداناباوری بروند به سوی دئیسم یا دادرانگاری گرایش پیدا کرده‌اند که در آن باور به وجود خدا وجود دارد، ولی باور به یک مذهب وجود ندارد.

محتوای این گزارش، محافل مذهبی ترکیه را غافلگیر و عصبانی کرده است. دولت باغچه‌لی رهبر حزب مهم حرکت ملی که یکی از چهار حزب حاضر در پارلمان ترکیه است و پیش از آن از مخالفین اردوغان بوده و به تازگی با وی اتحاد کرده، به شدت به تهیه‌کنندگان این گزارش اعتراض کرده که «چرا جوانان ترکیه را به دئیسم متهم می‌کنید، در حالی که دئیسم فقط یک گام با خداناباوری فاصله دارد».

چند روز بعد، عالی‌ترین مرجع دینی ترکیه یعنی رئیس مدیریت امور دینی به جنجال دئیسم واکنش نشان داد و اظهار داشت، وقتی که معتقدان دئیسم به تبعات افکارشان در خصوص موضوع عدم باور به نبوت فکر کنند، هیچ کس در جامعه ترکیه چنین افکار منحرفی را نخواهد پذیرفت.

واقعیت ولی این است که موضوع دئیسم پیش از جنجال‌های اخیر در جامعه ترکیه مطرح بوده است. یکی از اولین روشنفکرانی که به این موضوع پرداخت، مصطفی اوزتورک از متفکران پیشرو الهیات دینی بود که نظراتش را در یک روزنامه منتشر می‌کند. وی یک سال پیش و در آوریل 2017 در مطلبی با عنوان «رد پای دئیسم»، مدعی شد، به رغم تصور محافل مذهبی ترکیه که خیال می‌کنند در دوره‌ای طلایی به سر می‌برند، تغییری بنیادی در حال وقوع و از کنترل آنان خارج است و آن تغییر، بی‌تفاوتی و حتی فاصله گرفتن نسل جدید از جهان‌بینی اسلامی است. اوزتورک مدعی است که بیشتر مراجع مذهبی ترکیه، تفکراتی عقب‌مانده و افراطی دارند که سبب شده نسل جدید و به ویژه جوانان پرسشگر شهری به سوی سکولاریسم بروند.

از زمان انتشار این مقاله، کمرنگ شدن اسلام، موضوعی است که به شکل پیوسته در فضای عمومی مورد بحث قرار گرفته است. ماه گذشته در کنفرانسی، یک استاد دانشگاه مدنیت استانبول اظهار داشت، دانشجویانی دارد که به دلیل شرایط خانوادگی خود حجاب اسلامی دارند ولی خصوصی اعتراف می‌کنند که آتئیست شده‌اند. طی ماه‌های گذشته، مقالات زیادی در رسانه‌ها درباره «آفت دئیسم» منتشر و

موضوع حتی در برنامه‌های تلویزیونی به بحث گذاشته شده است. با وجود این، هنوز آمار دقیقی در خصوص میزان شیوع دئیسم وجود ندارد؛ هرچند بر سر این که جامعه با چنین پدیده‌ای مواجه شده، ظاهراً اجماع وجود دارد.

مسئله جالب، پاسخ‌هایی است که برای سوال در خصوص چرایی اقبال جوانان به دئیسم مطرح می‌شود. پاسخ‌ها متنوع ولی واضحی که تا حد زیادی تحت تأثیر خاستگاه سیاسی پاسخ‌دهندگان است. از نظر حامیان سرسخت دولت، ماجرای دئیسم، یکی دیگر از توطئه‌های متعددی است که قدرت‌های غربی علیه ملت پرافتخار ترکیه پخت و پز کرده‌اند. یوسف کاپلان نویسنده روزنامه ینی‌شفق از رسانه‌های حامی دولت، معتقد است که دئیسم برای فرزندان خانواده‌های مذهبی طراحی شده است، در حالی که فرزندان خانواده‌های سکولار دچار مشکل جدی‌تر یعنی آنتیسم هستند؛ بنابراین، از نظر کاپلان مشکل در فرهنگ لذت‌گرا، مادی‌گرا و تباهی است که از غرب وارد شده است. در نتیجه وی معتقد است که روند اسلامی کردن آموزش و رسانه‌ها باید با جدیت بیشتری پیگیری شود، وگرنه «امپریالیسم کشور را از داخل و به شکل ذهنی و عقیدتی اشغال خواهد کرد».

در مقابل، به ویژه مخالفان دولت مدعی هستند که دلیل واقعی تزلزل در گرایش به اسلام در ترکیه، فساد، استبداد، تنگ‌نظری، زورگویی و خشونت است که به اسم اسلام در ترکیه حاکم شده است. البته برخی هواداران دولت هم همین نظر را دارند. کمال اوزتورک، یکی دیگر از نویسندگان روزنامه ینی‌شفق، اعتراف می‌کند، شیوع دئیسم را هر که تحولات جامعه را رصد می‌کند، مشاهده می‌کند. او معتقد است کسانی که مشکل را ناشی از توطئه خارجی می‌دانند اشتباه می‌کنند. از نظر وی، مشکل در فاصله عمیق میان ادعاها و رفتار مدعیان مذهب در ترکیه، و همچنین در واپس‌گرا بودن عقاید برخی از بزرگان مذهبی ریشه دارد.

یکی دیگر از تحلیلگران که نظر قابل تأملی دارد، عاکف بکی است که پیش از این هوادار دولت اردوغان بود، ولی اکنون به منتقد وی تبدیل شده است. او ریشه مشکل را در سوء استفاده بی‌پروا از اسلام برای پیشبرد اهداف سیاسی حزب حاکم می‌داند و مثال می‌زند، علی‌مراد آلاطیه از شهرداران یکی از مناطق استانبول که هم‌حزبی اردوغان است، اخیراً در یک سخنرانی اظهار داشته که «اگر ما در این منطقه شهر شکست بخوریم و آن را از دست بدهیم، بعداً قدس را هم از دست خواهیم داد، مکه را هم از دست خواهیم داد.» بنابراین، آنها مدعی هستند که حاکمیت حزب عدالت و توسعه نقش مهم و جبران‌ناشدنی در حفظ اسلام دارد.

مصطفی اکیول تحلیلگر المانیتور ضمن اعلام موافقت با استدلال عاکف بکی مدعی است که از سال 2015، گرایش بیشتر جامعه ترکیه به سوی سکولاریسم را پیش‌بینی کرده و در این باره مقاله نوشته است. از نظر وی، دئیسم فقط یک پرچم جدید برای معترضان به رفتار حزب اردوغان در سال‌های گذشته است و مسئله جدی‌تر از چیزی است که درباره آن سخن گفته می‌شود.

آیا ایران در آستانه یک کودتای (داخل حکومتی) قرار دارد؟

یکشنبه 15 رجب 1439 هـ - 1 آوریل 2018 م

مصطفی فحص

محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور سابق ایران در واکنش به محکومیت دو تن از دستیارانش، اسفندیار رحیم مشایی و حمید بقایی از سوی قوه قضائیه بی‌درنگ علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی را به بالا کشیدن ۱۹۰ میلیارد دلار به صورت غیرقانونی و بدون رقابت مالی هیچ نهاد یا مؤسسه متهم کرد.

جرأت احمدی نژاد در اشاره مستقیم به منابع مالی رهبر جمهوری اسلامی ایران به معنی برخورداری احمدی نژاد از یک قدرت استثنایی نیست، بلکه در واقع بازتاب پراکندگی میان نیروهای رژیم است که دیگر قادر به پنهان کردن تاول‌هایش نیست؛ تاول‌هایی که به تومورهای بدخیم تبدیل شده و درمان آنها بسیار دشوار به نظر می‌رسد. بیماری رژیم ایران ریشه‌ای ۴۰ ساله دارد به طوری که اکنون می‌توان آن را به بیماری بی‌درمان توصیف کرد.

از نظر پزشکی وقتی پزشکان در برابر وضعیت دشوار یک بیمار قرار می‌گیرند، معمولاً به شوک‌درمانی به وسیله «کورتیزون» یا شیمی‌درمانی به عنوان آخرین شانس نجات بیمار برای ادامه زندگی، پناه می‌برند البته این نوع درمان‌ها نیز عوارض جانبی و منفی زیادی برای بیمار دارند.

همانطور که در پزشکی شوک‌درمانی و شیمی‌درمانی برای نجات موقت یک بیمار وجود دارد در عالم سیاست نیز راه‌های مشابه وجود دارد. نظام‌های مستبد برای حفظ نظام و جلوگیری از سقوط حتمی و ناگهانی آن، به درمان موقت به وسیله «کورتیزون» سیاسی یعنی «کودتای» نظامی به عنوان آخرین گزینه پناه می‌برند، آیا رژیم جمهوری اسلامی که اکنون از بیماری‌های مزمن و بی‌درمان داخلی و خارجی رنج می‌برد برای حفظ نظام ولایت فقیه قبل از اینکه این بیماری‌ها نظام را کلاً از نقشه سیاسی حذف کند، دست به کودتای نظامی خواهد زد؟

از نظر سیاسی رژیم ایران شکست خورده است چرا که این رژیم در درمان پدیده اعتراضات سراسری، همان‌گونه که دستگاه‌های امنیتی خود رژیم اعتراف کردند، ناکام ماند؛ اعتراضاتی که دایره آن به بیش از ۱۰۰ شهر و منطقه در سراسر ایران گسترش یافت و حدود ۸ هزار نفر طی آن بازداشت شدند. گزارش‌های امنیتی تایید کرده‌اند که ۸۵ درصد از بازداشت‌شدگان در سنین کمتر از ۳۵ سال بوده و اکثر آنها پیشینه سیاسی یا امنیتی نداشته‌اند.

حسین ذوالفقاری معاون وزارت کشور در امور امنیتی، درباره تحقیقات و بررسی این وزارتخانه درباره بازداشت‌شدگان اظهار داشت: «عمده دستگیرشدگان این اعتراضات، افرادی فاقد سابقه امنیتی بودند و ۸۵ درصد این افراد زیر ۳۵ سال سن داشتند. در این راستا باید توجه داشت که ۷۰ درصد کشور زیر ۴۰ سال هستند. این اعتراضات عبور از همه جریان‌های سیاسی کشور بود.» این یک اعتراف ضمنی است مبنی بر اینکه اعتراضات علیه اوضاع معیشتی از همه خطوط قرمز نظام گذشته به ویژه آنکه معترضان علنی خواستار سرنگونی رژیم و خامنه‌ای شده‌اند.

با بدتر شدن اوضاع و شرایط زندگی و ناتوانی دولت جمهوری اسلامی در رفع نیازهای شهروندان و پناه بردن به سرکوب اعتراض‌ها، نوه آیت‌الله خمینی هشدار داد که اگر رژیم به خواسته‌های مردم پاسخ ندهد با خطر سرنگونی مواجه خواهد شد. وی همچنین ابراز نگرانی کرد که اوضاع بد کشور می‌تواند زمینه‌ساز دو پدیده باشد: فروپاشی یا حاکمیت نوعی «پوپولیسم اقتدارگرا» به معنای یک حکومت بسیار خشن اما کوتاه‌مدت، عوام‌فریب و سرکوبگر تا در چنین وضعیتی شورش‌ها خاموش شود و به ظاهر توزیع برابر صورت گیرد و گشایش‌های کوتاه‌مدت رخ دهد؛ اما این نوع حکومت هیچ دوام بلندمدت نخواهد داشت.

سخنرانی حسن خمینی نخستین اشاره مستقیم و نگرانی نخبگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران از روی آوردن رژیم به یک کودتای سیاسی در کشور است تا به وسیله آن کودتا وقت اضافی برای آرایش مجدد صفوف خود بیابد و بتواند بار دیگر مخالفان را سرکوب و صداهای خواستار تغییر را خفه کند.

در صورت بالا گرفتن نزاع میان جناح‌های متخاصم و رقیب برای میراث کسب خلافت ولایت فقیه پس از خامنه‌ای، و افزایش تنش میان روحانی و سپاه پاسداران و نگرانی و ترس سپاه از ایجاد محدودیت مانور توسط واشنگتن در پرونده‌های حساس منطقه‌ای، امکان کودتا نظامی که نوه خمینی غیرمستقیم به آن اشاره کرد، بعید به نظر نمی‌رسد.

سپاه اکنون در تلاش است تا حکومت روحانی را به شکست در توافق هسته‌ای با قدرت‌های بزرگ متهم کند. اگر دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا در ماه مه ۲۰۱۸ تصمیم به خروج از این توافق‌نامه بگیرد، سپاه پاسداران بهانه خوبی برای تثبیت ادعای شکست امکان مذاکره با غرب را به دست خواهد آورد و از این فرایند فرصتی استثنایی برای نفوذ بیشتر در موسسات و نهادهای دولتی به ویژه فضای عمومی در داخل ایران که با نفوذ سپاه در قدرت سیاسی و اقتصادی مخالف است، پیدا خواهد کرد. سپاه اکنون در تلاش است تا قبل از مرگ خامنه‌ای و به وجود آمدن خلاء قدرت در ایران، خود را به عنوان قوی‌ترین نهاد آن شرایط تبدیل کند و راه را بر دیگر رقبای طوری ببندد که حتی ولی فقیه بعد از خامنه‌ای هم نتواند در آینده مزاحمتی برای آن به وجود آورد.

در ۱۹ اوت ۱۹۹۱، گنادی یانیف، معاون رئیس اتحاد جماهیر شوروی سابق، همراه با اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست حاکم شوروی، معتقد بودند که می‌توانند چرخ دگرگونی‌ها را متوقف کنند، آنها اعلام کردند که کنترل قدرت در مسکو را به دست گرفته و رئیس جمهور میخائیل گورباچف را از کار برکنار کرده‌اند، اما کودتای آنها با مقاومت جنبش اعتراضی مردمی روبرو شد که مخالف کودتا بودند و فقط سه روز دوام آورد. کودتا نه تنها در حفظ نظام سیاسی اتحاد جماهیر شوروی و حذف گورباچف و جلوگیری از سقوط اردوگاه سوسیالیستی ناکام ماند بلکه به روند فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سرعت بخشید. در ایران نیز هر کودتایی توسط سپاه پاسداران ممکن است سقوط رژیم جمهوری اسلامی را تسریع و چهره ایران را به کلی تغییر دهد.

*منبع: شرق الاوسط

*نویسنده: مصطفی فحص

*ترجمه از کیهان لندن

سفیر کویت در لبنان: شکست سعودیها در تمام کشورها بویژه در لبنان

روزنامه لبنانی الاخبار از سخنان سفیر کویت در بیروت علیه عربستان و تأکید وی بر شکست ریاض در تمام کشورها به ویژه لبنان پرده برداشت.

به گزارش اسپوتنیک، روزنامه لبنانی الاخبار که اخبار و افشاگری های سیاسی را منتشر می کند نوشت: بر اساس یک گزارش منتشره، سفیر کویت در بیروت بر نقش مخرب عربستان در منطقه و شکستش در تمام کشورها به ویژه لبنان تأکید می کند.

بر اساس این گزارش، سفارت اردن در بیستم سپتامبر ۲۰۱۷ یک پیام صادر کرد که در آن نبیل مزاروه سفر اردن در بیروت گزارشی را در خصوص جزئیات دیدارش با عبدالعال القناعی سفیر کویت در بیروت آورده است.

در این گزارش آمده است، سفیر اردن در بیستم سپتامبر ۲۰۱۷ با القناعی دیدار کرد و دو طرف در خصوص مسائل مختلف صحبت کردند. در این دیدار سفیر کویت تأکید کرد که عربستان در همه جا به ویژه در لبنان شکست خورده و از طریق فرستاده پادشاهی تلاش دارد تا اندک جایگاه خود را در لبنان حفظ کند، چون اشتباهات زیادی در خصوص مسأله سعد الحریری نخست وزیر لبنان مرتکب شد.

سفیر کویت همچنین در این دیدار تأکید کرد، شیخ محمد بن زاید ولی عهد ابوظبی برای تجزیه عربستان تلاش می کند. عربستان به محض آنکه فهمید، یکی از شیوخ آل ثانی در این کشور زندگی می کند برای تعیین او به عنوان جانشین امیر قطر تلاش کرد؛ اما در نهایت به بی کفایتی این شخص پی برد و در حال حاضر برای جانشینی پسر یکی دیگر از شیوخ که با وزیر خارجه سابق قطر نسبت دارد، به جای امیر کنونی قطر تلاش می کند.

بر اساس گفته های سفیر کویت، امیر این کشور معتقد است که آمریکا، عربستان و امارات نمی خواهند به یک راهکار برای حل بحران قطر دست یابند.

اختلاف نظر در بار مجاسوس بودن فعالان محیط زیست

به گزارش جماران؛ رییس فراکسیون محیط زیست مجلس گفت که طبق اظهارات رئیس سازمان محیط زیست وزارت اطلاعات و برخی دستگاه‌ها درباره جاسوس بودن فعالان بازداشت‌شده محیط زیست درباره جاسوس بودن فعالان بازداشت‌شده محیط زیست اختلاف نظر دارند.

محمدرضا تابش، در تشریح نشست مشترک اعضای فراکسیون محیط زیست و فراکسیون شفاف سازی مجلس با کلانتری رئیس سازمان محیط زیست که ظهر امروز درمحل کمیسیون تلفیق برگزار شد، گفت: در خصوص بازداشت فعالان محیط زیستی طبق اظهارات رئیس سازمان محیط زیست نقل قول‌ها در این مورد بسیار است؛ برخی دستگاه‌ها تعدادی از این افراد را متهم به جاسوسی کرده اند، اما نظرات کارشناسی وزارت اطلاعات تقریباً بر خلاف آنها است.

وی افزود: البته در خصوص استعفای آقای کاوه مدنی نیز آقای کلانتری تاکید کرد که علیرغم فشارهای به وجود آمده ایشان تمایل به ادامه فعالیت‌ها در محیط زیست داشت اما به دلیل عدم رضایت پدر و مادرش استعفا داد. پدر و مادر کاوه مدنی به دلیل اینکه دارای یک فرزند بودند راضی به ادامه فعالیت‌های وی نشدند اما کاوه مدنی اعلام کرده است که در هر حال یار و مددکار محیط زیست کشور در هر نقطه از دنیا خواهد بود.

تابش یادآور شد: در خصوص سایر فعالین بازداشت شده نیز رئیس سازمان محیط زیست تاکید کرد که علیرغم اینکه هیاتی ۴ نفره از سوی رئیس جمهور برای پیگیری این موارد مامور شده است، اما در جریان نیستیم.

رییس فراکسیون محیط زیست مجلس ادامه داد: ماهیت برخی مسائل و مشکلات به وجود آمده برای فعالان محیط زیست تخصصی بوده و باید مراجع ذی ربط مسائل را بررسی کنند، اما حواشی آن و توجیه افکار عمومی مسئله مهمی بوده که اگر به آن توجه نشود تبعات سوپی برای کشور دارد بنابراین فراکسیون محیط زیست نیز در این خصوص گزارشی را با استفاده از اظهارات کارشناسی صاحب‌نظران آماده کرده که طی روزهای آینده به رؤسای سه قوه تقدیم خواهد شد.

تابش همچنین گفت: در ملاقات‌های صورت گرفته فراکسیون محیط زیست در عید با رئیس قوه قضائیه، رئیس جمهور، معاون اول رئیس جمهور، وزیر اطلاعات و رئیس مجلس این موارد گشایش‌هایی صورت گرفت بنابراین امیدواریم موضوع برای افکار عمومی تبیین شده و خانواده‌ها از بلاتکلیفی فرزندان خود نجات پیدا کرده و اگر مراحل بازجویی تمام شده مکالمات تلفنی میان افراد و اعضای خانواده آن‌ها صورت گیرد.

تابش تصریح کرد: در تمام کشورها مسائل امنیتی را تبدیل به موضوعات سیاسی و موارد سیاسی را به مسائل اجتماعی و عادی تبدیل می‌کنند اما در کشور ما مسائل اجتماعی تبدیل به موارد امنیتی می‌شود. تبعات این عملکرد این است که نهادهای مردمی و NGOها برای فعالیت در این عرصه دچار تردید می‌شوند ضمن اینکه فرار مغزها نیز در کشور افزایش پیدا کرده و اعتماد میان مردم و حاکمیت در صورت عدم توجیه افکار عمومی نسبت به اقدامات کاهش پیدا می‌کند.

وی با اشاره به بررسی وضعیت دریاچه ارومیه در این نشست، افزود: طبق اظهارات رئیس سازمان محیط زیست بیشترین دلیل برای شرایط حادث شده در خصوص وضعیت دریاچه ارومیه ناشی از تغییر اقلیم بوده که ۳۱ درصد تغییر اقلیم در طی این سال‌ها رخ داده است به ویژه کاهش بارندگی که نسبت به ۲۰ سال گذشته ۲۰ درصد بارندگی در کشور کاهش پیدا کرده است. مصرف آب کشاورزی سدهای احداث شده نیز آب ورودی به دریاچه ارومیه را تنزل داده است، به عنوان مثال سالانه ۴۰ سانتیمتر سطح دریاچه کاهش پیدا کرده است.

نماینده مردم اردکان در مجلس، گفت: برای احیای دریاچه ارومیه برنامه ۱۰ ساله تدوین شده است که از سال ۹۳ قرار بود سالیانه یک هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان برای این مسئله بودجه اختصاص پیدا می‌کرد اما طی دو سال گذشته سالانه حدود ۶۵۰ میلیارد تومان از صندوق توسعه ملی برای احیای دریاچه ارومیه اعتبار در نظر گرفته شد. در سال ۷۸ متوسط آب دریاچه ارومیه ۲۲ میلیارد مترمکعب بود که در حال حاضر به کمتر از ۲ میلیارد متر مکعب رسیده است بنابراین احیای دریاچه ارومیه کاری سخت و شاید نشدنی باشد البته در همه تالاب‌های کشور به دلیل کاهش ورودی آب، تغییر اقلیم و کاهش بارندگی چنین شرایطی وجود دارد.

« وکیل خانواده کاوس سیدامامی: گزارش پزشکی قانونی درباره سم‌شناسی و کبودی بدن را بررسی می‌کنیم

چکیده: نکاتی در پرونده بوده که شخص آقای شهرداری آن را به پزشکی قانونی برگردانده‌اند تا اطلاعات کامل باشد و بعد آن پرونده نهایی در اختیار ما قرار بگیرد. به این ترتیب، وکلای پرونده هنوز به اطلاعات پزشکی قانونی پرونده سیدامامی دسترسی ندارند. همکار من کلیات یک پرونده پزشکی را شرح داده‌اند که در آن از کبودی روی بدن تا احتمال تزریق در آن می‌آید. خبرنگار هم برداشت درستی از حرف‌ها نداشته‌اند و مطلب درست منتقل نشده است.

وکیل خانواده کاووس سیدامامی در ارتباط با پرونده این فعال محیط زیستی که در زندان سپاه خودکشی کرد می‌گوید: «کاووس امامی یک پرونده امنیتی دارد. در آن پرونده دلیل بازداشت و مدارک و مستندات مشخص شده و اگر ما بتوانیم این پرونده را بخوانیم، آن وقت مسئله وکالت ما معنا پیدا می‌کند؛ وگرنه بدون دسترسی به آن پرونده، پیگیری مسائل بسیار دشوار خواهد بود».

کاووس سید امام فعال محیط زیستی سال گذشته توسط اطلاعات سپاه بازداشت شد و پس از مدتی پسر وی خبر از خودکشی پدرش در زندان داد. اطلاعات سپاه و رسانه‌های وابسته به این جریان دلیل بازداشت فعالان محیط زیستی را جاسوسی برای کشورهای بیگانه مطرح کرده بودند، ادعایی که بر اساس خبرهای رسیده به کلمه تکذیب شده است. همان طور که پیش تر نیز کلمه خبر داده بود، دلیل بازداشت این فعالان محیط زیستی دست اندازی سپاه به مناطق حفاظت شده محیط زیستی بوده است.

در همین رابطه وکیل خانواده کاوس سیدامامی با روزنامه شرق در باره پرونده قضایی و امنیتی کاوس سیدامامی مصاحبه کرده است.

این مصاحبه در زیر آمده است:

خبر تازه‌ای از پرونده مرحوم سیدامامی به دست آمده؟

روز چهارشنبه نتوانستیم با جناب شهرداری (سرپرست ناحیه ۲۷ امور جنایی) ملاقات کنیم.

موضوع ملاقات شما چه بود؟

یک سری فیلم هست و ما باید این فیلم‌ها را ببینیم؛ ولی باید حضوری آقای شهرداری را ببینیم. مهم‌تر از همه اینکه باید بدل این پرونده را بخوانیم.

بدل پرونده؟

کاووس سیدامامی یک پرونده امنیتی دارد. در آن پرونده دلیل بازداشت و مدارک و مستندات مشخص شده و اگر ما بتوانیم این پرونده را بخوانیم، آن وقت مسئله وکالت ما معنا پیدا می‌کند؛ وگرنه بدون دسترسی به آن پرونده، پیگیری مسائل بسیار دشوار خواهد بود.

در خبرها آمده بود که وکیل دیگر پرونده از بروز کبودی و علایم تزریق بر پیکر آقای سیدامامی خبر داده بودند. این مسئله صحت دارد؟

ما هنوز پرونده پزشکی قانونی را ندیده‌ایم.

پس چه موقع قرار است پرونده را ببینید؟

نکاتی در پرونده بوده که شخص آقای شهرداری آن را به پزشکی قانونی برگردانده‌اند تا اطلاعات کامل باشد و بعد آن پرونده نهایی در اختیار ما قرار بگیرد. به این ترتیب، وکلای پرونده هنوز به اطلاعات پزشکی قانونی پرونده سیدامامی دسترسی ندارند. همکار من کلیات یک پرونده پزشکی را شرح داده‌اند که در آن از کبودی روی بدن تا احتمال تزریق در آن می‌آید. خبرنگار هم برداشت درستی از حرف‌ها نداشته‌اند و مطلب درست منتقل نشده است.

بالاخره شما بنابر چه زمانی به اطلاعات پزشکی قانونی دسترسی داشته باشید؟

گزارش آزمایش‌ها را روز سه‌شنبه این هفته خواهیم دید. البته اگر نهایی و آماده شده باشد.

آزمایش‌ها شامل چه نکاتی خواهد بود؟

بررسی کامل سم‌شناسی و دلایل هر نوع کبودی روی بدن و جزئیات دیگری که درباره این پرونده وجود دارد.

روند بررسی پرونده تا اینجای کار چگونه بوده؟

ما تا زمانی که پرونده امنیتی را نخوانیم، پیگیری‌ها فایده‌ای ندارد. هروقت هم بخوانیم، بدون تردید همه مفادش را به اطلاع مردم خواهیم رساند. بالاخره پرونده سیدامامی پرونده‌ای است که حالت بین‌المللی دارد. در این موضوع با مردم صادق خواهیم بود.

ماجرای ممنوع‌الخروجی همسر مرحوم سیدامامی هنوز پابرجاست؟

متأسفانه ممنوع‌الخروجی هنوز حل نشده و امیدواریم با درایت مسئولان این مسئله نیز برطرف شود.
آیا فرزندان سیدامامی به ایران باز خواهند گشت؟
خانواده مرحوم سیدامامی قصد ترک ایران را ندارند؛ اما خب باید شرایط آنها را درک کنیم. آنها در شرایط خاص روحی و سوگواری به سر می‌برند و در حالت غم هستند. اطلاع دارم که فرزندان سیدامامی قصد بازگشت به ایران را دارند.

« ادعاهای تکراری دادستان تهران در خصوص بازداشتی‌های سپاه

چکیده : سالهاست که با همین بهانه‌های واهی و همین اتهامات تکراری مساله نفوذ را مطرح کرده و عده‌ای را به اسم جاسوس بازداشت می‌کنند. باوجود اینکه در چند روز گذشته نماینده رهبری در سپاه گفته بود برنامه ریزی اصلی دشمن بر روی حوزه‌های علمیه است، چرا که آنجا مدیران آینده نظام تربیت شده و برای همین از آنجا نفوذ می‌کنند، مشخص نیست چرا کماکان نیروهای امنیتی و قضایی سراغ فعالان محیط زیستی می‌روند که دسترسیشان به اطلاعات نظام اندک و تقریباً هیچ است
کلمه - گروه خبر: دادستان تهران در تازه ترین اظهارات خود با اشاره به آخرین وضعیت پرونده فعالان محیط زیست بازداشت شده مدعی شد: این پرونده از جمله پرونده‌های مهمی است که دادسرای تهران به آن رسیدگی می‌کند و خودکشی یکی از متهمان این پرونده در ابتدای شکل‌گیری آن که حاشیه‌هایی را به همراه داشت، تحقیقات دادسرا تا مدتی متوقف کرد؛ اما اظهارات برخی از متهمان در جریان تحقیقات، موید خروج اطلاعات مهم و استراتژیک کشور تحت پوشش محیط زیست است که آسیب‌های زیادی را در پی داشته است.

جعفری دولت‌آبادی همچنین درباره خروج کاوه مدنی معاون سابق سازمان محیط زیست نیز ادعا کرد: اگر عده‌ای فرار را بر قرار ترجیح می‌دهند، ناشی از اهمیت تحقیقات مقدماتی در پرونده است و اگر امروز در برخی از سایت‌ها می‌خوانیم که فلان آقا از کشور خارج شده است، به پیش رفتن تحقیقات برمی‌گردد؛ چرا که برخی متهمان فهمیده‌اند که در حال نزدیک شدن به آنها هستیم، حال اگر کسی از کشور خارج شده است، بالاخره روزی بر می‌گردد و به قول معروف، دیر و زود دارد اما سوخت و سوز ندارد.

دادستان تهران در ادامه، همان ادعاهای تکراری سپاه را مجدداً تکرار کرد: این افراد پوشش‌هایی برای خروج اطلاعات کشور به خارج بودند و در اظهارات یکی از متهمان عنوان شده که در خارج از کشور نیز این کارها را انجام می‌داده و آموزش دیده وارد کشور شده و در حوزه خارجی اقدامات مشابه انجام داده است. یکی از متهمان حقوق ماهیانه دریافت می‌کرده، کامپیوتر امن داشته، ماهانه گزارش می‌داده و به سفارت مرتبط با سرویس در لندن یا کشورهای دیگر مراجعه می‌کرده و تبادل اطلاعات داشته است و امروز فهمیده است بهترین راه گرفتن حقایق پرونده است.

سالهاست که با همین بهانه‌های واهی و همین اتهامات تکراری مساله نفوذ را مطرح کرده و عده‌ای را به اسم جاسوس بازداشت می‌کنند. باوجود اینکه در چند روز گذشته نماینده رهبری در سپاه گفته بود برنامه ریزی اصلی دشمن بر روی حوزه‌های علمیه است، چرا که آنجا مدیران آینده نظام تربیت شده و برای همین از آنجا نفوذ می‌کنند، مشخص نیست چرا کماکان نیروهای امنیتی و قضایی سراغ فعالان محیط زیستی می‌روند که دسترسیشان به اطلاعات نظام اندک و تقریباً هیچ است.

البته کلمه پیش از این در خبری اعلام کرد که موضوع بازداشت فعالان محیط زیست به دلیل جاسوسی این افراد برای سرویس‌های بیگانه نیست و اظهارات مطرح شده از سوی نهادهای امنیتی و رسانه‌های نزدیک به این نهادها فرافکنی است برای پوشاندن علت اصلی بازداشت، دلیل این بازداشت‌ها زیاده خواهی‌ها و حضور نظامی سپاه در مناطق حفاظت شده محیت زیست است.

از سوی دیگر پیش از چندماه است که فعالان محیط زیست بازداشت شده در زندان و تحت فشار شدید نیروهای امنیتی هستند، همان طور که بارها مراجع دینی اعلام کرده‌اند اعترافات داخل انفرادی شرعی نبوده و وجاهت قانونی ندارد. این افراد ماه‌هاست در انفرادی به سر می‌برند و مشخص نیست تحت چه فشارهایی قرار گرفته و اعتراف کرده‌اند، هرچند اگر اعترافی نیز درکار باشد و چون دیگر موضوعات فقط تخیلات دادستان و نیروهای امنیتی نباشد. وکلای فعالان محیط زیستی نیز در چند روز گذشته اعلام کردند که امکان هیچ گونه دسترسی به پرونده‌ها و دیدار و گفت و گو با موکلانشان را پیدا نکرده‌اند.

یک بخش دیگر از اظهارات دادستان نیز به کاوه مدنی باز می‌گردد. معاون محیط زیست که زندگی خارج

از کشور و تدریس در دانشگاه‌های خارجی را رها کرد و به قول خود به کشورش بازگشت تا کمکی باشد برای حل بحران‌ها. اما به نظر می‌رسد که نیروهای امنیتی و قضایی علاقه‌ای حل بحران‌های کشور خصوصا در حوزه آب را ندارند خصوصا که سد سازی‌های بیرویه سپاه نیز با این حساب به مشکل می‌خورد و مشخص می‌شود تا کنون چقدر غیر کارشناسی بودجه در اختیارشان قرار گرفته و غلط عمل کرده‌اند.

برای همین نیز با انتشار عکس‌های خصوصی کاوه مدنی این پیام را به او رساندند که دیگر به کشور بازنگردد وگرنه سرنوشتی بدتر از کاووس امامی انتظار او را می‌کشد.

کاوه مدنی خود در توییتی در این باره نوشت: "ته بیمار بودم و خسته و مأیوس، نه دوتابعیتی و رانت خوار و از تبار ژن خوب و نه محتاج معامله برای کتمان سوابقی تاریک و خاص! من با شور جوانی، عشق به وطن و امید برای بهبود آمدم. من خودم بودم اما خودی نبودم."

« نامه محمود صادقی خطاب به رئیس اطلاعات سپاه: این شیوه مدیریت آسیب جدی به جایگاه سپاه در افکار عمومی زده است »

چکیده : سیطره نگاه امنیتی به مقولات اجتماعی و سیاسی یکی از ویژگی‌های مدیریتی جنابعالی است که آسیب جدی به جایگاه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در افکار عمومی زده است. به عنوان نمونه نحوه عمل سازمان تحت امر شما با فعالان محیط زیست از یک سو در ناهماهنگی و تعارض کامل با معاونت و مسئولان ذیربط در وزارت اطلاعات است و از سوی دیگر متضمن نقض آشکار حقوق قانونی متهمانی است که باوجود گذشت حدود سه ماه از بازداشت آنها از حق دسترسی به وکیل و ملاقات با خانواده هایشان محرومند

کلمه - گروه خبر: محمود صادقی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای خطاب به رئیس سازمان اطلاعات سپاه اصلاح رویکرد امنیتی و اهتمام بیشتر به رعایت حقوق قانونی مردم را خواست.

بازداشت‌های اخیر توسط اطلاعات سپاه و همچنین خودکشی کاووس سید امامی در بند ۲ الف متعلق به این نهاد اعتراضات بسیاری را برانگیخته خصوصا که هیچ نظارتی نیز بر این نهاد و زندان‌های آن و برخوردهای بازجویان در انفرادی‌های سپاه وجود ندارد. در همین رابطه محمود صادقی نوشته: "اینجانب به عنوان نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی دائما مورد مراجعه موکلان خود هستم که از رفتار مأموران سازمان اطلاعات سپاه و بی توجهی آنها به موازین آیین دادرسی و حقوق شرعی و قانونی متهمان در مراحل مختلف بازداشت و بازجویی شکایت می‌کنند. متأسفانه در اغلب موارد پیگیری‌های نمایندگان مردم نیز منتج به نتیجه ای نمی‌شود."

محمود صادقی نماینده مردم تهران در نامه‌ای خطاب به حسین طائب رئیس سازمان اطلاعات سپاه نوشت:

به نام خدا

جناب حجه‌الاسلام و المسلمین آقای حسین طائب

رئیس محترم سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

با سلام و احترام،

در ابتدا لازم می دانم مراتب ارادت و احترام عمیق قلبی خود را به نهاد انقلابی و سرافراز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ابراز نموده و روز پاسدار را به همه پاسداران جان برکف تبریک بگویم. بی‌تردید سپاه پاسداران نقشی تعیین کننده و بی بدیل در حراست از دستاوردهای انقلاب اسلامی و دفاع از تمامیت ارضی کشور و تأمین امنیت این مرز و بوم، چه در دوران دفاع مقدس و چه در مقابله با تهدیدهای گوناگون نظامی و امنیتی داخلی و منطقه‌ای پس از آن داشته و دارد.

سازمان اطلاعات سپاه نیز همواره به عنوان یکی از زیرمجموعه های این نهاد انقلابی در رصد و شناسایی و مقابله با تهدیدهای امنیتی نقش شایسته ای ایفا نموده است. اما پاره ای از شیوه های جنابعالی در مدیریت این سازمان و نیروهای عمل کننده آن جوی از عدم اعتماد را نسبت به این نهاد مقدس در جامعه دامن زده است.

اینجانب به عنوان نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی دائما مورد مراجعه موکلان خود هستم که از رفتار مأموران سازمان اطلاعات سپاه و بی توجهی آنها به موازین آیین دادرسی و حقوق شرعی و قانونی متهمان در مراحل مختلف بازداشت و بازجویی شکایت می‌کنند. متأسفانه در اغلب موارد پیگیری‌های نمایندگان مردم نیز منتج به نتیجه ای نمی‌شود.

از سوی دیگر ناهماهنگی و درموردی تعارض اقدامات شما با دیگر دستگاههای اطلاعاتی به شائبه

چند پارچگی حاکمیت در کشور دامن زده و موجب بی اعتمادی و سردرگمی مردم و فعالان در حوزه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی شده است. سیطره نگاه امنیتی به مقولات اجتماعی و سیاسی یکی از ویژگی‌های مدیریتی جنابعالی است که آسیب جدی به جایگاه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در افکار عمومی زده است. به عنوان نمونه نحوه عمل سازمان تحت امر شما با فعالان محیط زیست از یک سو در ناهماهنگی و تعارض کامل با معاونت و مسئولان ذیربط در وزارت اطلاعات است و از سوی دیگر متضمن نقض آشکار حقوق قانونی متهمانی است که باوجود گذشت حدود سه ماه از بازداشت آنها از حق دسترسی به وکیل و ملاقات با خانواده هایشان محرومند.

برادر گرامی! ما نیز به امنیت کشور علاقه مندیم و هوشیاری در برابر تهدیدهای اطلاعاتی و امنیتی بیگانگان و سرویس های جاسوسی آنها را لازم می دانیم، اما امنیت کشور بیش از هر چیز در گرو احساس امنیت شهروندان است. رویکرد امنیتی و شیوه عمل شما به احساس امنیت در جامعه لطمه جدی وارد ساخته است. رفتار مأموران تحت امر شما با جوان نخبه ای که باوجود برخورداری از جایگاه علمی و فرصت های بالای شغلی به امید خدمت به محیط زیست رنجور کشور به ایران آمد، از بدو ورود و طی فعالیت چند ماهه او در کشور و سرانجام وادارشدنش به جلاي وطن و برخورد مأموران شما با جوان نخبه ای که در آستانه فارغ التحصیلی از یک دانشگاه معتبر جهانی برای حل و فصل پرونده قضایی خود به وطن بازگشته و دادن امید به آینده را سرلوحه فعالیت های خود ساخته، امید جوانان به امکان مشارکت در خدمت به کشور را از آنان سلب می کند.

اینجانب ضمن ارج نهادن به خدمات نهاد معزز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از جنابعالی درخواست می کنم با تجدیدنظر و اصلاح رویکرد و شیوه عمل خود از ورود آسیب بیشتر به اعتماد عمومی به این نهاد انقلابی جلوگیری کنید و مجموعه تحت امر خود را به اهتمام بیشتر به رعایت حقوق قانونی مردم تکلیف نمایید.

با آرزوی توفیق الهی

محمود صادقی

نماینده مردم شریف تهران، ری، اسلامشهر، شمیرانات و پردیس در مجلس شورای اسلامی
یکم اردیبهشت ۱۳۹۷

بازگشت قاتلان دهه ۷۰

یادداشت محمد جواد اکبرین

چکیده: قتل‌های زنجیره‌ای ۷۷، امتداد همان «حذف اتوبوسی» بود و اکنون همان‌ها که از وزارت اطلاعات خاتمی پاکسازی شدند و به اطلاعات سپاه رهبری کوچ کردند آیا حذف جمعی و زنجیره‌ای‌شان را از اتوبوس به هواپیما ارتقاء داده‌اند؟ در این میان تنها یک نماینده مجلس جرأت به خرج داده و به رئیس سازمان اطلاعات سپاه نامه نوشته که «به عنوان نماینده مردم دایما مورد مراجعهی موگلان خود هستم که از رفتار مأموران سازمان اطلاعات سپاه شکایت می‌کنند/مثلا نحوه عمل سازمان تحت امر شما با فعالان محیط زیست...که باوجود گذشت حدود سه ماه از بازداشت، از حق دسترسی به وکیل و ملاقات با خانواده‌هایشان محرومند»

محمدجواد اکبرین در یادداشتی با اشاره به گزارش پزشکی قانونی در خصوص وجود کبودی و تزریق پوستی بر جسد کاووس سید امامی از قتل‌های زنجیره‌ای و انتقال آن تفکر از وزارت اطلاعات به اطلاعات سپاه نوشت.

وی در بخشی از یادداشت خود با یادآوری جریان سقوط اتوبوس نویسندگان به دره نوشت: «هر کدام که باشد سرنوشت‌شان شبیه آن ۲۱ نویسنده و روزنامه‌نگار منتقد و دگراندیشی است که تابستان ۲۲ سال پیش به «سفری با اتوبوس به ارمنستان» دعوت شدند اما در میانه‌ی راه، راننده وقتی به گردنه‌ی حیران رسید اتوبوس را به سمت دره رها کرد و خود بیرون پرید؛ هرچند اتوبوس معجزه‌آسا سقوط نکرد و آنها زنده ماندند! قتل‌های زنجیره‌ای ۷۷، امتداد همان «حذف اتوبوسی» بود و اکنون همان‌ها که از وزارت اطلاعات خاتمی پاکسازی شدند و به اطلاعات سپاه رهبری کوچ کردند آیا حذف جمعی و زنجیره‌ای‌شان را از اتوبوس به هواپیما ارتقاء داده‌اند؟»

متن یادداشت محمد جواد اکبرین به شرح زیر است:

امروز اعلام شد که در گزارش اولیه پزشکی قانونی وجود کبودی و «تزریق پوستی» بر روی جسد «کاووس سیدامامی» استاد و متخصص محیط زیست تایید شده است. دکتر سیدامامی ۴ بهمن

پارسال به همراه تعدادی از فعالان محیط زیست به اتهام جاسوسی بازداشت شدند اما همسرش را روز جمعه ۱۹ بهمن به زندان احضار کردند و خبر «خودکشی» شوهرش را به او دادند. تنها ۱۰ روز بعد ۱۶ تن از فعالان محیط زیست «کاملاً اتفاقی» سوار هواپیمایی شدند که به سمت یاسوج می‌رفت اما در فاصله ۱۴ مایلی فرودگاه یاسوج پروازشان سقوط کرد و مُردند!

چندی پیش در یادداشتی نوشتم که «قتل‌های زنجیره‌ای ۷۷ سال یک حادثه نبود یک تفکر بود. رهبری آن را به دشمن خارجی نسبت داد تا پرونده بسته شود اما بعدها همان‌ها که دولت خاتمی در حدّ توانش پاکسازی و اخراج و عریان‌شان کرده بود، جامه‌ی «سازمان اطلاعات سپاه» به تن کردند تا «حذف» را زیرکانه‌تر دنبال کنند و قاتلان از آنچه در آینه می‌بینیم به ما نزدیک‌ترند». حالا محیط زیستی‌ها چه چیزی را دریافته‌اند که بودن‌شان خطرناک است؟ کشف آلودگی‌های ناشی از آزمایش‌های اتمی یا آن‌طور که تحقیقات سایت کلمه نشان می‌دهد گناه‌شان این است که «اجازه ندادند تا سپاه از محدوده‌های جغرافیایی حفاظت شده محیط زیست برای استقرار سامانه‌های موشکی استفاده کند»؟ هر کدام که باشد سرنوشت‌شان شبیه آن ۲۱ نویسنده و روزنامه‌نگار منتقد و دگراندیشی است که تابستان ۲۲ سال پیش به «سفری با اتوبوس به ارمنستان» دعوت شدند اما در میانه‌ی راه، راننده وقتی به گردنه‌ی حیران رسید اتوبوس را به سمت دره رها کرد و خود بیرون پرید؛ هرچند اتوبوس معجزه‌آسا سقوط نکرد و آنها زنده ماندند!

قتل‌های زنجیره‌ای ۷۷، امتداد همان «حذف اتوبوسی» بود و اکنون همان‌ها که از وزارت اطلاعات خاتمی پاکسازی شدند و به اطلاعات سپاه رهبری کوچ کردند آیا حذف جمعی و زنجیره‌ای‌شان را از اتوبوس به هواپیما ارتقاء داده‌اند؟ در این میان تنها یک نماینده مجلس جرأت به خرج داده و به رئیس سازمان اطلاعات سپاه نامه نوشته که «به عنوان نماینده مردم دائماً مورد مراجعه‌ی موکلان خود هستم که از رفتار مأموران سازمان اطلاعات سپاه شکایت می‌کنند/مثلاً نحوه عمل سازمان تحت امر شما با فعالان محیط زیست... که باوجود گذشت حدود سه ماه از بازداشت، از حق دسترسی به وکیل و ملاقات با خانواده‌های‌شان محرومند». (محمود صادقی، نماینده تهران)

و سرانجام:

قاتلان دهه ۷۰ در پناه و حمایت کدام نهاد به اطلاعات سپاه کوچ کردند تا در دهه ۹۰ دوباره برگردند؟ غده‌ی سرطانی در همان نهاد است؛ همانجا را باید معالجه کرد!

اعتراف سیا به ۱۲ سال دروغ پردازی هسته‌ای علیه ایران



پامپئو: پیش از توافق هسته‌ای، هیچ نشانه‌ای مبنی بر حرکت سریع ایران به سمت ساخت سلاح هسته‌ای در دست نبود

به گزارش مشرق، جلسه بررسی صلاحیت «مایک پامپئو» گزینه رئیس‌جمهور آمریکا برای تصدی پست وزارت خارجه این کشور، در کمیته روابط خارجی سنا در حال برگزاری است. در این جلسه یکی از سناتورها به سخنان قدیمی پامپئو مبنی بر لزوم حمله هوایی گسترده برای یکسره کردن کار برنامه هسته‌ای ایران پرداخت و نظر پامپئو را خواستار شد. رییس سابق سیا گفت: «آن زمان بر اساس اطلاعاتی که در کنگره به ما داده می‌شد آن نظر را دادم. حالا نظرم این است که راه جلوگیری از دسترسی ایران به سلاح اتمی، دیپلماسی است.»

پامپئو همچنین گفت که پیش از توافق هسته‌ای، هیچ نشانه‌ای مبنی بر حرکت سریع ایران به سمت ساخت سلاح هسته‌ای در دست نبوده و نشانه‌ای هم در دست نیست که بدون امضای برجام، ایران چنین توانی پیدا می‌کرده است.

منبع:

وجود افرادی در دولت ایران برای تحریک مردم عرب اهواز

شیما سیلوی

در روز 23 مارس سال 2018، روز دوم تعطیلات نوروزی، کانال 2 تلویزیون ملی، یک نمایش تلویزیونی جنجالبرانگیز را پخش کرد که موجی از اعتراضات شهروندان عرب اهوازی و فعالان حقوق مدنی را در شبکه‌های اجتماعی و در خیابان‌ها به راه انداخت.

در آن برنامه عروסקی کودکی عروسک‌های مردنما و زن‌نما را لباس‌های سنتی قومیت‌های مختلف ایران را بر تن داشتند بر روی نقشه طوری چید که هر عروسک نمادی از تنوع ملی و فرهنگی در ایران را به نمایش بگذارد. از بین همه قومیت‌ها تنها عروسک‌های نماد مردم عرب غایب بود، یعنی مردمی که جمعیتی بین 5-8 میلیون در جنوب و جنوب غربی دارند اما جایی برای آنان روی نقشه در نظر گرفته نشده بود.

دقیقا 5 روز پس از پخش آن برنامه، صدها عرب اهوازی جلوی ساختمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در اهواز تجمع کرده خواستار عذرخواهی مسئولین کانال 2 از مردم عرب شدند.

من با ولید نیسی و پژوهشگر عرب اهوازی و زندانی سیاسی سابق در این مورد گفت‌وگویی داشتم او می‌گوید که "دولت ایران میلیون‌ها دلار برای استراتژی‌های اطلاعاتی هزینه می‌کند؛ آنچه در این نمایش تلویزیونی اتفاق افتاد تصادفی نبود، بلکه کاملا از پیش مورد مطالعه قرار گرفته بود. مضحک است اگر تصور کنیم که مقامات ایرانی نمی‌دانند که میلیون‌ها عرب در ایران زندگی می‌کنند".

این یک استراتژی عمدی است که برای انحراف افکار عمومی درپیش گرفته شده است، به ویژه در این برهه زمانی حیاتی برای نظام که در آن کارگران کارخانه‌های نیشکر روزانه دست به اعتصابات می‌زنند، به‌طوری‌که امروز در "صالحیه" (آندیمشک) اعتصاب وجود داشت که در آن کارگران با مسدود کردن جاده در حال شعار دادن "ما گرسنه هستیم" بودند. همزمان با آن اعتصاب کارگران نیشکر "هفت تپه" ماه‌های متوالی است که ادامه دارد، در کنار آنها اعتصاب کارگران صنایع فولاد و سرکوب فعالان محیط زیست که به انتقال آب و آلودگی نفتی معترض بودند نیز در اینجا شایان ذکر است.

به گفته نیسی "بنا به تجربه و آگاهی شخصی می‌توانم بگویم که این امر می‌تواند به عنوان یک استراتژی در پیش گرفته شده توسط دولت مرکزی ایران جهت شناسایی فعالان مدنی اهواز و از بین بردن آنان باشد". در سال 2014 سندی تحت عنوان "طرح جامع امنیتی برای استان خوزستان" منتشر شد که در آن به موارد ذیل اشاره شده است:

1- تاکید بر تغییر جمعیتی مناطق عربی در ایران

2- عملکرد تبعیضی ضدعرب بر اساس قومیت

3- حذف فیزیکی و معنوی فعالان عرب اهواز

4- منع هرگونه تجمع و تظاهرات عرب‌های اهواز

البته صحت این سند هرگز توسط مقامات ایرانی انکار نشده است.

مردم عرب اهواز هنوز در انتظار عذرخواهی مقامات هستند. جدای از اینکه اتفاق حاصله در برنامه کانال 2 یک اشتباه ناشیانه و غیر عمد بوده یا یک برنامه تولیدی از پیش طراحی شده، یعنی همانگونه که کانال 2 چنین ادعایی کرده است، یا اینکه بخشی از "طرح جامع امنیتی برای استان خوزستان" باشد، نتیجه آن تحریک فعالان عرب اهوازی به منظور سرکوبی آنان در آینده نزدیک است.

ابزارهای چین برای جنگ اقتصادی با آمریکا



در حالی که ظاهراً ترامپ تصمیم دارد ریاست جمهوری خود را بر سر تقابل اقتصادی با چین قمار کند، چین هم در روزهای اخیر بر عزم قاطع خود را در مقابله «قدم به قدم» با اقدامات آمریکا نشان داده است.

سرویس جهان مشرق - در حالی که طبق تحلیل رسانه‌های آمریکایی، ظاهراً ترامپ تصمیم گرفته که ریاست جمهوری خود را وارد قمار تجارتی با چین کند و دومین قدرت اقتصادی دنیا را وادار به عقب نشینی نماید، گزارش همین رسانه‌ها خبر از آن می‌دهد که چین نه قصد کوتاه آمدن در برابر جنگ تعرفه‌ای ترامپ را دارد و نه حریف ساده‌ای برای گلاویز شدن محسوب می‌شود.



تا این جا، جمهوری خلق چین به تعرفه ۵۰ میلیارد دلاری ترامپ بر کالاهای چینی به همان میزان جواب داده است و از قضای نقاط ضعف بدنه طرفداران ترامپ را هدف قرار گرفته است، یعنی اعمال تعرفه بر اقلام کشاورزی و محصولات صنعتی (یقه آبی‌ها یا نیروی کار یدی که پایگاه رای اصلی ترامپ هستند).

ترامپ و نماینده تجارتی آمریکا یعنی «رابرت لایتیزر» دوباره با اعلام خبر بررسی اعمال ۱۰۰ میلیارد دلار تعرفه دیگر بر کالاهای چینی، به اقدام متقابل چین جواب دادند تا عزم خود را به رخ بکشند. چین هم طبق الگوهای جنگ تجارتی کلاسیک، در پی اعلام این خبر از سوی واشینگتن، اعلام کرد که پا به پای ایالات متحده در این تقابل پیش خواهد رفت.



«لری کودلو»، رئیس جدید شورای ملی اقتصاد آمریکا، مأموریت اصلی او قانع کردن وال استریت (قلب تجاری آمریکا) به این است که این شروع یک جنگ اقتصادی نیست، روز جمعه چندین مصاحبه انجام داد تا بگوید که ترامپ تنها از ابزارهای قانونی استفاده کرده تا "جلوی سرقت مالکیت معنوی آمریکا و انتقالات فناوری توسط چینی‌ها را بگیرد".
بیشتر بخوانید:

چین: تا ته خطّ مقابله با آمریکا هستیم

با این حال، مثل سایر سیاست‌های ترامپ در مدتی که از ریاست جمهوری او می‌گذرد، رئیس جمهور آمریکا ابتدا با ادبیات تند با کشور هدف صحبت می‌کند و انتظار دارد که آن کشور تسلیم شود. فقط احتمالا معلوم نیست که در این جدال اقتصادی، «برد» به چه معناست و کاخ سفید برای وضع نکردن تعرفه‌ها دقیقا از چین چه می‌خواهد.
ترامپ خود در مصاحبه‌ای رادیویی در روز جمعه گذشته اذعان کرد که این مواجهه می‌تواند یک «درد مختصر» هم داشته باشد، "ولی نتیجه نهایی آن برای اقتصاد آمریکا مثبت خواهد بود."



البته اگر نتیجه طبق انتظار ترامپ پیش نرود، نتیجه فوری این «درد مختصر»، خود را در شکست جمهوری خواهان در انتخابات میان دوره‌ای کنگره نشان خواهد داد. علاوه بر این که چین ابزارهایی در اختیار دارد که می‌تواند این «درد مختصر» را برای آمریکا تیزتر کند. چین می‌تواند در میان مدت تولید محصولات کشاورزی را در قطب‌های زراعت آمریکا مانند ایندیانا، داکوتای شمالی، میزوری و نبراسکا (که به طور سنتی پایگاه رای جمهوری خواهان هستند) با وضع تعرفه تحت

تاثیر قرار دهد. از همین رو، سناتور جمهوریخواه ایالت نبراسکا، «بن ساس»، یکی از جدی ترین منتقدان سیاست اقتصادی ترامپ در برابر چین است. او اخیرا در مصاحبه‌ای گفت:

"خوشبختانه رییس جمهور تنها گرد و خاکی به راه انداخت. اگر او در این قصدش فقط نیمی جدیت داشت، آن وقت این اقدام یک حماقت است. چین کارهای غلط زیادی انجام داده، ولی رییس جمهور در حال حاضر هیچ طرح واقعی برای پیروزی ندارد. این سیاست رییس جمهور، کشاورزی آمریکا را به خطر می اندازد. بیا باید با رفتار چین مقابله کنیم، ولی با یک طرح مشخص که چین را تنبیه کند، نه خود ما را. این احمقانه‌ترین روش برای انجام چنین کاری است."

جمهوری خواهان در واشینگتن از دست رویکرد ترامپ کلافه شده‌اند. آن‌ها معتقدند که ترامپ باید روی اقتصاد ملی قوی، کاهش نرخ بیکاری و طرح کاهش‌های مالیاتی حزب جمهوریخواه در کنگره تمرکز کند. ولی او با سیاست‌هایش شکنندگی زیادی به بازار سهام آمریکا تزریق می کند، شرکت‌های آمریکایی تجارت‌کننده با چین را با عدم قطعیت در تصمیم‌گیری مواجه می سازد و نرخ تورم را از طریق تحریک قیمت‌ها بالا می برد.

در همین زمینه، «مارک زندی»، از شرکت امور کسب و کار و تجارت «مودی»، به شبکه CNBC گفت:

"تعرفه‌های بالاتر به معنای افزایش فشارهای کنونی اقتصاد آمریکا و افزایش نرخ بیکاری است. شطرنج ترامپ با تعرفه‌ها در بهترین حالت جلوی شدت بالا رفتن تعرفه‌ها در برابر چین را می گیرد و در حالت بدتر، بر ریسک‌های تجاری که همین حالا هم بالا و رو به افزایش است، می افزاید. همه این اقدامات ترامپ ممکن بود به ریسک آن بیارزد، در صورتی که چشم انداز آن برای اقتصاد ایالات متحده روشن بود. ولی چنین چشم‌اندازی وجود ندارد. این شانس البته هست که در نهایت این مناقشه با برخی اقدامات دلخوش‌کنک چین، مثلا برداشتن برخی موانع تجارت تمام شود، ولی اصلا دستاورد قابل ملاحظه‌ای نیست و اندک کاهش در کسری تراز تجاری آمریکا با چین، نمی تواند در شرایط واقعی اقتصاد قابل اعتناء باشد."

بدیل دیگر، تبدیل جنگ کلامی به یک جنگ اقتصادی واقعی است که می تواند رشد اقتصاد آمریکا را کند کند، به بازار سهام آسیب بزند و به شکست جمهوریخواهان در هر دو انتخابات مجلس نمایندگان و سنا در ماه نوامبر بیانجامد.

از سوی دیگر، اکثریت دموکرات کنگره که به شدت مشتاق به دست آوردن آتو از ترامپ در ماجرای ارتباط با روسیه هستند، از این قمار اقتصادی ترامپ و نتایج فاجعه بار آن برگ‌هایی برای جلسات استیضاح او به دست خواهند آورد، حتی اگر چنین استیضاحی در نهایت رای نیابد.



شبکه CNN هم در گزارشی به قلم «دانیل شین» در روز جمعه، به انتخاب‌های چین علیه آمریکا، در صورت تشدید تقابل اقتصادی، پرداخت.

در این گزارش، ابتدا از قول «الکس وُلف»، اقتصاددان حوزه بازارهای در حال ظهور، نوشت که چین در این جنگ یک مشکل قابل ملاحظه دارد و آن این که میزان صادرات کالای آن به آمریکا، بسیار بیشتر از میزان صادرات آمریکا به این کشور است. در سال گذشته آمریکا از چین ۵۰۵ میلیارد دلار و چین از آمریکا حدود ۱۳۰ میلیارد دلار واردات داشته‌اند. به گفته ولف در صورت ادامه جنگ تعرفه‌ای، پکن با کمبود کالاهای آمریکایی وارداتی برای وضع تعرفه مواجه خواهد شد.

با این حال، پکن اعلام کرده که پا به پای آمریکا در این تقابل پیش می رود و ابایی از جنگ اقتصادی ندارد. از همین رو، در برابر وضع تعرفه معادل ۵۰ میلیارد دلاری آمریکا بر کالاهای چینی، بلافاصله تعرفه‌ای معادل همین مبلغ بر کالاهای آمریکایی وضع کرد. جدای از این، طبق همین گزارش، چین چند انتخاب دیگر هم علاوه بر وضع تعرفه در برابر آمریکا

دارد.

به گفته «لری هو»، اقتصاددان بانک سرمایه‌گذاری «مکار» در هنگ کنگ، چین می‌تواند در حوزه‌هایی غیر از کالاهای فیزیکی هم بر آمریکا فشار وارد کند. توریسم، تحصیلات دانشگاهی و صنایعی که آمریکایی‌ها بیش از چینی‌ها از آن‌ها بهره می‌برند.

طبق آمار بانک سرمایه‌گذاری «نوموا»، بیش از نیمی از ۳۹ میلیارد دلار تراز تجاری مثبت آمریکا در تبادل خدمات با چین، مربوط به پولی است که گردشگران و دانشجویان چینی در آمریکا خرج می‌کنند.



چین سابقه استفاده از گردشگری را به عنوان یک سلاح اقتصادی دارد. سال گذشته، بر سر استقرار سیستم ضدموشک آمریکایی تاد در کره جنوبی، دولت چین در دستوری غیررسمی به آژانس‌های گردشگری این کشور، تورهای گروهی به چین را محدود کرد که اثرات قابل ملاحظه‌ای بر بخش‌های مرتبط با گردشگری کره جنوبی گذاشت.

از سوی دیگر، شرکت‌های آمریکایی فعال در چین هم می‌توانند از جانب پکن تهدید شوند. سال گذشته همین روش در قبال کره جنوبی به کار گرفته شد و با دستور مقامات چینی ده‌ها فروشگاه زنجیره‌ای کره جنوبی مربوط به مجموعه تجاری عظیم «Lotte» در چین بسته شدند. همچنین فروش خودروهای کره‌ای «هیوندای» و «کیا» هم به واسطه تبلیغات ضد کره‌ای رسانه‌های چینی، افت قابل ملاحظه‌ای را نشان داد.



PHOTO: FENG LI/GETTY IMAGES

اگر تقابل پینگ پنگ چین و کره بالا بگیرد، طبق تحلیل کارشناسان در آمریکا، بسیاری از شرکت‌های آمریکایی که بخش بزرگی از درآمد خود را از بازار حدوداً یک میلیارد و ۴۰۰ میلیونی چین دارند (اپل، استارباکس، مک دونالد و...) با ضرر جدی مواجه می‌شوند. این در حالی است که به نسبت شرکت‌های آمریکایی فعال در چین، شرکت‌های چینی کم‌تری در خاک آمریکا فعال هستند که تحت فشار دولت آمریکا قرار گیرند.

از سوی دیگر، اگر این مواجهه به جنگ اقتصادی تبدیل شود، چین می‌تواند ابزارهای قوی‌تری را هم به کار بگیرد که یک نمونه آن (که البته برای چین هم ریسک‌هایی دارد) فروش اوراق قرضه ملی آمریکاست که توسط چینی‌ها خریداری شده است. چینی‌ها هم اکنون ۱ تریلیون و ۷۰۰ میلیارد دلار اوراق قرضه آمریکایی‌ها را در دست دارند که در حکم بدهی‌های ملی آمریکاست و فروش بخش چشمگیری از این اوراق قرضه، ضربه سنگینی به ارزش دلار و اقتصاد آمریکا وارد می‌کند. گرچه این کار در نهایت به ذخایر ارزی چین هم ضربه می‌زند، ولی آسیب این اقدام در صورت تشدید نبرد اقتصادی، برای آمریکایی‌ها بسیار شدیدتر خواهد بود.

« وزیر آموزش و پرورش دولت دوران دفاع مقدس: در دهه شصت هیچ کس به دنبال منفعت نبود/ حقوق نخست وزیر دوران دفاع مقدس چقدر بود؟ »

چکیده: یکی از کسانی که در نخست وزیری آن زمان کار می کرد می گفت یک روز آقای نخست وزیر چکی به من داد که نقد کنم؛ دیدم مبلغش سه هزار و پانصد تومان است. رفتم به نخست وزیر گفتم انگار شما اشتباه کرده اید؛ من کارمند شما هستم و پنج هزار تومان می گیرم و شما برای خودتان سه هزار و پانصد تومان نوشته اید. نخست وزیر گفت برو همین چک را نقد کن زیرا من باید درد مردم جنوب شهر را بدانم

چندی پیش رهبری در دیدار با جمعی از مسئولان کشور با یادآوری روحیه انقلابی و خدمتگزارانه حاکم بر مدیران کشور در دهه ۶۰، از مسوولان خواست تا " آن احساسات و رفتارهای تحسین برانگیز" را به یاد آورند.

رهبری در حالی خواهان یادآوری روحیه مدیران دهه نخست انقلاب است که یکی از بهترین مدیران آن دوره یعنی نخست وزیر دوران جنگ در حصر بسر می برد. میرحسین موسوی یکی از همان مدیرانی است که رفتار تحسین برانگیز داشت؛ ساده زیست و از جنس مردم بود، حقوق نجومی نگرفت، مانند مردم عادی زندگی کرد و همین روش را در دهه های بعدی زندگی خود نیز ادامه داد. اما مهم تر همه اینها صداقت و راستگویی و وفاداری به آرمان های انقلاب نیز از جمله خصوصیات است که نخست وزیر هشت سال دفاع مقدس از همان زمان حفظ کرده و مانند بسیاری دیگر فراموش نکرده است. برای همین نیز چنین مدیری در حصر بسر می برد و مدیرانی که خلاف این رویه ها را رفتند تشویق شده و پاداش می گیرند.

درهمین رابطه وزیر آموزش و پرورش دولت میرحسین موسوی می گوید: "یکی از کسانی که در نخست وزیری آن زمان کار می کرد می گفت یک روز آقای نخست وزیر چکی به من داد که نقد کنم؛ دیدم مبلغش سه هزار و پانصد تومان است. رفتم به نخست وزیر گفتم انگار شما اشتباه کرده اید؛ من کارمند شما هستم و پنج هزار تومان می گیرم و شما برای خودتان سه هزار و پانصد تومان نوشته اید. نخست وزیر گفت برو همین چک را نقد کن زیرا من باید درد مردم جنوب شهر را بدانم."

مشروح گفت و گوی سید کاظم اکرمی با خبرنگار جماران را در ادامه می خوانید:

آقای دکتر! به نظر شما مهمترین ویژگی مدیران دهه شصت چه بود؟

افرادی که در دهه شصت مسئولیت داشتند، قبل از انقلاب با اراده و آگاهی خودشان را تربیت کرده بودند. قبل از انقلاب مسلمانی و رفتار مسلمانی خواسته هیأت حاکم نبود. کسانی که تحت تأثیر سخنرانی های مختلف بودند، آن روز با اراده و آگاهی اسلام را انتخاب کردند و هیچ کس دنبال منفعت نبود. این جمعیت خود تربیت شده، پاک و نیک، دهه شصت در سطوح مختلف اعم از استاندار، فرماندار، معاون وزیر، وزیر، نخست وزیر و رئیس جمهور مسئولیت داشتند.

از سال های بعد وارد جریانی می شویم که متولدین دهه های بعد در شرایطی بزرگ شدند که آن نوع اراده و آگاهی را خیلی نداشتند. شرایط طوری بود که آموزش و پرورش، رادیو، تلویزیون و همه روزنامه ها صحبتشان از اسلام و مسلمانی بود و گزینش عقلانی و اختیاری اسلام برای زندگی کردن کمتر شد. نکته اساسی این است که تفاوت مسئولین الآن با آن موقع این است که آنها آزادانه و آگاهانه انتخاب کردند و دیدشان را در آن مسیر قرار دادند و حالا خیلی کمتر است. البته نمی خواهم بگویم هیچ است اما شرایط و اوضاع طوری شده که این انتخاب و آگاهی کمتر است.

مرحوم دکتر سید مصطفی کیایی در دو سال آخر وزارت آموزش و پرورش با من همکار بود. ایشان سال ۶۴ معاون اداره بهداشت همدان بود و ۲۴ هزار تومان حقوق می گرفت. ما ایشان را برای معاونت مالی وزارتخانه به تهران دعوت کردیم. حقوق این بزرگوار ۱۰ هزار تومان کم شد. من در دو سالی که با ایشان کار کردم هرچه خواهش کردم از پول هایی که نخست وزیر در اختیار ما می گذارد لااقل ماهیانه هزار تومان به ایشان بدهم، گفت من سرباز انقلاب هستم و دنبال این چیزها نیستم.

دوستان دیگری که با من کار می کردند مثل مرحوم جعفر علاقمندان یا کسانی که الآن هستند مثل دکتر فانی، دکتر سید احمد زرهانی و افراد دیگری که هستند، وقتی می خواستند مأموریت بروند زیر برگه مأموریتشان «بدون حق مأموریت» می نوشتند. اینها باور پیدا کرده بودند که زندگی دنیا موقت و گذران است و آن دنیا را باید آباد کنیم که جاودان و باقی است.

وقتی جلوتر آمدیم اشتباهاتی در کارها شد و کسانی که کشور را اداره می کردند نخواستند که امثال

این افراد نظر بدهند که نمایندگان چطور وارد مجلس شوند. با این پول هایی که الآن بعضی از نمایندگان برای راه یابی به مجلس خرج می کنند یا در دوره های قبل خرج کرده اند و بده بستان هایی که با بعضی مسئولین دارند که چند دوره نماینده بمانند، قبح دنیا طلبی و قدرت خواهی و پول دوستی از بین رفته است.

مسئولین کم کم به این نتیجه رسیدند که تجمل گرایی چیز خوبی است و پول برای آنها ارزشمند شد. مهمترین ضربه را هم دوره احمدی نژاد زد که وقتی به عنوان مثال ایشان در سال آخر مسئولیت به وزیران خود ۵۰ سکه و ۱۰۰ سکه داد، مردم این عمل او را در روزنامه ها خواندند، آرام آرام دیدند دنیا هم آن چنان که می گفتند بد نیست؛ اینها هم مدعی ارتباط با امام زمان (عج) هستند و هم دنیایشان را دارند، ما چرا نداشته باشیم؟ البته رسانه های خارجی و تبلیغات خارجی هم بی تأثیر نبودند. به علاوه اینکه مسئولین و مدیران ارشد جامعه هرگز به فکر تشویق افرادی که خوب و درست کار کردند نبودند. در طی این ۳۰ سال من ندیدم کسی را در رادیو و تلویزیون معرفی کنند که این آقا یا خانم، در فلان پست، با کمال سلامت کار و زندگی کرده است تا مردم اینها را بشناسند. تا من و امثال من بیاییم و بگوییم سید مصطفی کیایی ها علی رغم اینکه ۱۰ هزار تومان حقوقش کم شده بود، هرچه خواهش کردم یک قران هم از من نگرفت.

با تغییر شرایط، دستگاه های مختلف دیدند که هم می شود روزه گرفت و نماز خواند و هم ماهیانه ۵۰ میلیون تومان حقوق گرفت و گفت به من ربطی ندارد که بعضی ها دو میلیون حقوق می گیرند!

بهترین راهی که بتوانیم دوباره روحیه مدیران را به آن دوران برگردانیم چیست؟

پاسخ این سؤال خیلی مشکل است. کار ساده ای نیست که ما بتوانیم آن روحیه را برگردانیم و یک تصمیم قوی می خواهد تا واقعا و صد در صد زندگی تمام کسانی که مسئول هستند این طور شود. ریاست جمهوری، دستگاه قضایی، قوه مقننه و حتی دفتر مقام معظم رهبری باید با هم تصمیم بگیرند که این شرایط را به یک شرایط مناسب تبدیل کنند تا مردم دیگر احساس نکنند که یک مسئول ۱۰ تا ۲۰ برابر کارمند معمولی حقوق می گیرد. زمانی که من وزیر بودم ۱۰ هزار تومان حقوق می گرفتم و کارمند من سه یا چهار هزار تومان می گرفت.

حقوق نخست وزیر دهه شصت چقدر بود؟

یکی از کسانی که در نخست وزیری آن زمان کار می کرد می گفت یک روز آقای نخست وزیر چکی به من داد که نقد کنم؛ دیدم مبلغش سه هزار و پانصد تومان است. رفتم به نخست وزیر گفتم انگار شما اشتباه کرده اید؛ من کارمند شما هستم و پنج هزار تومان می گیرم و شما برای خودتان سه هزار و پانصد تومان نوشته اید. نخست وزیر گفت برو همین چک را نقد کن زیرا من باید درد مردم جنوب شهر را بدانم.

همه کسانی که با این افراد کار می کردند تحت تأثیر این فضا بودند. از طرف دیگر هم می دانستیم تشکیلات امام بسیار کوچک و حدود ۳۰ نفر است. فیدل کاسترو وقتی که منزل امام را دید تعجب کرد و به یادگار امام گفت کشور شما از این اتاق کوچک رهبری می شده است؟ و با تأسف گفت شما نتوانسته اید این را در جهان تبلیغ کنید.

اگر ما بتوانیم به روحیه دوران برگردیم چه تأثیری در برون رفت از چالش های اجرایی موجود دارد؟

تأثیر خیلی بزرگی خواهد داشت. مثلا اگر مردم ببینند مسئول وزارتخانه ای مثلا پنج برابر کارمند معمولی حقوق می گیرد و هیچ سوء استفاده دیگری هم نمی کند و از هیچ رانتی هم استفاده نمی کند، بسیار مؤثر است. حتی در بیرون از کشور هم مؤثر است. همه غصه ما این است که نتوانستیم وضعیت دهه شصت را حفظ کنیم. ما که مبارزه کردیم همه تلاشمان این بود که حرف های مرحوم آقای طالقانی و مرحوم شهید مطهری راجع به امیرالمؤمنین (ع)، نمی گویم صد در صد، لااقل ۷۰ تا ۸۰ درصد اجرا شود. ولی مواظبت نکردند؛ اول هم از مجلس شروع شد و بعد رابطه مجلس و وزیران و بعد رسانه ها و بعد به سایر بخش ها سرایت کرد.

قوه مقننه باید قوانینی وضع کند تا کسانی که در طول نمایندگی با وزیران بده و بستان می کنند و از این راه مفاسدی حاصل می شود برای دوره بعد صلاحیتشان رد شود. البته در حدی که نماینده در چارچوب قانون از وزیر چیزی برای حوزه انتخابیه خود بخواهد مسأله ای ندارد؛ اما اگر اضافه بخواهند و بگویند این چیز را به من بده تا به شما رأی دهم که وزیر شوید یا اگر ندهی استیضاح می کنم را رئیس مجلس و یا چند نفر در مجلس باید نظارت کنند که این رفتارها صورت نگیرد. هیچ کس در این دنیا نیست که معصوم باشد و همه ما نظارت می خواهیم.

قوه قضائیه هم باید در این زمینه کمک کند. کمک قوه قضائیه این است که روی قضات و مستشاران بررسی های قوی داشته باشند. الآن بسیاری از مردم از کسانی که در قوه قضائیه کاری را به ناحق به

نفع شخص یا اشخاصی انجام می دهند به شدت ناراضی هستند.

علاوه بر آن اطلاع دارم در بعضی دستگاه های خارج از دولت حقوق های ۳۰ تا ۴۰ میلیونی هست و دارند این رقم ها را می گیرند. اما دو سه سال پیش فقط به دولت انتقاد کردند؛ که آن هم حق بود. باید همه آنها را هم به حد متعارف برگردانند. اگر کسی گفت نمی توانم با این حقوق زندگی کنم او را بیرون کنند تا فرد دیگری بیاید که می تواند با این حقوق زندگی کند.

در همان سال هایی که من در آموزش و پرورش بودم، کارمندی به من گفت کسی که لوازم التحریر برای وزارتخانه می خرد تبانی کرده و گران می خرد. گفتم حراست بررسی کرد و دیدیم که درست می گوید و گفتیم که این آقا را بیرون کنید. بعد همان کارمند آمد و گفت خدا را شکر زنده ایم و دیدیم که یک کارمند معمولی می تواند به مسئول وزارتخانه نکته ای را بگوید و او هم بررسی و عمل کند.

اینها انجام شده است و می شود ولی اراده می خواهد. اگر اراده کنند می توانند با سلامت و درستی کار کنند. وقتی مردم هم احساس کردند دستگاه های اداری این طور شده تحت تأثیر قرار می گیرند و زیاده خواهی مردم هم کمتر می شود.

نکته دیگری را اضافه کنم. ما نهادی شبیه شورای نگهبان به عنوان شورای امر به معروف و نهی از منکر برای خود روحانیت هم نیاز داریم. زیرا رفتار بعضی از روحانیون در دانشگاه ها، وزارتخانه ها و سازمان ها سبب دوری مردم از رفتار اسلامی و سبک زندگی اسلامی، که مقام معظم رهبری بر آن تأکید می کنند، می شوند. البته بسیاری از روحانیون هم در کار خود موفق هستند.

به هر صورت مسئولین دهه شصت در جلب مردم به فرهنگ اسلامی تا حدود قابل ملاحظه ای موفق بودند اما متأسفانه ما چارچوبی برای تربیت مدیرانی با آن دیدگاه ها و رفتارها به وجود نیاوردیم که آن رفتارها ادامه پیدا کند. یکی از وزیران پیشین می گفت بعد از اینکه دوره وزارت من تمام شد مرا به سازمانی که وظیفه اش تربیت مدیر بود دعوت کردند و من با خود گفتم این کار باید قبلاً انجام می شد؛ نه اکنون که من دیگر مسئولیتی ندارم!

چین به آمریکا: آشغال‌هایتان را بازگردانید



مقامات چینی در گمرک خطاب به آمریکایی‌ها اعلام کردند همه آشغال‌هایتان را به کشورتان برگردانید. **به گزارش مشرق** به نقل از راشاتودی؛ مقامات گمرک چین از ورود 469 تُن زباله جامد آمریکا به این کشور ممانعت کردند و این محموله به آمریکا برگردانده شد.

پیش از این ورود هرگونه زباله جامد توسط کشور چین ممنوع اعلام شده بود. بازرسان چین محموله آمریکایی که شامل زباله‌های کاغذی و فلزات و بطری‌های نوشابه را نپذیرفته و آن را به آمریکا عودت دادند.

به مقامات گمرک چین دستور داده شد که این آشغال‌ها هرچه زودتر به آمریکا برگردانده شود. در سال 2017 چین واردات 24 نوع زباله جامد را به کشور برای جلوگیری از آلودگی زیست محیطی ممنوع کرد. پیش از این چین به عنوان مهمترین واردکننده آشغال جهان بخصوص از کشور آمریکا بود و آمریکا مهمترین صادرکننده آشغال نیز محسوب می‌شد.

چین تاکنون به عنوان بزرگترین فرآوری کننده آشغال محسوب می‌شد که بیش از 50 درصد صادرات بقایای پلاستیک، کاغذ و فلزات در سال 2016 به این کشور انجام شد. در همان سال آمریکا 5.2 میلیارد دلار برای فرآوری 16 میلیون تن زباله پرداخت کرد.

پکن اعلام کرد حجم بسیار زیاد زباله‌های کثیف و بقایای خطرناک آن در زباله‌های جامد وجود دارد و می‌تواند به مواد خام نفوذ کند و این تصمیم به سازمان تجارت جهانی هم اعلام شده است که این مسئله می‌تواند محیط زیست چین را به شدت آلوده کند.

براساس این گزارش زمانی که اقتصاد چین کوچک بود فرآوری زباله‌ها برای این کشور زیاد گران تمام نمی‌شد چرا که وجود کارخانه‌های ارزان برای فرآوری آن را به‌صرفه می‌کرد اما از زمانی که اقتصاد این کشور رشد کرد فرآوری زباله‌ها دیگر سود و منفعت خود را از دست داد به علاوه اینکه مسئله آلودگی هم آن را با مشکل مواجه کرد.

چه شد که قیمت دلار به صورت ناگهانی اوج گرفت؟

یکی از نمایندگان ایران در مجلس در اظهارات اخیرش در مورد خروج چشمگیر سرمایه از کشور باعث تعجب همگان شد. در یک چارچوب نظری، چندین دلیل کلیدی برای خروج سرمایه از اقتصادهای ملی وجود دارد: عدم تعادل نرخ ارز، بی ثباتی سیاسی و اقتصادی، کاستی های سیاست عمومی در حفظ و حمایت از سرمایه گذاری، کسری حساب های مالی و فساد و بدهی های عظیم خارجی.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



المانیتور نوشت: یکی از نمایندگان ایران در مجلس در اظهارات اخیرش در مورد خروج چشمگیر سرمایه از کشور باعث تعجب همگان شد. محمد رضا پورابراهیمی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس در اظهاراتی در مورد نوسان تبادل خارجی در ماه مارس اظهار داشت که 30 میلیارد دلار از پایتخت در طی ماه های آخر سال گذشته از ایران خارج شده است.

به گزارش «انتخاب»، در ادامه این مقاله آمده است: برای ارزیابی و بررسی چنین پدیده ای لازم است که پارامترهایی که منجر به خروج سرمایه و تاثیرات آن بر اقتصاد ایران می شود را مورد بررسی قرار داد. در یک چارچوب نظری، چندین دلیل کلیدی برای خروج سرمایه از اقتصادهای ملی وجود دارد: عدم تعادل نرخ ارز، بی ثباتی سیاسی و اقتصادی، کاستی های سیاست عمومی در حفظ و حمایت از سرمایه گذاری، کسری حساب های مالی و فساد و بدهی های عظیم خارجی.

به استثنای بدهی های خارجی، وضعیت فعلی اقتصاد ایران همه موارد فوق را صدق می کند. این عوامل به طور خاص بی ثباتی سیاسی و فساد می تواند زمینه بازیگران اقتصادی را برای خروج سرمایه هایشان از کشور تحریک کند. با این وجود ضرورت دارد که با دقت تمام این روندهای خروج سرمایه از ایران را طبقه بندی کنیم. اگر چه خروج 30 میلیارد دلار سرمایه نمی تواند از اطلاعات رسمی شناسایی کرد اما می توان با یک الگوی کلی در بانک مرکزی در مورد کسری های حساب خالص سرمایه آن را شناسایی کرد.

بر طبق داده های بانک مرکزی ایران در سال 1395 (سال پایان 20 مارس 2017) یک کسری حساب خالص سرمایه 18 میلیارد دلاری و همچنین در شش ماه اول سال 1396 یک کسری 6.3 میلیارد دلاری وجود دارد. این آمار با توجه به سال های گذشته، موازنه حساب سرمایه خالص این کشور مثبت بوده است. به این ترتیب به نظر می رسد پس از اجرای برنامه جامع اقدام مشترک در ژانویه 2016م. جریان سرمایه مسیر اشتباهی را طی کرده است. اما چرا؟

نخستین واقعیت در مورد مسئله شفافیت در مورد آمار های گذشته و حال است. این مسئله ثابت شده است که آمار های گذشته و حال ، برخی از واقعیت های مربوط به جنبه های پنهان (سایه ای) اقتصاد ایران را منعکس نمی کند.

در واقع بر طبق گزارش یک روزنامه، در طول دوران ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد (2005-2013) 100 تا 200 میلیارد دلار پول کثیف از کشور خارج شد. برخی از این وجوه از جمله مورد اختلاس 3 میلیارد دلاری بانک ملی بسیار عمومی است. تمام این نشانه ی فوق از خروج سرمایه از طریق عملکرد فساد در قالب قاچاق، تحریم ها، فساد اداری و مالی در ایران نشئت گرفته است. اگر چه سنجش میزان واقعی خروج سرمایه از ایران خیلی دشوار است اما در بسیاری موارد جریان سرمایه در قالب اشکال دیگر مانند طلا جریان دارد.

یکی دیگر از جنبه های مهم برای فهم مکانیسم و میزان جریان سرمایه رجوع به خروج سرمایه در درون سیستم حواله موجود در ایران است. این سیستم توسط دفاتر ارز خارجی مورد استفاده قرار می گیرد. سیستم حواله یک سیستم مطمئن است که به جریان موازی بودجه (وجوه) متکی است. در اصل زمانی که یک تراکنش از طریق سیستم حواله اتفاق می افتد در ابتدا هیچ پولی از مرز های کشور خارج نمی شود. این بدان معنی است که در برخی مواقع در این روند، سرمایه برای اصلاح موازنه پرداخت از کشور خارج شود.

تحریم های گذشته بر ایران، سیستم حواله را به عنوان بستر اصلی برای تراکنش تبدیل کرده است. یکی از واقعیاتی که ضرورت دارد در نوسانات فعلی بازار ارز مورد توجه قرار بگیرد همین سیستم حواله است. برای نمونه اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهور اظهار داشت: « در دوران دولت گذشته در طی 18 ماه حدود 22 میلیارد تومان از اقتصاد ایران به بهانه فروش ارز در دویی و استانبول برای کنترل نرخ تبادل داخلی خارج شده است. » حرکت سرمایه در دو جهت اتفاق می افتد و آن ها نه سرمایه خارجی هستند نه خروج سرمایه. بلکه بیشتر آن ها به عنوان موازنه اعتبار و بدهی از دفاتر ارز خارجی در زمان باقی مانده است. بدیهی است که دولت حسن روحانی امیدوار بود که عادی سازی روابط بانکی می تواند جریان مالی تراکنش ها را بیشتر شفاف کند و همچنین نیاز برای عملیات گسترده دفاتر ارز خارجی را کاهش دهد. با این وجود محدودیت های مدام در بخش های بانکی و محدودیت های داخلی و خارجی و همچنین سیستم های نظام نرخ تبادل ارز دو نرخی ضعیف، تعامل اقتصاد ایران را با بخش مالی جهانی در یک ساختار خیلی مبهم و پیچیده تبدیل کرده است.

علاوه بر ساختار مبهم ضرورت دارد به دلایل دیگر هم توجه کرد که چرا در مقطع فعلی بایگران اقتصادی در ایران تمایل زیادی به خروج سرمایه های خود به خارج از کشور دارند؟ واضح ترین پاسخ عدم قطعیت سیاسی و اقتصادی به دلیل عدم پیش بینی پذیری داخلی و خارجی است. در همین زمان برخی از بازرگانان و تاجران تصمیم می گیرند که مقداری از پول خود را از ایران برای تسهیل واردات در آینده از ایران خارج کنند. دلیل دیگر این واقعیت است که بسیاری با خروج سرمایه درصدد موازنه بخشی به بدهی های قدیمی خود هستند که در طول سال های تحریم انباشته شده است. شهروندان خصوصی هم به این عدم موازنه بسیار کمک می کنند. بنابراین بدیهی است که نگرانی نسبت به توسعه اقتصادی آینده و تمایل به سرمایه گذاری منجر می شود شهروندان به دنبال فرصت های سرمایه گذاری در خارج از کشور باشند. این روند فوق تمایل خانواد های طبقه متوسط را به خروج از کشور ترجیحا در کشورهای غربی را تقویت می کند. اگر چه انگیزه خروج سرمایه متفاوت است اما در اقتصاد ایران پدیده ای مضر است.

عباس هوشی اقتصاددان؛ سلطه بخش های دولتی و نیمه دولتی و محدودیت سرمایه گذاری بخش خصوصی را دلیل اصلی خروج سرمایه از کشور دانسته است. بر طبق دیدگاه علی الله همدانی مشاور انجمن صنایع غذایی یکی از دلایل برای رها شدن خروج سرمایه فضای اشتغال ضعیف است که شرکت ها را به سازمان رفاه تبدیل کرده است نه شرکت های سودآور.

در نتیجه ایران نیاز دارد به یک تلاش هماهنگ برای بهبود فضای تجارت از طریق تک نرخی کردن ارز به عنوان گام مهم برای کاهش فساد و برخورد با ارز های خارجی. در حالی که در 9 آوریل اعلام شد که نرخ ارز تک نرخی می شود این یکی از نزدیک ترین دستور کار های عمده برای مقابله با فساد است. بنابراین آن ها نیازمند این هستند که

برای نرخ واحد پول سخت ایجاد کنند. در غیر این صورت یک بازار سیاه شکل می گیرد و منجر به نگرانی بازیگران اقتصادی می شود. هیچ شکی وجود ندارد که موازنه حساب سرمایه منفی برنامه های اقتصادی ایران را تضعیف خواهد کرد. این کشور نیازمند سرمایه گذاری داخلی و خارجی است اما اکنون خروج سرمایه را تجربه می کند. واقعیت غم انگیز دیگری که مطرح است وجود نیروهای سیاسی قدرتمندی است که با مدرنیزه سازی و توسعه کشور مخالف هستند. بنابراین آن ها علاقه مند به خروج سرمایه مالی و انسانی هستند.

آشوبهای جعلی خاورمیانه در یکصدساله اخیر
برای از بین بردن یهودیان سنتی
و تقویت یهود سیاسی و صهیونیسم

یهودیان عراقی در راه بازگشت؛ ظلم صهیونیست‌ها به مهاجران



«پس از سالها یهودیان عراقی از سرزمین‌های اشغالی راهی وطن خواهند شد.» این خبر دو بُعد می‌تواند داشته باشد اول نارضایتی از زندگی در سرزمین‌های اشغالی و دوم نقشه جدید برای شمال عراق.

سرویس جهان مشرق - روزنامه صهیونیستی «هآرتص» چندی پیش در گزارشی اختصاصی از قصد یهودیان عراقی ساکن سرزمین‌های اشغالی و انگلیس جهت بازگشت به عراق خبر داد.

این روزنامه چاپ سرزمین‌های اشغالی در گزارش خود نوشته بود: شواهد حاکی از آن است که ده‌ها سال پس از **مهاجرت یهودیان عراقی** از کشور خود، آنها برای وطن اصلی خود دل‌تنگ شده و مصمم برای بازگشت به عراق می‌باشند.

هآرتص در ادامه گزارش خود می‌نویسد: در پی شکست **گروه تروریستی داعش** در عراق و بهبود شرایط امنیتی در این کشور، یهودیان عراقی مشتاقانه به دنبال بازگشت به سرزمین مادری‌شان و در حال برنامه‌ریزی برای بازگشت به آن هستند.



یهودیان عراقی در سرزمین اشغالی

این روزنامه صهیونیستی با اشاره به اینکه برخی از یهودیان عراقی ساکن اسرائیل از تمدید گذرنامه عراقی خود سخن می گویند، ادامه می دهد: با اخباری که از بغداد، پایتخت عراق به گوش می رسد، برخی دیگر تلاش می کنند در سرزمین مادری خود املاکی خریداری کنند، اگرچه هنوز قضیه فرهود از ذهن یهودیان عراق پاک نشده است.

حادثه فرهود که در سال ۱۹۴۱ میلادی در بغداد رخ داد و اگرچه برخی از یهودیان علت این حادثه را ارتباط دولت وقت عراق به نخست وزیری «رشید عالی کیلانی» با رژیم نازی و نقشی که رادیو عربی برلین در تحریک یهودیان عراق ایفا کرد، می دانند، اما اغلب قریب به اتفاق یهودیان عراق تاکید می کنند، هدف این حادثه که اولین حادثه خشونت آمیز و خونین علیه یهودیان عراق شمرده می شد، واداشتن یهودیان این کشور به مهاجرت به فلسطین اشغالی و خروج از عراق بود.

روزنامه صهیونیستی هآرتص در ادامه گزارش خود، در حالی که آشکارا مشخص بود، از یک سو، قصد یادآوری روزهای تلخ آن حادثه را به یهودیان عراق دارد و از سوی دیگر لحنی را در نوشتار خود به کار می برد، گویی نماینده این یهودیان است، می افزاید: یهودیان عراقی هنوز حوادث پرتاب بمب های دستی در محله های یهودی نشین بغداد را به یاد می آورند.



صورة نادرة للفرهود في بغداد عام ١٩٤١ اليهود من فوق في بيوتهم ينظرون للمسلمين وهم يحملون الخناجر واليوف والعصي التي فتكوا بها اليهود

درگیری یهودیان عراق و خروج آنان از عراق
برخی از یهودیان معتقدند که این اقدامات حاصل همدستی دولت عراق و سازمان ها و گروه های صهیونیستی و با هدف
ایجاد رعب و وحشت در میان این یهودیان صورت می گرفته است.



تصاویر قدیمی از یهودیان عراق

در این زمینه یهودیان عراق به تصمیم دولت وقت عراق در سال ۱۹۵۰ میلادی مبنی بر سلب تابعیت یهودیان این کشور و تسهیل سفر آنها به اسرائیل و صدور بیانیه هایی اشاره می کنند که آنها را به مهاجرت به اسرائیل دعوت می کرد.



خروج یهودیان عراق

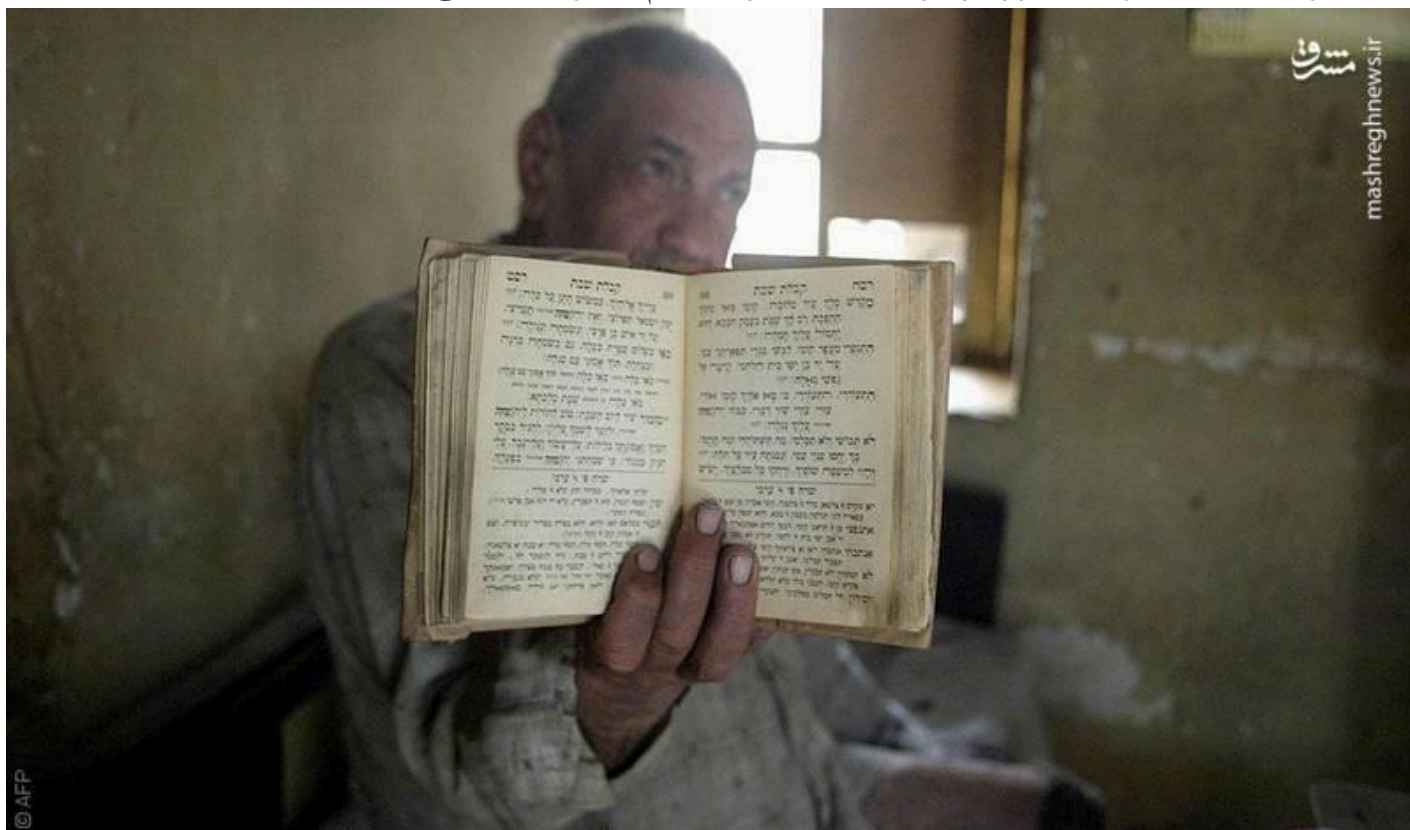
هآرتس می نویسد: اغلب یهودیان عراق که بخشی از قشر ثروتمند و سرمایه دار و تاجر جامعه وقت عراق را تشکیل می دادند، بعد از تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸ میلادی به شکل گروهی این کشور را ترک کردند، در حالی که اندک یهودیان باقی مانده در بغداد نیز پس از تهاجم نظامی آمریکا به عراق و براندازی رژیم بعث و صدام حسین در سال ۲۰۰۳ در این

کشور وقتی با عملیات های ادم ربایی و ترور به دست گروه ها و افراد ناشناس مواجه شدند، از بیم جان و سرنوشت نامعلومی که انتظار آنها را می کشید، به امید یک زندگی جدید این کشور را ترک و به کشورهای دیگر از جمله کشورهای اروپایی و بخشی از آنها به فلسطین اشغالی مهاجرت کردند.

در این بین خبر شکست داعش در عراق تنها موجب شادی و خوشحالی در دل عراقی ها ایجاد نکرد، بلکه موج آن به خانه «ادوین شوکر»، یهودی عراقی الاصل ۶۲ ساله ساکن شهر لندن، در انگلیس هم رسید.

برای او این اتفاق گام دیگری در راه رسیدن به آرزویش جهت بازگشت به وطنش و زندگی در آن بود که ۴۵ سال پیش مجبور به مهاجرت از آن شده بود.

در این راستا و برای تحقق این آرزو، او دو سال پیش اقدام به خرید خانه جدیدی در شمال عراق کرده بود تا اولین یهودی باشد که در این سال ها، در این کشور درگیر جنگ های خونین اقدام به خرید ملک می کند.



یهودیان عراقی

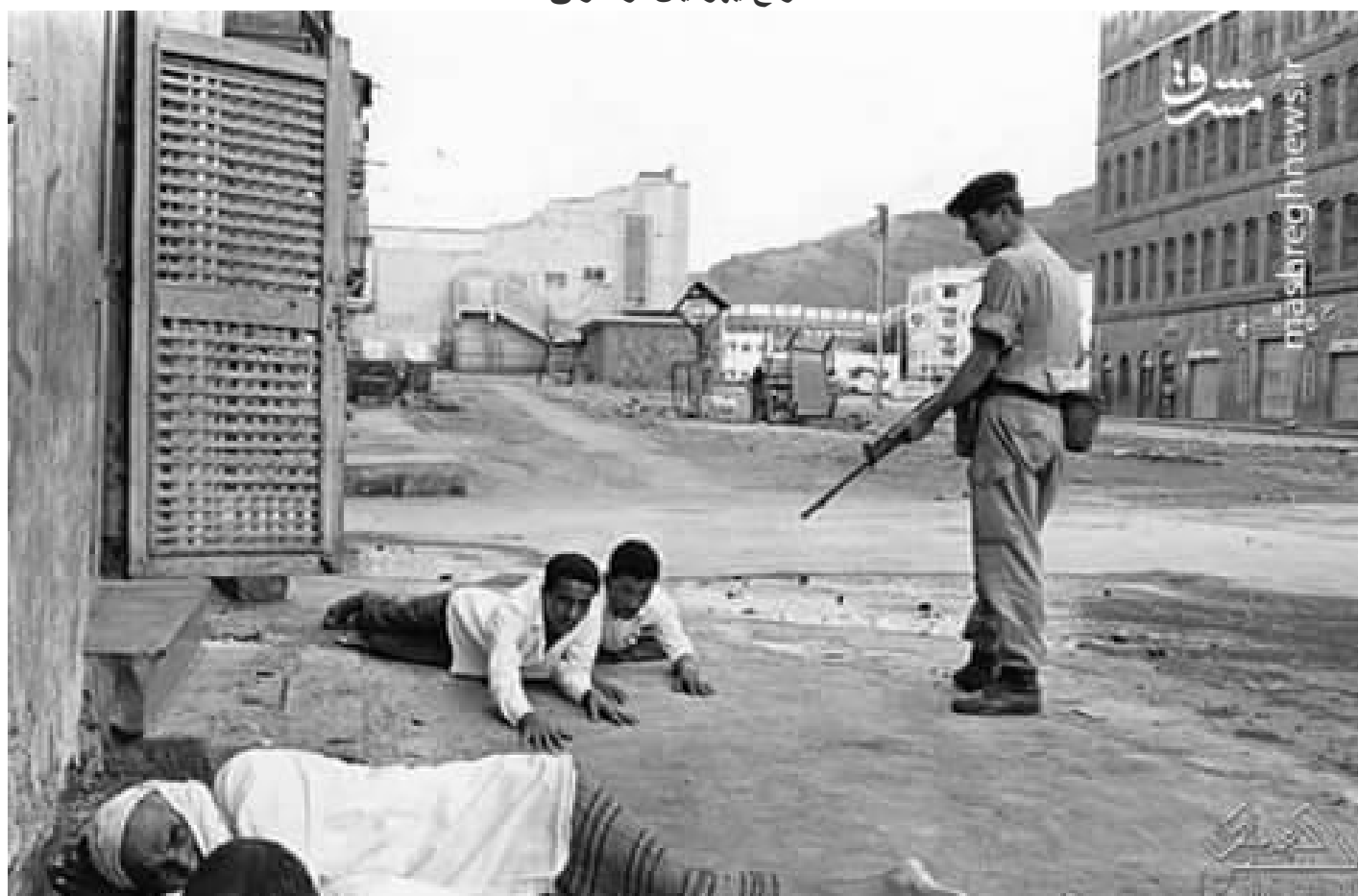
وی در این باره در گفت و گو با روزنامه هآرتس تاکید می کند که یهودیانی را می شناسد که سال ها پیش عراق را ترک کرده بودند، اما در سال های اخیر به وطن خود بازگشته اند.

اگرچه خرید ملک در شمال عراق توسط یک یهودی را نمی توان اتفاقی عادی و معمول خواند، اما این اتفاق و صحبت های وی تاکید می کند، باید در انتظار وقوع پدیده ای جدید میان یهودیان پراکنده در نقاط مختلف جهان از جمله فلسطین اشغالی باشیم، پدیده ای که هر روز دامنه آن وسیع تر از روز قبل می شود و آن ارتباط دوباره یهودیان عراق با وطن خویش علی رغم رانده شدن از آن است.

اما این پایان کار نیست، بلکه در این راستا، وبسایت خبری- تحلیلی المانیاتور در گزارشی که افزایش حضور و فعالیت یهودیان طی سال های اخیر در شمال عراق و به طور مشخص منطقه کردستان می پردازد و سخنان یکی از این یهودیان به نام آراز شکری را نقل می کند: وجود یهودیان در عراق موضوع جدیدی نیست، بلکه قدمتی چندین هزار ساله دارد و در این بین خروج ما از عراق طی بیش از نیم قرن گذشته به دلایلی صورت گرفت که اکنون احساس می شود، آن دلایل یا از بین رفته اند یا در حال محو کامل هستند.



اخراج یهودیان از عراق



اخراج یهودیان از عراق

در این بین آراز تاکید می کند که در اسرائیل شماری از خانواده های یهودی عراقی قصد بازگشت به وطن خود را دارند، چون درک می کنند که شرایط کنونی عراق با آنچه در سال های گذشته بر آن حاکم بوده، تغییر کرده است.

اما هآرتص در بخشی از گزارشی که به بازگشت یهودیان عراقی به عراق منتشر کرده بود، تاکید می کند: این پدیده به شکلی خاص در میان یهودیان ساکن اسرائیل و انگلیس قابل ملاحظه است و اولین نشانه های آن در سال ۲۰۰۳ میلادی بعد از سقوط صدام حسین و رژیم بعث در عراق آشکار گردید و در طول تمام سال های گذشته کما بیش قابل ملاحظه بود تا سال گذشته، هنگامی که گزارش های امنیتی دولت عراق از کاهش حملات تروریستی و عملیات های انتحاری در این کشور و مشخصا بغداد خبر می دادند تا این پدیده جانی دوباره بگیرد و فعالیت خود را از نو شروع کند.



تصویری از یهودیان عراق در سرزمین های اشغالی

تا قبل از تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸ میلادی در فلسطین اشغالی حدود ۱۵۰ هزار یهودی در کشور عراق زندگی می کردند. اقامت این یهودیان در عراق حاصل دیروز و امروز نبود، بلکه پیشینه آن به ۲۵ قرن قبل باز می گشت، اما اقدامات خشونت آمیزی که بین سال های ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۱ میلادی علیه آنها صورت گرفت، آنها را وادار کرد، ریشه های تاریخی خود را در این کشور نادیده بگیرند و از کشور و وطن خویش مهاجرت کرده، آواره سرزمین های دیگر شوند.

دو مقوله بسیار مهم

نکته ای که باید درباره دو گزارش هآرتص و المانیتور به آن توجه بسیار داشت و حائز اهمیت بسیار می باشد، این است که طی سال های گذشته به خصوص با آغاز انقلاب های عربی در منطقه در سال ۲۰۱۱ میلادی هر از چند گاهی اخبار و گزارش هایی منتشر می شد که از چشم داشت ها و طمع جدید رژیم صهیونیستی در عراق و نفوذ به این کشور از منذهای منطقه کردستان سخن می گفتند. از طرفی خرید خانه در مناطق شمالی عراق این شبهه را تقویت می کند که نقطه و طرح جدیدی از سوی رژیم صهیونیستی در حال اجراست.



سرمایه

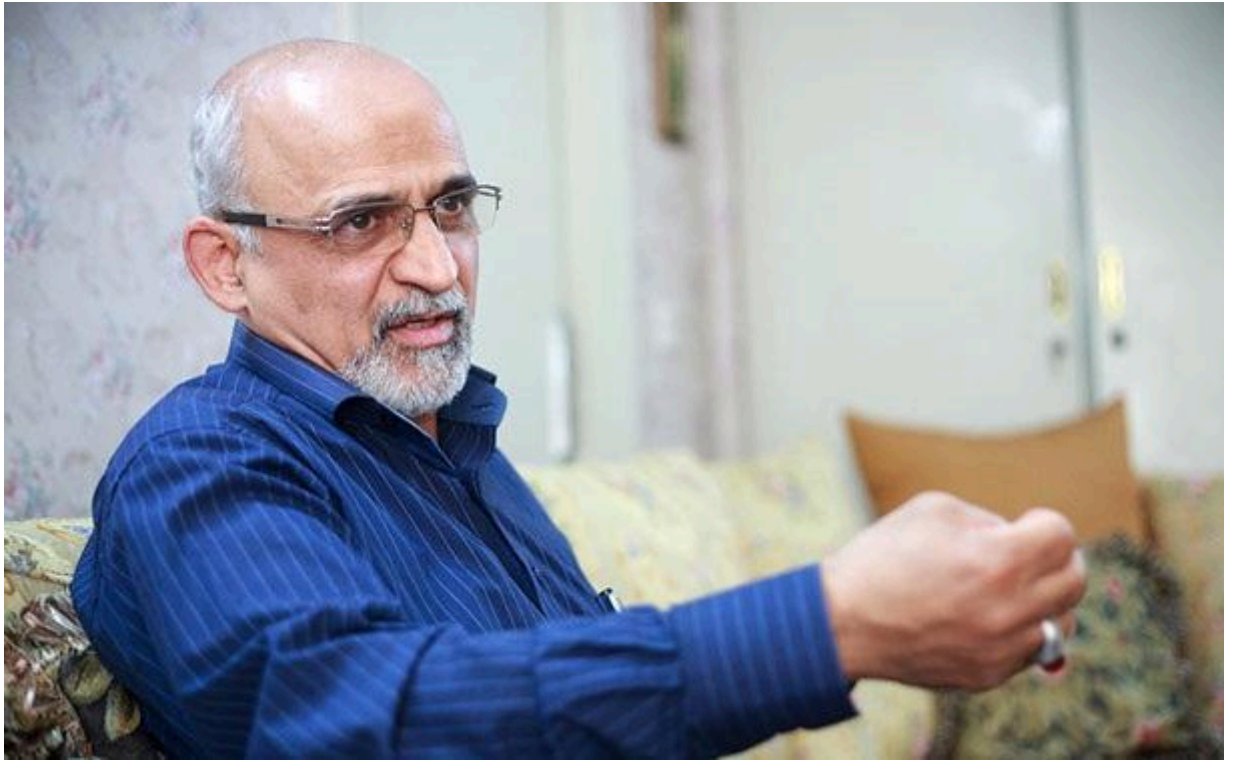
گذاری رژیم صهیونیستی بر روی اقلیم کردستان

بالطبع آنچه در این گزارش به آن اشاره شده تمایلات قلبی و خود جوش طیفی از یهودیان است که هزاران سال در عراق زندگی می کردند و تا زمان تاسیس رژیم صهیونیستی و اعلام موجودیت این رژیم بر فلسطین اشغالی در کمال صلح و آرامش زندگی مسالمت آمیزی را در کنار مسلمانان و دیگر اقلیت های دینی ساکن عراق سپری می کردند و کم نیستند، اسناد تاریخی که ثابت می کنند، بیرون راندن یهودیان عراق از این کشور همانند یهودیان دیگر کشورهای مسلمان منطقه توطئه ای صهیونیستی با هدف جذب یهودیان به سرزمین های اشغالی و افزایش جمعیت آنها در برابر اعراب فلسطینی بوده است. لذا دلتنگی قومی که در کشوری ریشه ای ۲۵۰۰ ساله دارد، امری کاملاً طبیعی است و با مشاهده آرام شدن اوضاع و از بین رفتن تهدیدات در محیط عزم بازگشت به وطن را کند.

آنچه بر عزم این یهودیان می افزاید، ظلم و ستم و تبعیض روا داشته شده بر آنها در جامعه صهیونیستی است و این امری کاملاً اثبات شده و مبرهن است، به گونه ای که از زمان تاسیس رژیم صهیونیستی تاکنون هر سال شماری از یهودیان ساکن سرزمین های اشغالی به دلیل همین تبعیض ها و ستم ها به کشورهای زادگاه خود باز می گردند و یهودیان عراق، از جمله طیف هایی هستند که سال هاست، قربانی همین تبعیض ها و ستم های صهیونیستی هستند که پرداختن به آنها خارج از حوصله این گزارش است، اما اسناد آن تماماً در دسترس و قابل رویت است.

محسن میردامادی: اتهام جاسوسی به «امیر انتظام» درست نبوده و به ایشان آشکارا ظلم شده است

۱۰:۳۳ | ۱۳۹۷-۰۱-۲۷



شفقنا- در واقع از همان سال‌های اول انقلاب بحث اتهام جاسوسی نسبت داده شده به ایشان مورد پرسش و ابهام بوده است، ولی امروز در فضای کنونی خیلی قاطع‌تر می‌توان گفت که اتهام جاسوسی درست نبوده و به ایشان آشکارا ظلم شده است.

به گزارش شفقنا به نقل از جماران، انتشار گفت‌وگوی تصویری حسین دهباشی با عباس امیرانتظام در واپسین روزهای سال گذشته، زوایای دیگری از پرونده قدیمی‌ترین زندانی سیاسی پس از انقلاب آشکار کرد؛ از جمله اشارات امیرانتظام به پابره‌نه بودنش در زندان به مدت ۷ سال، بازجویی عباس عبدی از او و نظر بازرگان درباره بودن سخنگوی دولت موقت از اتهام جاسوسی. در واکنش به این مصاحبه، محسن میردامادی، از دانشجویان پیرو خط امام می‌گوید که با مطالعه اسناد سفارت آمریکا در تهران، مدرکی که بر جاسوس بودن امیرانتظام دلالت کند، ندیده است. این فعال اصلاح‌طلب در عین حال ادعای امیرانتظام درباره عباس عبدی را نادرست خواند.

نظر شما درباره اظهارات اخیر آقای امیرانتظام در مورد پرونده جاسوسی ایشان و همچنین ادعای ایشان در مورد آقای عبدی چیست؟
موضوع آقای امیرانتظام و مشکلاتی که برای ایشان پیش آمد دغدغه ذهنی من و احتمالاً امثال

من بوده است. به همین دلیل من اسناد سفارت آمریکا در رابطه با آقای امیرانتظام را که پس از اشغال سفارت منتشر شد بار دیگر مطالعه کردم. در شرایط فعلی که آن هیجان زدگی فضای عمومی دوران انقلاب و به خصوص ماه‌های پس از اشغال سفارت دیگر وجود ندارد طبعاً منصفانه‌تر می‌توان در این‌گونه موارد قضاوت کرد. من در این اسناد هیچ مطلبی که بر جاسوس بودن آقای امیرانتظام دلالت کند ندیدم. طی بررسی‌هایی که اخیراً کردم پس از ارائه اسناد سفارت به مراجع ذیربط گروهی که مسئول بررسی آن اسناد و انجام تحقیقات از آقای امیرانتظام شده بودند نیز در همان زمان به این نتیجه رسیده بودند که اتهام جاسوسی متوجه ایشان نیست. آیا این نظر جدید شماست؟

در واقع از همان سال‌های اول انقلاب بحث اتهام جاسوسی نسبت داده شده به ایشان مورد پرسش و ابهام بوده است، ولی امروز در فضای کنونی خیلی قاطع‌تر می‌توان گفت که اتهام جاسوسی درست نبوده و به ایشان آشکارا ظلم شده است. این نوع نگاه به شیوه عملکرد افراد عمدتاً متأثر از حال و هوا و فضای به شدت انقلابی آن سال‌ها بوده است ولی جاسوسی معنای روشن و مشخصی دارد که شرایط زمانی یا حال و هوای انقلاب آن معنا و مفهوم را تغییر نمی‌دهد و نمی‌توان با تعاریفی متغیر و غیرحقوقی چنین اتهامی را به افراد وارد کرد. در مورد اظهارات ایشان درباره آقای عبدی نظر شما چیست؟ این اظهار نظر آقای امیرانتظام که آقای عبدی مأمور مراقبت از ایشان بوده است صحیح نیست. حوزه کاری آقای عبدی اصولاً این نوع امور نبود. فردی که آقای امیرانتظام با آقای عبدی اشتباه می‌گیرد یکی دیگر از دانشجویان بود که نام کوچک وی نیز عباس بود و با توجه به اینکه آنجا افراد نوعاً با اسم کوچک یکدیگر را صدا می‌کردند احتمالاً این تشابه اسم باعث این برداشت اشتباه شده است. شما آن فرد دیگر را می‌شناسید؟ بله می‌شناسم، هنوز آنقدر آلازایم نگرفته‌ام.

متن مصاحبه عباس امیرانتظام؛ از همراهی با بازرگان تا انتقال به بیمارستان با الاغ در جمهوری اسلامی

دماوند، مهندس عباس امیرانتظام در یک گفتگوی تفصیلی و تصویری که با حسین دهباشی برای وب سایت تاریخ آنلاین انجام داده است به تشریح مصائب ۴۰ ساله‌ای که بعنوان قدیمی ترین زندانی سیاسی نظام جمهوری اسلامی متحمل شده و بخش‌هایی از تاریخ مبارزات سیاسی خود از دهه سی شمسی و همراهی با دکتر محمد مصدق تا امروز پرداخته است. او که چند سالی است در مرخصی استعلاجی زندان بسر می‌برد؛ همچنان از دیدن فرزندان خود محروم است. مقامات جمهوری اسلامی امکان سفر وی به خارج از کشور را سلب نموده‌اند. امیرانتظام که در ۱۷ سال اول زندان خود توسط مقامات ممنوع الملاقات بود، در ۴۰ سال گذشته دور از فرزندان خود بوده و هیچگاه بزرگ شدن آنها را ندیده است. بخش‌های مهم از گفتگوی او را در ادامه می‌خوانید:

- از آغاز جوانی که دکتر محمد مصدق را شناختم، راه و اندیشه او برای من محور تفکر سیاسی ام شد. بنده مصدق را نماد وطن پرستی، آزادیخواهی دموکراسی عدالت جویی و استقرار

حاکمیت ملی برای همه اقوام و اندیشه‌های گوناگون در پرتو قانون می‌دانم.

- انتقام جویی نه تنها در تضاد با منافع ملی است که دوباره جامعه را از پویش و رشد و تکاپو باز می‌دارد و به دور تکامل خشونت و انتقام می‌افزاید. جامعه ایران بیش از هر چیز تشنه اخلاق بخشایش گرانه و ارتقای اخلاق در گرو بخشودن خشونت ورزان اما از یاد نبردن جنایات آنان است.

- من تحت تاثیر شخص مهندس بازرگان بودم. البته آیت الله زنجانی را دوست داشتم چون ایشان تنها روحانی علاقمند به سیاست و امور کشور بودند. من اصولاً در زندگی ام با روحانیت سر و کار نداشتم. با وجودی که در خانواده مذهبی به دنیا آمده بودم با آنها تماسی نداشتم. همه تماسم با نیروهای سیاسی بود که در آن زمان تابع مسائل زمان خودش بود. وقتی در دانشکده فنی مشغول تحصیل بودم آنجا با مهندس بازرگان آشنایی بیشتری پیدا کردم. ایشان استاد دانشکده ما بودند و ضمناً در یک دوره هم رئیس دانشکده فنی بودند. به دلیل اینکه ایشان هم در مسیر دکتر مصدق فعال بودند، علاقه من به ایشان بسیار بیشتر شد. البته عده زیاد دیگری هم بودند. من ولی جذب ایشان بودم.

- چند هفته که از کودتای تاسف بار ۲۸ مرداد گذشت نهضت مقاومت ملی تشکیل شد. در این مرحله تشکیل نهضت در تماس تلفنی و یا ملاقاتهای حضوری به اطلاع عموم رسید. عموم یعنی طرفداران و همفکران دکتر مصدق. من از همان زمان در جلسات نهضت حضوری فعال داشتم و فعالیت های زیادی در سطح بازار و دانشگاه و شهرستانها انجام می‌دادم. مثلاً در سفرهایم که معمولاً به شهرهای تبریز و رضائیه بود نشریاتی را که در تهران منتشر می‌شد با خود می‌بردم و به توزیع آن علی‌رغم خطرهای موجود در بین افراد علاقمند می‌نمودم. افرادی هم که در این شهرستانها با من در ارتباط بودند، گاهی نشریات را تحویل گرفته و خود بین علاقمندان توزیع می‌کردند.

- با چهار نفر دیگر از دوستان که آنها هم عضو هیات اجرایی بودند، یک شرکت ساختمانی بنام آلبر را تاسیس کردیم. دوستان من هر چهار نفر از نظر زندگی تامین بودند و همگی ده پانزده سالی از من بزرگتر بودند. زندگی من به این شرکت بستگی داشت. هدف این بود که از درآمد این شرکت هزینه زندگی من تامین شود و مازاد آنرا هم با میل شخصی صرف هزینه های سیاسی نمایم.

- همانطور که قبلاً توضیح دادم سازمان امنیت شرکت ما را متوقف و صورت وضعیتهای ما را توقیف کرد. این اقدام تا حدی قابل پیش بینی بود و در نتیجه آن فعالیت شرکت ما متوقف شد و ما فقط سه یا چهار روز مهلت داشتیم که فکری برای پرداخت سفته‌هایمان بکنیم و چون بنده به عنوان مدیرعامل و رئیس شرکت تعیین شده بودم اگر نمی‌توانستیم برای این وضعیت راه حلی پیدا کنیم، شخص بنده توقیف می‌شدم و توقیف من تحت عنوان یک جرم مالی بود. این برای من خیلی مسئله برانگیز بود. با مرحوم مهندس بازرگان مشاوره کردیم. لذا بر آن شدیم تا شرکتیمان را با حدود یک میلیون تومان دارایی به شرکت لوزان واگذار کنیم. تا آنها سیصد هزار تومان سفته ما را پرداخت نمایند.

- در پی این اتفاق ماندن من در ایران با مشکلات فراوانی مواجه شد. این زمانی واضح شد که

بنده با همراهی دوستان آقایان منصور عطایی و رحیم عطایی برای دیدن مرحوم مصدق به احمدآباد رفته بودیم و در آنجا دستگیر شدیم. آنجا مشخص شد که من تحت پیگرد سازمان امنیت وقت قرار دارم.

- اقدام دیگر بنده در روز ۱۶ آذر و ورود نیکسون به ایران بود که نامه تنیدی از سوی نهضت مقاومت ملی ایران نوشته شده ولی هیچ کس حاضر نبود تا این نامه را به سفارت آمریکا برده و به دست مقامات برساند. من داوطلب شدم تا با نام مستعار حزبی ام این نامه را به سفارت آمریکا برده و تحویل مقامات دادم. از آنجایی که نه تغییری در مواضع سیاسی من روی داده بود و نه ارتباط من با مهندس بازرگان قطع شده بود و همچون مرید و مراد ادامه داشت؛ در ۱۷ شهریور ۵۷ کماکان در کنار مهندس با تحلیل وقایع وقت را سپری می‌کردم. در تمام فعالیتها و مصاحبه ها در کنار ایشان قرار می‌گرفتم. بطور مثال در سوءقصدی که در بازگشت از پاریس نسبت به ایشان شد من در خودروی عقبی بودم و به کمک ایشان شتافتم. در آن دوره من داشتم از آمریکا به ایران می‌آمدم و در نوفل شاتو همزمان با مهندس بازرگان به دیدن آقای خمینی رفته بودیم. سپس همراه با مهندس بازرگان از پاریس به ایران در یک هواپیما بودیم.

- آن زمان دولت آمریکا اصرار داشت تا روابط خوبی با نهضت مقاومت ملی ایران برقرار کند. من چون مسافر بودم و به آمریکا رفتم و آمد داشتم، مهندس بازرگان و دیگر اعضای شورای مرکزی تصمیم گرفتند تا من واسطه برقراری ارتباط با دولت آمریکا بشوم. به همین دلیل در سفر به آمریکا و در بازگشت به من گفتند که چه مواردی را به آن مقامات مطرح کنم. من این روابط را ادامه دادم تا بعد که مشغول کارم شدم و هیچ ملاقاتی نداشتم و آنها هم مراجعه‌ای بمن نداشتند.

- در آن زمان هیئتی به نمایندگی کمیسیون حقوق بشر آمریکا به ایران آمده بود. مهندس بازرگان طبق روال همیشه و از روی لطف و اعتمادی که بمن داشتند از من خواستند تا به نمایندگی از طرف ایشان در جلسه ای که با هیئت حقوق بشر آمریکا با حضور ریچارد کاتم، جان استمبل و ریچارد فالک و یک کشیش آمریکایی که نامش را فراموش کرده بودم از یک سو و یک هیئت ایرانی که شامل آقایان حسن نصیح، دکتر لاهیجی، مهندس بناقتی، دکتر اصغر صدر حاج سید جوادی و احمد صدر حاج سید جوادی در دفتر حقوق بشر که در طبقه دو مساختمانی مقابل حسینیه ارشاد برگزار می‌شد شرکت کنم. هدف از تشکیل این جلسه مطرح کردن اعمال ناقض حقوق بشر در دوره شاه بود. در آخر جلسه ریچارد کاتم پیشنهاد کرد برای ادامه ارتباط با هیئت حقوق بشر آمریکا از طریق جان استمبل اقدام کنم. مذاکرات جلسه را به اطلاع مهندس بازرگان رساندم و پیشنهاد کاتم برای ادامه ارتباط را مطرح کردم. ایشان توصیه نمود که تماسم را با آنها ادامه دهم.

در اوایل آذرماه ۱۳۵۷ مهندس بازرگان ابراز تمایل نمودند تا با سالیوان ملاقاتی داشته باشند. محل ملاقات را در دفتر کار بنده مناسب تشخیص دادند. من این پیشنهاد را با آقای استمبل در میان گذاشتم و آقای سالیوان سفیر کبیر آمریکا به اتفاق آقای استمبل برای دیدن مهندس بازرگان به دفتر من آمدند. تلاش آقای بازرگان و من برای این دیدارها این بود تا از آمریکا بخواهیم تا شاه را به نرمش و جلوگیری از مجادلات سیاسی وادار کند تا از کشتار احتمالی جلوگیری بعمل

آید.

- در اواخر آذرماه نیز مهندس بازرگان از من خواستند تا ملاقاتی را برای آیت الله موسوی اردبیلی با سالیوان فراهم کنم. این ملاقات در محله قیطریه در منزل دکتر فریدون سبحانی انجام شد و موضوع مورد بحث وادار کردن شاه به جلوگیری از خونریزی و تخریب بود. البته درباره مفاد قانون اساسی آینده ایران هم مذاکراتی بعمل آمد.

- پس از اعلام نخست وزیری دکتر شاپور بختیار من به آقای مهندس بازرگان پیشنهاد کردم که ما باید بختیار را وادار به استعفا کنیم و اجازه ندهیم یک شخصیت سیاسی با سابقه درخشان ملی به نخست وزیری شاه برسد. مرحوم بازرگان از من پرسید چه کسی را برای این کار بفرستیم. من با وجود اینکه تا آن روز شخص آقای بختیار را حضوری ندیده بودم گفتم خود من این امر را انجام می‌دهم. مهندس بازرگان استقبال کرد. من توسط دوست دیرینه ام دکتر احمد مدنی به آقای بختیار معرفی شدم و وظیفه خود را در این ملاقاتها به اطلاع مرحوم بختیار رساندم. ایشان سعی می کرد مرا قانع کند که به منظور خدمت و انجام یک تعهد ملی و میهنی این مسئولیت را پذیرفته اند.

- استدلال من این بود که با شرایط حساس زمان ایشان قادر نخواهد بود اهدافشان را آنگونه که مایل است اجرا کنند. بهتر است که هر چه زودتر از مقامشان استعفا دهند. من چند روز و هر روز پس از ملاقات با بختیار به دیدار مهندس بازرگان در مدرسه رفاه می رفتم و گزارش کارم را می دادم و رهنمودهای ایشان را نیز در ملاقاتهای بعدی به کار می بستم. در طول بهمن ماه چند ملاقات طولانی با مرحوم بختیار داشتم.

- بحث ما درباره استعفای او به درازا کشیده بود و مرحوم بختیار در هفته اول تقریباً قانع شده بود که استعفا بدهد و از مشارکت در مرگ و ویرانی کشور خودداری نماید. ایشان متن استعفانامه را نوشتند و به بنده تحویل دادند. متن استعفانامه را برای مهندس بازرگان به شورای انقلاب بردم. این شورا در اتاقی واقع در مدرسه رفاه تشکیل شده بود. از اعضای شورا فقط آیت الله طالقانی را می شناختم و از سایر اعضای روحانی حاضر در اتاق شناختی نداشتم.

- آیت الله طالقانی پس از دریافت متن استعفا به آقایان علی اکبر هاشمی رفسنجانی، باهنر و ربانی شیرازی تکلیف کردند که به اتاق دیگری بروند و به اتفاق دریادار مدنی متن اسعفا را مورد بررسی قرار دهند. آنها در آن اتاق تغییرات اندکی را در متن دادند و سپس قرار شد برای بختیار بفرستند تا متن را با خط خود بنویسد.

- آقای بختیار در ضمن نوشتن متن درخواست نمودند تا با مسافرت ایشان به پاریس موافقت شود تا وی پس از دیدار با آیت الله خمینی متن اسعفا را شخصا به آقای خمینی تسلیم نمایند. من تقاضای مرحوم بختیار را به اطلاع مهندس بازرگان رساندم. ایشان ابتدا از طریق مرحوم دکتر یزدی متن استعفا را به اطلاع آقای خمینی رساندند و چون جوابی مساعد از ایشان دریافت کرده بودند، من جواب را به اطلاع بختیار رساندم. ایشان خود را آماده پرواز به پاریس نمودند. این تصمیم را هم از طریق یک مصاحبه تلویزیونی به اطلاع مردم رساندند.

- همزمان با اقدامات من و مهندس بازرگان، برخی از روحانیون مثل صادق خلخالی با تماسهای خود نظر آقای خمینی را عوض کرده بودند به طوری که چند ساعت پس از اعلام قریب الوقوع

آقای بختیار آقای خمینی در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که تا بختیار استعفا ندهد او را نخواهد پذیرفت. مرحوم بختیار از انجام این مصاحبه که بر خلاف توافق قبلی بود بسیار عصبانی و ناراحت شدند. ایشان احساس می کردند به حیثیت و اعتبار سیاسی او لطمه خورده است.

- من روز ۲۲ بهمن ۵۷ از روی حکم رسمی مرحوم مهندس بازرگان به سمت معاون اولی ایشان برگزیده و لذا در کنار ایشان مشغول خدمت شدم. در آن روزها من اکثر شبها را در ساختمان نخست وزیری می خوابیدم صبح یکی از آن روزها منشی من به من اطلاع داد که شخصی به نام آیت الله شبیر خاقانی از خرمشهر می خواهد با من صحبت کند و ابتدا شخص دیگری که بعدا فهمیدم پسر ایشان بود با تلفن گفت که پدرشان مدعی اند که در زمان زمامداری دولت موقت که در واقع در آن زمان بیش از دو هفته از تشکیل دولت موقت نگذشته بود چرا مشکلات همچنان باقی است؟ چرا وضع اتوبوسرانی، مشکل مسکن، مسئله فرهنگ همچنان تغییر پیدا نکرده و مشکلات همچنان پیش روی ملت ایران است؟ اگر مشکلات تا چند روز دیگر حل نشود ما خوزستان را از خاک ایران جدا می کنیم. من با شنیدن این ادعا از کوره در رفته و در پاسخ گفتم هر کسی بخواهد نامی از جدایی قسمتی از ایران بر زبان براند و چنین سودایی در سر بیوراند ملت ایران آنها را به خلیج فارس خواهند ریخت. او گوشی تلفن را گذاشت و مکالمه قطع شد. بلافاصله بعد از قطع تلفن به دفتر مهندس بازرگان رفتم و مایه را برایشان تعریف کردم پرسیدم این شخص که بود ایشان پاسخ داد که شبیر خاقانی یکی از روحانیون شیعه در خرمشهر است و اضافه نمود بنده پاسخ درست و به جا و لازمی را به او داده بودم.

- پس از این جریان در تاریخ ۲/۰۱/۵۸ به همراه آقای نخست وزیر، مرحوم دریادار مدنی و حسین بنی اسدی برای رسیدگی به وضع خوزستان و رفع کدورت آیت الله شبیری خاقانی به آنجا رفتیم. هواپیما در فرودگاه آبادان به زمین نشست. آقای بازرگان به همراه دکتر مدنی و دکتر بنی اسدی به خرمشهر رفتند. من هم با اتومبیلی به تنهایی وارد خرمشهر شدم. پس از ورود به خرمشهر متوجه شدم که تعداد زیادی از اهالی در نزدیکی منزل آقای خاقانی اجتماع کرده بودند. من موقع پیاده شدن از اتومبیل متوجه شدم که این مردم نسبت به من حالتی عصبی دارند و با چهره هایی تلخ و کینه جویانه به من نگاه می کنند. بر روی دیوار عکسهایی از من را نصب کرده بودند. و در زیر عکسها نوشته بودند که امیران نظام دشمن خلق عرب و عامل آمریکاست. پس از دیدن عکسها دستم را برای مردم تکان دادم و به سمت منزل آقای خاقانی حرکت کردم. کوچه خالی بود فقط یک زنی با لباس عربی - و با توصیفات که ایشون نمودند- وسط کوچه ایستاده بود و منتظر من بود. این زن حدود ۳۵ سال داشت. وقتی به او رسیدم مشت محکمی بر سینه ام زد و گفت: امیران نظام ما تو را خواهیم کشت. پاسخ ایشان را با لبخندی داده و به مسیرم ادامه دادم تا به منزل خاقانی رسیدم.

- مهندس بازرگان در اینجا منتظر من بودند و مرا به ایشان معرفی کردند پس از پاره ای مذاکرات با شبیری خاقانی به مسجد جنب منزلش رفت و به زبان عربی برای مردم صحبت کرد. افراد عرب زبان خرمشهر که صحن مسجد را پر کرده بودند و توسط یک طناب از محل اجتماع ما و منبر جدا شده بودند با غیض و غضب به من نگاه می کردند.

- پس از خطبه عربی آقای خاقانی نخست وزیر بالای منبر رفت تا برای مردم سخنرانی کند که افراد داخل صحن مسجد با هلهله کردن خود از صحبت ایشان ممانعت بعمل آوردند. سروان حجازی رئیس شهربانی وقت خرمشهر که حضور داشت به من گفت که این افراد می خواهند به شما سوء قصد کنند. سریعا مسجد را ترک کنید. من به سمت آقای بازرگان رفتم و جریان را به اطلاع ایشان رساندم. آقای بازرگان از منبر پایین آمدند و مسجد را سریعا ترک نمودند. من صبر نمودم تا مرحوم دریادار مدنی و دکتر بنی اسدی هم از مسجد خارج شوند و من آخرین نفری بودم که مسجد را ترک کردم. هنگام خروج از مسجد از روی بام به طرف من تیراندازی شد. پریدم روی پله هایی که در تیررس نبود و به سرعت خارج شدم. بعدا به من گفته شد که دو سه نفر تیر خورده بودند. این اولین سوء قصد رسمی نسبت به من بود.

من تجربه ام این بود که از زمانی که انتخابات مجلس شورای ملی انجام شد و جلسه ای برای طرح ایجاد قانون اساسی تشکیل شده بود یه جلسه دیگه ای هم همراهش تشکیل شده بود که با این جلسه شورای خبرگان مخالفت می کرد. همه به من اصرار داشتند که اینها چنین وضعی الان در مملکت هست و تو چرا مخالفت می کنی. گفتم خوب در شرایط فعلی مملکت که چنین بحرانی را می گذراند ما نمی توانیم اجازه بدهیم که یک عده مخالف بدین صورت با نهضت ملی ایران مخالفتی بکنند. که البته مورد قبول واقع شد و بعد من به آقای بازرگان و آقایون دیگه هم گفتم که اقدامی بکنیم که از اقدامات اینها بتونیم جلوگیری بکنیم و نتیجه اینکه اونها با من موافق شدند که مجلس خبرگان منحل بشود.

- قرار بود پیش نویس قانون اساسی توسط دولت موقت در مجلس موسسان مورد بررسی قرار بگیرد و این در حالی بود که مجلس خبرگان با نمایندگانی که اکثرا روحانی بودند با تعداد ۷۵ نفر تشکیل جلسه بدهند. مدت زمان رسیدگی یک ماه تعیین شده بود در حالی که مجلس بیش از سه ماه ادامه داشت بنابراین از دیدگاه بنده طرح انحلال مجلس خبرگان پاسخی بود یه خواست مردم که منتظر یک قانون اساسی جدید و دموکراتیک در برابر قانون اساسی رژیم سلطنتی بودند و به این ترتیب بر مبنای پیش بینی من از تدوین یک قانون اساسی که قدرت را در انحصار روحانیون قرار داده بود جلوگیری به عمل می آمد. در یک گردهمایی که از افرادی تشکیل شده بودند که جملگی دغدغه وطن داشتند و از آینده سیاسی ایران بیمناک بودند پیشنهادم را مطرح کردم پس از تایید پیشنهاد من از افراد حاضر در جلسه که عده ای حقوقدان در بین آنها بود تقاضا کردم که متن حقوقی طرح را تهیه نمایند.

- متن حقوقی طرح توسط آقایان مرحوم احمد صدر حاج سید جوادی، و فتح الله بنی صدر تهیه و انشاء و اصلاح نهایی آن به عهده فتح الله بنی صدر گذاشته شد. صبح روز بعد به منزل فتح الله بنی صدر رفتم و طرح تهیه شده را گرفتم. ولی طرح مذکور بدون تایید مهندس بازرگان نخست وزیر تهیه شده بود. من مخصوصا ایشان را در جریان جلسه طرح قرار نداده بودم تا نتیجه نهایی کار را به اطلاع ایشان برسانم لذا طرح را به نخست وزیر بردم و از مرحوم بازرگان خواهش کردم دستور دهد در اتاق ایشان قفل شود تا من بتوانم جریان مذاکرات دیشب را به اطلاع ایشان برسانم. ایشان دستور دادند در اتاق بسته شد و من نخست وزیر را در جریان مذاکرات و تصمیمات و نتایج جلسه شب قبل قرار دادم.

- مرحوم بازرگان پس از مطالعه طرح سرش را روی دستانش بر روی میز قرار داد و مدتی به فکر فرو رفت. پس از نزدیک ۲۰ دقیقه سرشان را بلند کردند و گفتند من نیز با این طرح موافقم. بعد اضافه کرد برو خودت متن را روی کاغذی بلند ماشین کن و آن را به امضای وزرای کابینه برسان.

- متن ماشین شده را به وزارتخانه های مختلف بردم و ۱۴ نفر از وزرای کابینه آن را امضا کردند. وقتی به نخست وزیری بازگشتم نتیجه را به اطلاع رساندم. ایشان پرسید برای بقیه امضاها چه کنیم؟ گفتم معمولاً آقایان وزرا قبل از تشکیل جلسات دولت برای سلام به اتاق شما سر می زنند. از آنها بخواهید در صورت موافقت آن را امضا کنند. همین شد که ۴ نفر دیگر نیز طرح را امضا کردند. به این ترتیب ۱۸ وزیر این طرح را تایید نمودند.

- آقایانی که مخالف طرح بودند و آن را امضا نکردند: مرحوم دکتر ابراهیم یزدی، مهندس هاشم صباغیان، مهندس علی اکبر معین فر و مرحوم دکتر ناصر میناچی.

- در آن زمان دلیل بروز اختلاف میان دولت و شورای انقلاب ۵ نفر از اعضای دولت در شورای انقلاب و ۵ نفر از اعضای شورای انقلاب بدون داشتن حق رای در هیئت دولت شرکت می کردند. من می دانستم در صورتی که طرح تصویب شده در هیئت وزیران برای اطلاع مردم ایران اعلام نشود و موکول به تصمیم آیت الله خمینی گردد آن طرح اجرایی نخواهد شد. به همین دلیل قبل از اینکه نخست وزیر از اتاق به محل تشکیل کابینه برود، به ایشان پیشنهاد کردم خبرنگاران رادیو تلویزیون و روزنامه ها را دعوت کنیم تا در محل حضور پیدا کرده و شخص آقای مهندس بازرگان بلافاصله بعد از خروج طرح تصویب شده توسط هیئت دولت را به اطلاع خبرنگاران برساند.

- نخست وزیر پیشنهاد را پذیرفت و من از دفتر ایشان خواستم از خبرنگاران دعوت کنند و خودم هم در اتاق رئیس دفتر ایشان منتظر ماندم. جلسه هیئت دولت ۵ ساعت طول کشید و ساعت ۱۰ شب به پایان رسید. من بالای پله ها انتظار ایشان را می کشیدم. ایشان بسیار عصبی و هیجان زده بودند. وقتی به من رسیدند من را به کناری کشیده و ابتدا سوگند دادند تا مساله را فراموش کنم و دوم اینکه بلافاصله به سوئد بازگردم. از ایشان جریان را پرسیدم گفتند بعداً برای تو خواهیم گفت. من روز بعد به سوئد بازگشتم و مایه ها را در هواپیما نوشتم تا روزی در کتابی آن را مورد بررسی قرار دهم. وقتی به سوئد بازگشتم یادداشت هایم را در پاکتی قرار داده در کشوی میزم در محل سفارت گذاشتم.

- در اواخر آذر ۱۳۵۸ تلکسی به امضای مرحوم صادق قطب زاده وزیر امور خارجه به سفارت ایران در استکهلم رسید. در آن تلکس از من دعوت شده بود که برای مشورت در امور سیاسی به تهران بروم. من بلافاصله بعد از دریافت این تلکس کارهای سفارتخانه های سوئد، نروژ و دانمارک را سر و سامان دادم و مرحوم محمد میرخوانی وابسته اقتصادی سفارت را به عنوان قیم و وصی فرزندانم تعیین کردم و آماده بازگشت به تهران شدم. چون قبل از حرکت وزارت خارجه هر سه کشور را از عزیمت خود آگاه کرده بودم در شب ۲۷ آذر ۵۸ قبل از عزیمت به فرودگاه آقای بلیکس وزیر امور خارجه سوئد به منزلم تلفن کرد و گفت مطلع شده است که رژیم ایران در مورد من توطئه ای را ترتیب داده و پیشنهاد کرد از بازگشت به ایران

خودداری کنم. من تشکر کردم و تذکر دادم که این موضوع داخلی است و من باید برگردم ایشان توصیه‌اش را دو مرتبه تکرار کرد و من دوباره عذر خواستم. از فرودگاه ابتدا به مونیخ و بعد به تهران پرواز کردم. صبح روز ۲۷ آذر ۵۸ وارد فرودگاه مهرآباد شدم. دوستانم آقایان مرحوم دکتر مصطفی بنی جلالی و مرحوم پرویز کاشانی در فرودگاه منتظر من بودند. اول به نخست وزیری رفتم و در اتاقی که قبلا در آنجا اسکان داشتم رفتم. صبح روز بعد سفرای سوئد نروژ و دانمارک به دیدنم آمدند.

- ۱۰ صبح به دفتر مرحوم قطب زاده تلفن کردم ولی تلفن به دفتر صادق خزاری معاون ویزی امور خارجه وصل شد. از او در مورد قطب زاده پرسیدم گفت ایشان جلسه دارند و به من پیغام دادند برای فردا چهارشنبه ساعت ۹ شب شما را به امور خارجه دعوت کنم. گفتم چرا ۹ شب در وزارت خارجه؟ گفت برای اینکه ایشان بسیار گرفتارند.

- نسبت به اینکه قطب زاده واقعا در جریان دعوت من باشد کمی تردید دارم. بعد به مهندس بازرگان که هنوز عضو شورای انقلاب بود تلفن کردم. پرسید: از کجا تلفن می کنی؟ گفتم: از تهران. گفت: برای چی به تهران آمدی؟ گفتم: برای مشورت در امور سیاسی طبق دعوت آقای قطب زاده. آقای بازرگان گفت: صبح فردا برای ملاقات من به نخست وزیری خواهد آمد. بعدها در زندان از قطب زاده در خصوص دعوت‌نامه به ایران پرسیدم و قطب زاده اظهار بی اطلاعی کرد.

دوباره اتهام ارتباط وی با مقامات امریکایی: چرا با کاتم؛ رمزی کلارک و استمپل در آستانه انقلاب ۵۷ ملاقات کردید؟

- تاریخ دقیق سفر کاتم به ایران را به یاد ندارم ولی فکر کنم اواخر آذرماه یا اوایل دیماه ۵۷ بود که ریچارد کاتم بعد از رفتن به پاریس و ملاقات با آقای خمینی به تهران آمد و من از طریق سازمان دفاع از حقوق بشر مطلع شدم که ریچارد کاتم به ایران آمده و با اعضای این سازمان جلسه خواهد داشت. از من هم برای این جلسه دعوت شد. افراد حاضر در این جلسه عبارت بودند از مرحوم دکتر میناچی، دکتر علی اکبر صدر حاج سید جوادی، مهندس بناقتی، ریچارد کاتم و استم پل و من.

- موضوع مورد مذاکره عدم حمایت دولت امریکا از شاه و دولت وقت ایران بود. بعد از جلسه کاتم، استمپل را به من معرفی کرد و در همه این مذاکرات تلاشها برای عدم دخالت امریکا در امور داخلی ایران و عدم حمایت از شاه و دولت‌های وقت بود. در همین زمان رمزی کلارک یکی دیگر از چهره های مطرح آمریکایی به ایران آمد. او در یکی از جلسات ملاقات با آیت الله طالقانی و من هم حضور داشت. ملاقات ایشان با مرحوم طالقانی هم با اهدافی بود که من گفتم.

در ارتباط با اتهام جاسوسی وارد شده از سوی دانشجویان خط امام مثل آقای عبدی یا خانم ابتکار به امیر انتظام- چرا بعد از رفتن شما به اسکاندیناوی مذاکرات همچنان با امریکایی ها ادامه داشت؟ این خلاف عرف نبود؟

- خیر. آقای بازرگان و شورای انقلاب ایران خواسته بودند من با آمریکایی ها در تماس باشم برای ادعاهایی که آنها بر علیه ایران داشتند تا وضعیت روشن شود. دو ملاقات در استکهلم انجام شد و ملاقات سوم در دفتر آقای بازرگان انجام شد. در ملاقات های ما قرار بر این شد ده تا ۱۵

روز بعد به ایران برویم. هم من، هم طرف‌های آمریکایی.

- سیاست دولت این بود که مسائل و مشکلات از طریق مذاکره حل شود وقتی در سوئد بودم هم، نمایندگان دولت امریکا در ایران نیز برای مذاکره به محل اقامت من آمدند. البته من از نخست وزیر اجازه گرفتم و این موضوع مانعی نداشت. بنابراین آنها به سوئد آمدند. هیچ تصمیمی از سوی من و دولت بدون کسب اجازه از امام امکان پذیر نبود. پرسش این بود که چه کنند که دولت ایران قبول داشته باشد آنها قصد حل کردن مسائل فی ما بین را دارند؟ جواب همه این بود اولاً باید صادقانه در امور داخلی ایران دخالت نکنید و استقلال و حق حاکمیت ملی و انقلاب ما را به رسمیت بشناسید و به آن احترام بگذارید و از توطئه و دخالت دست بردارید. ثانیاً پولهای توقیف شده ما را که در مورد قراردادهای توقیف کرده‌اید، آزاد کنید و لوازم یدکی مورد احتیاج نیروی هوایی را در اختیار بگذارید.

کفش ساخته شده از پتو: در سالهایی که ملاقات نداشتم، برای ۶ تا ۷ سال من پابرهنه بودم اجازه پوشیدن حتی دمپایی هم نداشتم برای همین از پتو این را درست کردم البته بعدها متوجه شدند همین را هم اجازه ندادند.

لنگ: برای خشک کردن در حمام. جای خواب طوری بود که روی دنده بصورت کتابی میخوابیدیم چون جا نبود. در اتاق میخ کوبیده بودیم و نخ را تابیده بودیم و لنگ رو می انداختیم دور گردن، آویزان می کردیم به نوبت که جا برای بقیه باز شود.

من و تقی رحمانی و حسین جهانبانی خیلی سختی کشیدیم. یک بیمارستانی در سعادت آباد هست به نام مدرس، یکبار تقی رحمانی و رضا علیجانی و من را بستند به سه تا الاغ برای توهین و به درمانگاه بردند چند بار این کار را انجام دادند. و من در مسیر زندان تا بیمارستان تمام راه را پابرهنه بودم.

درمورد بازجوها و زندانبان ها و کسانی که با شما بدرفتاری کردند از شما عذرخواهی کردند آنها را به یاد دارید؟

نفر اول آقای محمد جواد مظفر دانشجوی پیرو خط امام و از تسخیر کنندگان سفارت امریکا بود. ابراهیم اصغرزاده و افراد دیگری هم آمده‌اند که الان نامشان در خاطرم نیست.

عباس امیرانتظام؛ از گفتگوی دهباشی تا بازجویی عباس عبدی

عباس امیرانتظام قدیمی ترین زندانی سیاسی در جمهوری اسلامی و از رهبران جریان ملی در ایران، امروز پس از مدت‌ها دوباره بر سر زبان‌ها افتاد.

حسین دهباشی تهیه‌کننده برنامه «خشت خام» در توییتری از قطع این برنامه، آن هم درست در روزی که قرار بود مصاحبه با مهندس امیر انتظام پخش شود، خبر داد.

او هیچ توضیحی در مورد دلایل این امر نداد ولی ما در گفتگو با همسر این مبارز ملی، دلایل آن را جویا شدیم.

الهه امیر انتظام، که در این گفتگو به نیابت از همسر خود حضور یافت، می‌گوید که یکی از مهم‌ترین نکات مطرح شده در این گفتگو درباره دلایل اصلی طرح اتهام جاسوسی علیه مهندس امیر انتظام و صدور حکم حبس ابد برای او بوده است.

از الهه امیر انتظام، که خود تحصیلکرده علم روابط و اقتصاد بین الملل از کالج بین المللی لندن است، همچنین درباره نظر همسرش درباره بانیان حمله به سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۵۸، یا همان دانشجویان پیرو خط امام، پرسیدیم که امروز با نام اصلاح‌طلبان معروف هستند. او معتقد است تعصبی که این گروه بر سر حرکت خود در ابتدای انقلاب دارند، با تعصب گروه داعش قابل مقایسه است.

متن مصاحبه را در زیر می‌خوانید:

*** فکر می‌کنید کدام بخش از صحبت‌های آقای امیر انتظام در برنامه خشت خام به تعطیلی این برنامه منجر شد؟**

- تمام صحبت‌ها به دور از هر گونه ایجاد تشویش در اذهان عمومی بود، ولی من به لحاظ مسائل اخلاقی نمی‌توانم محتوای گفتگوی آقای دهباشی با آقای امیر انتظام را فاش کنم.

ولی بزرگترین کار مهندس امیر انتظام که بعداً منجر به اتهام‌زنی علیه ایشان با محتوای جاسوسی شد، پیشنهاد انحلال مجلس خبرگان قانون اساسی بود. در واقع آقای امیر انتظام در تمام این سال‌ها هزینه این حرکت را دادند.

حتماً می‌دانید قانون اساسی که در مجلس خبرگان به تصویب رسید، با قانون اساسی تهیه‌شده از سوی دولت موقت کاملاً متفاوت بود. امیر انتظام اولین کسی بود که به تغییر این قانون اعتراض کرد. قانون اساسی تهیه‌شده در دولت موقت، بدون اطلاع دست‌اندرکاران آن، از جمله مرحوم صدر حاج سید جوادی و مرحوم بازرگان به کناری گذاشته شد و در قانون جدید اصل ولایت فقیه را گنجانند.

آقای امیر انتظام همان زمان به این فکر افتاد که این روند به سلطه‌گری مذهبی منجر خواهد شد. برای همین به مهندس بازرگان انحلال مجلس خبرگان قانون اساسی را پیشنهاد داد.

مهندس بازرگان نیز با این پیشنهاد موافقت کرد و فقط طرح آن را به تصویب در هیئت دولت مشروط دانست. در هیئت دولت موقت ۱۷ نفر از وزیران این لایحه را تصویب کردند به جز مرحوم صباغیان، میناچی، ابراهیم یزدی و معین فر.

بازرگان خبر داد وضع خطرناک است برو

به ناگاه خبر این حرکت به قم و بیت آقای خمینی رسیده و ایشان به شدت خشمگین می‌شود. آقای مهندس بازرگان به آقای امیر انتظام اطلاع می‌دهد که آقای خمینی از نقش شما در این پیشنهاد اطلاع یافته و وضعیت برای شما بسیار خطرناک است؛ برای همین با اولین پرواز به محل مأموریت - در آن زمان امیر انتظام در کشورهای اسکاندیناوی سفیر بود - سفر کنید.

آقای امیر انتظام خیلی زود به استکهلم سوئد سفر میکند. در نهایت هم ماجرای ۱۳ آبان ۵۸ پیش می‌آید و با تماسی از ایشان می‌خواهند که به تهران برگردد (و ایشان هم فوراً برگشت).

در ادامه هم که ماجرای دادگاه به اتهام جاسوسی برای آمریکا اتفاق افتاد و محکومیتی که تا همین الان در جریان است (حدود 40 سال).

تاسف‌برانگیز است که یکی از مدارکی که علیه ایشان در پرونده بود، این بود که مهندس امیر انتظام در نامه‌ای خطاب به یکی از دیپلمات‌های آمریکایی از عبارت Dear Sir استفاده کرده است! این موضوع برای آقایان در حکم روابط نزدیک امیر انتظام با آمریکایی‌ها به نظر آمد. خاطر من هست که چندین سال پیش هم هاشمی رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه با عبارت «آقای امیرانتظام» از ایشان به عنوان فردی یاد کرد که لایحه انحلال مجلس خبرگان قانون اساسی را برای نخستین بار مطرح کرده است.

آقای امیر انتظام هنوز به طور رسمی زندانی به حساب می‌آید ولی به دلیل انواع بیماری‌ها در مرخصی استعلاجی است.

ولی من به عنوان همسر ایشان هر سال به دادگاه انقلاب مراجعه و برای تمدید این مرخصی درخواست می‌کنم.

عباس عبدی بازجوی خشن امیر انتظام

* دیروز سالگرد ۱۳ آبان ۵۸ و تسخیر سفارت آمریکا در تهران بود و پس از نزدیک به سی سال بانیان این حرکت هنوز مسئولیت این حرکت را نپذیرفته‌اند و بابت آن عذرخواهی نکرده‌اند. نظر آقای امیرانتظام در این مورد چیست؟

- ما بارها در این مورد با هم صحبت کردیم؛ به نظر ایشان، تسخیر سفارت آمریکا برنامه‌ای از پیش تهیه شده و برای وقوع تمام آن تبعاتی بود که بعدها در عمل شاهد بودیم. تمام حذف‌های سیاسی و جریان تک صدایی که در حاکمیت پیش آمد از اهداف برنامه تسخیر سفارت آمریکا بود.

البته این تنها یک تحلیل است. من خیلی نمی‌خواهم وارد این جریان شوم ولی تمام این کسانی که در آن حرکت بودند آیا بعد از این همه سال ابراز پشیمانی کردند؟

من در این افراد تا امروز هیچ حس ندامتی ندیدم. تنها کسی که چند سال پیش به منزل ما آمد و به عنوان عضو دانشجویان پیرو خط امام تسخیر کننده سفارت از آقای امیرانتظام به خاطر هزینه‌های وارده طلب حلالیت کرد، محمد جواد مظفر بود.

باقی افراد، چه عباس عبدی و چه مثلاً معصومه ابتکار، نه تنها هیچ حلالیتی نطلبیدند بلکه همیشه هم با افتخار از این حرکت صحبت کردند. من در این دست از افراد که خود را اصلاح‌طلب می‌نامند، جنس تفکر داعش را می‌بینم. همسر خانم ابتکار در تیم ترورهای آقای فلاحیان وزیر اطلاعات دولت هاشمی رفسنجانی بوده است.

آقای عباس عبدی کسی است که نه تنها در برابر سرنوشت عباس امیر انتظام هیچ ابراز پشیمانی نکرد که با کمال بی‌شرمی چند وقت پیش گفت «حکم امیر انتظام می‌بایست نهایتاً ۵ سال زندان می‌شد.» آقای عبدی شما چه کاره هستید که برای امیر انتظام حکم تعیین می‌کنید؟!

البته آقای امیرانتظام همه این افراد را می‌بخشد. او حتی آیت الله محمدی گیلانی را که حکم دادگاه را صادر کرد بخشید. به دیدارش رفت. با این استدلال که «من کماندو نیستم. من برنده ۴ جایزه حقوق بشری هستم و نمی‌توانم از کسی کینه به دل داشته باشم.» امیرانتظام شخصیت

ملی_مصدقی است که از هفده سالگی شاگرد مهندس بازرگان بود! شما چه کاره هستید که برای ایشان حکم صادر می‌کنید؟!

آقای ابراهیم اصغرزاده هم سال گذشته با دسته گلی به منزل ما آمدند و طلب بخشش کردند. حتی برخی بازجوهای امیرانتظام در طی سال‌های اخیر به منزل ما آمدند و از او دلجویی کردند. ولی این دانشجویان پیرو خط امام که امروز به عنوان اصلاح‌طلب مشهور هستند همچنان با همان کینه و عقده به خطای بزرگ خود افتخار می‌کنند.

احمد منتظری شبی که پدرش را تدفین کردند به منزل ما زنگ زد و برای ایشان طلب بخشش کرد. این حرکات همه برای ما محترم هستند.

امیر انتظام البته همه آنها را بخشیده است. چون با کینه‌ورزی در این مملکت سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. اگر امثال او شکنجه‌گران خود را نبخشند، پس دیگر چه انتظاری می‌توان از مادری داشت که فرزندش را از بالای پل به پایین پرت کردند؟

امیر انتظام عاشق ایران است. ۱۷ سال پیش که آقای امیرانتظام از اتریش اولین جایزه جهانی را برد. برای اولین بار فرصت خروج بی دردسر از کشور را داشت. می‌توانست بعد از سال‌ها به دیدار فرزندان خود برود ولی گفت من از این کشور خارج نمی‌شوم. تا همین دو سال پیش که خود مقامات به ایشان اجازه خروج دادند بالاخره توانست فرزندان خود را ببیند.

*** آقای امیرانتظام قبلاً گفته بود که عباس عبدی از بازجویان خشن من بود ولی عباس عبدی می‌گوید آقای امیر انتظام او را با کس دیگری اشتباه گرفته است. بالاخره بازجو خود ایشان بوده یا نه؟**

- امیر انتظام کمتر از نظر حافظه اشتباه کرده است. او می‌گوید بازجو همین عباس عبدی بوده است. البته هیچ گاه نگفته خشونت فیزیکی انجام داده است. همسر بارها گفته عباس عبدی با او رفتارهای بسیار تحقیرآمیزی داشت.

آقای عبدی همواره این موضوع را رد کرده و من به لحاظ اخلاقی نمی‌توانم با اطمینان از این اتهام سنگین صحبت کنم چون شخصاً شاهد ماجرا نبودم. ولی به حافظه همسر هم ایمان دارم.

سیاست داخلی

سیاست > سیاست داخلی

آیا عباس امیر انتظام واقعاً جاسوس بود؟



سرپوش سیاسی - حسین دهباشی، سری جدید خشت خام خود را در گفت‌وگویی با عباس امیرانتظام کلید زد؛ چند روز مانده به تحویل سال، اما برشی از این گفت‌وگو آن‌قدر در فضای مجازی و توییتر بازنشر شد که بار دیگر موضوع امیرانتظام سر زبان‌ها افتاد. همین مصاحبه کافی بود تا موافقان و مخالفان تنوری جاسوسی امیرانتظام مقابل هم صف‌آرایی کنند و بار دیگر به دفاع از نظریات خود بپردازند. اگر ماجرا در روزهای منتهی به سال نو و روزهای آغازین سال جدید به توییتر محدود شده بود، اما روز گذشته، محسن میردامادی، دبیرکل سابق جبهه مشارکت و از رهبران دانشجویان اشغال‌کننده سفارت آمریکا، وارد میدان شد و اعلام کرد که امیرانتظام جاسوس نبوده است.

این اظهارنظر از این نظر مهم به نظر می‌رسد که امیرانتظام را به استناد اسناد کشف‌شده از سوی دانشجویان اشغال‌کننده سفارت آمریکا با ترفندی، به ایران فراخوانده و به اتهام جاسوسی به‌نفع آمریکایی‌ها بازداشت کردند. حالا رهبر آن جریان بعد از ۲۹ سال ابراز کرده از آن اسناد، جاسوسی مستفاد نمی‌شود. اگرچه سازمان اسناد انقلاب اسلامی و برخی طیف‌های سیاسی همچنان مستند به این اسناد، امیرانتظام را به سبب مرادداشتش با آمریکایی‌ها جاسوس قلمداد می‌کنند.

میردامادی اما به سایت تاریخ ایرانی گفته است: «موضوع آقای امیرانتظام و مشکلاتی که برای ایشان پیش آمد دغدغه ذهنی من و احتمالاً امثال من بوده است. به همین دلیل من اسناد سفارت آمریکا در رابطه با امیرانتظام را که پس از اشغال سفارت منتشر شد بار دیگر مطالعه کردم. در شرایط فعلی که آن هیجان‌زدگی فضای عمومی دوران انقلاب و به‌خصوص ماه‌های پس از اشغال سفارت دیگر وجود ندارد، طبعاً منصفانه‌تر می‌توان در این‌گونه موارد قضاوت کرد. من در این اسناد هیچ مطلبی که بر جاسوس‌بودن امیرانتظام دلالت کند ندیدم.

در بررسی‌هایی که اخیراً کردم، پس از ارائه اسناد سفارت به مراجع ذی‌ربط گروهی که مسئول بررسی آن اسناد و انجام تحقیقات از آقای امیرانتظام شده بودند نیز در همان زمان به این نتیجه رسیده بودند که اتهام جاسوسی متوجه ایشان نیست... درواقع از همان سال‌های اول انقلاب بحث اتهام جاسوسی نسبت‌داده‌شده به ایشان مورد پرسش و ابهام بوده است، ولی امروز در فضای کنونی خیلی قاطع‌تر می‌توان گفت که اتهام جاسوسی درست نبوده است. این نوع نگاه به شیوه عملکرد افراد عمدتاً متأثر از حال‌وهوا و فضای به‌شدت انقلابی آن سال‌ها بوده است، ولی جاسوسی معنای روشن و مشخصی دارد که شرایط زمانی یا حال‌وهوای انقلاب آن معنا و مفهوم را تغییر نمی‌دهد و نمی‌توان با تعاریفی متغیر و غیرحقوقی چنین اتهامی را به افراد وارد کرد».

هاشمی هم می‌گفت جاسوس نبوده

اکبر هاشمی‌رفسنجانی در کتاب خاطراتش نوشته: «شاید یکی از پرسروصداترین افشاگری‌های دانشجویان، انتشار اسناد مربوط به عباس امیرانتظام بود که بر مبنای آن، دانشجویان او را به جاسوسی برای سازمان سیا متهم کردند و با هماهنگی دادستانی انقلاب، وی را که سفیر ایران در استکهلم بود و در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۵۸ به ایران فراخوانده شده بود، دستگیر و رهسپار زندان کردند... در این مورد به‌خصوص، نظر برخی از ما این بود که اسناد فاش‌شده تا آن زمان، نشان‌دهنده جاسوسی امیرانتظام نبود و در این زمینه حرف‌های آقای بازرگان را که ایشان را جاسوس نمی‌دانست، تأیید می‌کردیم. البته نمی‌خواستیم بگوییم که دانشجویان دروغ می‌گویند، بلکه معتقد بودیم اسنادی که آنها افشا کرده‌اند، نشان‌دهنده جاسوسی نیست».

عباس امیرانتظام به استناد اسنادی که از سفارت آمریکا در ایران و از سوی دانشجویان تسخیرکننده سفارت به دست می‌آید، درحالی‌که سفیر ایران در سوئد بود، به ایران فراخوانده شده و یک روز بعد به اتهام جاسوسی بازداشت می‌شود و نزدیک به ۱۵ ماه

را در انفرادی سپری می‌کند. او خودش در گفت‌وگو با روزنامه جامعه به تاریخ اردیبهشت ۷۷ درباره این اتهام می‌گوید: «... شما اطلاع دارید که در دولت موقت من معاون نخست‌وزیر، سخنگوی دولت و مسئول مذاکره و مکاتبه با تمام سفارتخانه‌ها در داخل کشور بودم، از جمله آمریکا و ما با آمریکا بیشترین قراردادهای را داشتیم، چیزی حدود هزار و ۲۰۰ قرارداد؛ بنابراین مراجعه آنها برای ارتباط با دولت بیشتر با نخست‌وزیری انجام شد.

چه آقای سولیوان به طور شخصی یا کاردار ایشان یا از طریق مکاتباتی که با ما صورت می‌گرفت؛ بنابراین ملاقات‌ها به صورت روزانه یا چند بار در هفته انجام می‌شد. ملاقات‌ها کاملاً رسمی و در دفتر نخست‌وزیری انجام می‌گرفت و معمولاً در حضور عده‌ای از همکاران من که در قسمت سیاسی کار می‌کردند، در دفتر خودم اتفاق می‌افتاد. نامه‌هایی را که نمایندگی‌های دولت‌های خارجی در ایران به نخست‌وزیری می‌نوشتند، من مطالعه می‌کردم و نتیجه را به مهندس بازرگان، نخست‌وزیر، اطلاع می‌دادم. این مسئولیت را آقای بازرگان به من داده بودند.

ما با همه سفارتخانه‌ها مکاتبه می‌کردیم و جواب نامه‌های آنها را می‌دادیم؛ از جمله سفارت آمریکا. بعدها وقتی در آبان ۱۳۵۸ سفارت آمریکا اشغال شد و اسمش را گذاشتند جاسوس‌خانه، تمام مکاتباتی را که از آنجا به دست آوردند، به عنوان اسناد لانه جاسوسی تلقی کردند؛ درحالی‌که این اسناد مکاتباتی رسمی و قانونی است که بین دولت آمریکا و دولت ایران انجام شده و بخشی از آنها را من از طرف نخست‌وزیر امضا کردم؛ اما آنهایی که سفارت را اشغال کردند، این نامه‌ها را به عنوان اسناد جاسوسی علیه دولت وقت و شخص من استفاده کردند. مطلقاً چیز دیگری نبود، مطلقاً...».

اتهام به عباس عبدی

امیرانتظام همچنین در کتاب خود نوشته بود که اسناد جعلی و ساخته دست دانشجویان بوده است. عبدی در پاسخ به این موضوع در مصاحبه‌ای گفته بود: «آقای امیرانتظام مرتکب جرمی شده که مجازات آن را باید تحمل کند... اگر آن مدارک جعلی بود، آمریکایی‌ها واکنش تندی نشان می‌دادند؛ از چند دانشجو که زبان انگلیسی نمی‌دانستند، بعید بود که بتوانند مدارک آمریکایی‌ها را جعل کنند». او گفته بود: «من را با شخصی به نام حسن عباسی که نامش نه مستعار، بلکه واقعی است، اشتباه گرفته است... زندان او طولانی شد و پنج سال حبس وی را کفایت می‌کرد».

اشاره عبدی به روایت امیرانتظام از نگهداری او در روزهای نخست بازداشت است. محسن میردامادی هم در گفت‌وگوی تازه خود با تاریخ ایرانی، بازجویی و نگهداری از امیرانتظام توسط عباس عبدی را تکذیب کرده و گفته است: «این اظهار نظر آقای امیرانتظام که آقای عبدی مأمور مراقبت از ایشان بوده است، صحیح نیست. حوزه کاری آقای عبدی اصولاً این نوع امور نبود. فردی که آقای امیرانتظام با آقای عبدی اشتباه می‌گیرد، یکی دیگر از دانشجویان بود که نام کوچک او نیز عباس بود و با توجه به اینکه آنجا افراد نوعاً با اسم کوچک یکدیگر را صدا می‌کردند، احتمالاً این تشابه اسم باعث این برداشت اشتباه شده است». میردامادی در پاسخ به این سؤال که آیا آن فرد را می‌شناسد، گفته: «بله، می‌شناسم. هنوز آن قدر آلازیم نگرفته‌ام».

ماجرای عبدی و امیرانتظام

عباس امیرانتظام، در کتاب خاطرات خود با عنوان آن سوی اتهام، به روایت روزهای نخست بازداشت و نیز دلایل بازداشت و البته شرح دادگاه‌هایش پرداخته است. امیرانتظام در آن بخش از خاطرات، عباس عبدی را فردی معرفی می‌کند که در منزل او نگهداری داده و همواره با ادبیات نامناسب و حقارت‌آمیزی با او صحبت کرده است. مثلاً در روایت بیست‌ونهم بهمن ۵۸ آورده است: «دیروز بعدازظهر یکی از این دانشجویان به عنوان مستعار حسن عباسی (عباس عبدی) به خاطر تلفنی که به بنی‌صدر کردم، فوق‌العاده ناراحت کرد و اعتراض داشت که به چه حقی به رئیس‌جمهور تلفن کرده‌ام و مانند بچه‌ها در را به هم زد و تلفن‌ها را قایم کرد. اینها خیال دارند تا ابد من را تا اینجا نگه دارند... تا می‌گویم آخر دانشجو، من یک آدم شناخته‌شده هستم.

سفیر این مملکت بوده‌ام... باید روزی به وضع من رسیدگی شود. همه مطالب را کنار می‌گذارد و با پرخاش به من می‌گوید ارزش یک اوباش بیشتر از توست. چه حقی داری خودت را با دیگران مقایسه کنی؟ خدایا خودت کمک کن». اما عباس عبدی نه تنها این روایت را بارها تکذیب کرده که تأکید هم کرده که این نام‌بردن از او صرفاً به خاطر تشابه اسمی بوده است. محمد هاشمی قبل از گفت‌وگو با «شرق» در این باره گفته بود: «خود او (امیرانتظام) درباره یک عباس‌نامی که احتمالاً عباس زیرباف باشد و با او برخورد کرده، همچنان می‌گوید عباس عبدی بوده است؛ درحالی‌که آقای عبدی به طور کامل این موضوع را رد می‌کند».

عباس امیرانتظام و حمایت بازرگان

عباس امیرانتظام، متولد ۱۳۱۱ در تهران و دارای مدرک کارشناسی ارشد ساختمان از دانشگاه برکلی آمریکا در سال ۱۳۴۵ است. او از هواداران نهضت ملی نفت و مصدق بود و البته با تأسیس نهضت آزادی ایران، به این گروه پیوست. امیرانتظام همچنین از دوستان و وفاداران به مرحوم مهدی بازرگان بود و شاید همین دوستی و رفاقت بود که بازرگان را تا لحظات سخت امیرانتظام در دادگاه، به عنوان حامی او حفظ کرد؛ آن‌هم در شرایطی که نهضتی‌ها از عضو خود دست کشیده بودند. بازرگان نه تنها در جلسات دادگاه به دفاع از امیرانتظام پرداخت بلکه به روایت فرشته، دختر مرحوم مهندس بازرگان، امیرانتظام یکی از دغدغه‌های مهندس تا

پایان عمر او بوده است.

امیرانتظام همین موضوع را در مصاحبه‌ای این‌گونه روایت کرده بود: «من در سال ۱۳۳۰ شمسی وارد دانشکده فنی دانشگاه تهران شدم و مهندس بازرگان آن زمان رئیس دانشکده فنی بودند. هر دو ملی بودیم البته با اختلاف سن، اما از همان زمان جذب یکدیگر شدیم... در زندان تماس حضوری نداشتیم اما همیشه پیام‌ها و دغدغه‌های خود از وضع کشور را از طریق فامیل به یکدیگر می‌رساندیم. اگر حمل بر بزرگی نشود، یکی از دغدغه‌هایشان من بودم. زمانی که مسعود بهنود به تهران آمده بودند و برای نوشتن کتاب ۲۵۷ روز با مهندس بازرگان صحبت کرده بودند، وقتی از ایران رفتند یک نامه‌ای برای ما نوشتند که آقای بازرگان به ایشان گفته او می‌رود اما تا زمانی که مشکل امیرانتظام حل نشود، یک دست او از قبر بیرون است.

آن مرد شریف و پاک و وطن‌پرست، هیچ‌چیز جز بزرگی و آزادی ایران نمی‌خواست. ایشان تنها مرد بزرگی در تاریخ ایران بود که آمد و مسئولیت تمام کارها را برعهده گرفت. مهندس گفتند: «من بودم که از امیرانتظام خواستم به سفارت آمریکا، انگلستان، آلمان، فرانسه و هلند بروم و برای ما اطلاعات جمع کند و بگیرد. من شهادت می‌دهم که ایشان در تمام مدت اطلاعات گرفته و به دولت من داده است نه اینکه اطلاعات بدهد». در آنجا نمونه‌هایش را هم ذکر کرده بودند؛ به‌طوری‌که سه ساعت سخنرانی ایشان در دادگاه طول کشید و در تمام این مدت شرافتمندانه از من دفاع کردند و گفتند اگر قرار است کسی را محاکمه کنید، بیایید من را یعنی مهندس بازرگان را محاکمه کنید».

بعد از پیروزی انقلاب، امیرانتظام به‌عنوان معاون نخست‌وزیر (بازرگان) و سخنگوی دولت موقت انتخاب می‌شود. پس از آن هم به دلیل فشارها علیه امیرانتظام، بازرگان او را به‌عنوان سفیر ایران در حوزه کشورهای اسکاندیناوی انتخاب کرده و روانه سوئد می‌کند.

مرحوم عزت‌الله سحابی درباره امیرانتظام و مخالفت‌ها با انتخاب او در کتاب خاطرات خود توضیحات مفصّلی داده است: «پس از ورود مهندس بازرگان به جلسه نارضایتی اعضای شورای انقلاب با ایشان در میان گذاشته شد. مهندس بازرگان پس از شنیدن اعتراضات رو به من کرد و با حالت عصبانی به من گفت، از تو دیگر انتظار نداشتم [...] این اعتراضات بیشتر به دلیل آن بود که افراد، آقای امیرانتظام را عضو نهضت نمی‌دانستند... دلیل دیگر هم، ظاهر شیک‌پوش و آراسته ایشان بود که با جو و فضای انقلابی آن روز، شباهتی نداشت!». نهضت آزادی پس از آن بیانیه داده و اعلام کردند که امیرانتظام عضو نهضت نیست و تنها سه ماه سابقه فعالیت با نهضت داشته است.

طرح انحلال مجلس خبرگان قانون اساسی

اما دلیل مخالفت شورای انقلابی و طیف روحانیت با امیرانتظام به طرح او درباره انحلال مجلس خبرگان قانون اساسی می‌رسد. درحالی‌که این مجلس در حال تصویب اصول مربوط به بحث ولایت فقیه در قانون اساسی بود، برخی اعضای دولت موقت به محوریت امیرانتظام نامه‌ای در جهت انحلال مجلس خبرگان قانون اساسی با ۱۸ امضا تهیه کردند.

طرحی که با مخالفت امام خمینی مواجه می‌شود. بعد از آنکه امیرانتظام به‌عنوان سفیر در سوئد به ایفای نقش پرداخته بود، روز ۲۸ آذر ۱۳۵۸ از استکهلم به تهران مراجعت کرد و به اتهام همکاری با سازمان جاسوسی آمریکا «سیا» بازداشت شد. این فراخوان از سوی معاون وزیر خارجه وقت، «قطب‌زاده»، یعنی کمال خرازی به بهانه بررسی برخی موارد و مشورت انجام می‌شود. دانشجویان پیرو خط امام در این فاصله او را جاسوس و عامل آمریکا معرفی کردند. امیرانتظام که در زمان بازداشت ۴۷ ساله بود، بیش از یک سال بعد از بازداشت در دادگاهی به ریاست مرحوم گیلانی به اعدام محکوم شد اما با تلاش‌های مهندس بازرگان، رئیس دولت موقت، این حکم به حبس ابد کاهش یافت.

بعد از گذراندن ۱۸ سال در سال ۷۷ از زندان اوین خارج می‌شود اما بعد از ترور دادستان انقلاب تهران در ابتدای انقلاب تا پایان دهه ۶۰، او در مصاحبه‌ای عباراتی را درباره او طرح می‌کند که با شکایت فرزند لاجوردی دوباره بازداشت می‌شود. به دلیل وضعیت جسمانی دو سال بعد از زندان به بیمارستان منتقل می‌شود. امیرانتظام هم‌اکنون سال‌هاست که در منزل خود و توسط همسرش نگهداری می‌شود؛ درحالی‌که وضعیت جسمانی مناسبی ندارد. سال ۱۳۹۲ وقتی آیت‌الله گیلانی که حکم حبس ابدش را امضا کرده بود، در بستر بیماری بود، به ملاقات او رفت.

خدیجه جواهری

غزنی سقوط نمی کند؛ هزاره ها تلاش می شوند؟



شفقنا افغانستان_1) قباقي گاوگاه زندگي هزاره ها است با سقوط دره ي قباقي «مرگ» همه ي هزاره ها را تهديد مي کند اين مساله را مي دانيم که جغرافياي ناور در ساختار حکومتي طالبان بخشي از وردک است و تمام هدف و تلاش امارت اسلامي سقوط اين ولسوالي است تا به سوي هزارستان دست درازي کنند.

طالبان با سقوط پوسته هاي دره ي قباقي به اين هدف شوم نزديک تر مي شوند چند سالي است در عرصه ي سياسي- نظامي و از درون دولت و بيرون دولت تلاش ها جريان دارد تا ولسوالي ناور سقوط کند برخي از شويويست ها از جمله داکتر نثار ريس دانشگاه مسلم تا هنوز در فکر غصب ناور است و اين هدف را در مکتبه مي پروراند بر اساس همين مبنا «تفاق اجتماعي» در ناور نيز از «حرمسرای ولايت» و ساير همفکران قبیله مدیریت مي شود زیرا استراتژیست هاي «افغان ملي» مي دانند که هزاره ها را از چه سوراخي مي توان گزيد؟

غزني سقوط نمی کند نظامي نيست تا سقوط کند در حومه و متن شهر نفوذ از حکومت امارت اسلامي است براساس اعتراف ها و گزارش ها مالیات از نهادها جمع مي شوند، جغرافيا و ساحه ي فعاليت ها روشن است، چيزي ناتفسيح شده ميان ملامتين ها و ملاکيل ها وجود ندارد ولي توافق قبیله اي شان برقرار است و هدف شان نيز حول محور سقوط خواجه عمري، ناور و جغتو متمرکز است.

غزني سقوط نمی کند فقط هزاره ها تلف مي شوند هزاره ها از جناب عارف واحدی بپرسند که چه گپ هايي در ولايت غزني وجود دارد؟ اگر او به «معاش مساکي» نه بگويد خواهد گفت که در مواقع حساس نشست هاي امنيتي بدون حضور او برگزار مي شود او خواهد گفت که نظام محلي پس از واقعه ي شيرآباد قریه باغ چه هدف شومي در قبال هزاره هاي غزني داشت؟

براساس گفتگوي تلفني که با برخي از مسوولان پوسته ها در دره ي قباقي داشتيم حمله ي اخير و سيع و قدرت مند بوده است غيبت و شجاعت بچه ها مانع

شده است تا دره‌ی قباق سقوط کامل نکند با تاسف از اثر این هجوم 8 نفر کشته شده اند و 3 نفر زخمی تعداد مهاجمان بالاتر از 80 نفر بوده است هیچ کمکی از سوی نظام محلی صورت نگرفته است بارها مسوولان به خبرنگاران گفته بودند که «قوای مشترک صربتی» از غزنی دفاع می کنند اما در قباق هیچ کاری نکرده است.

راه حلی جز «وحدت قومی» به منظور دفاع از هزاره ها وجود ندارد نه به وکیل امید می است و نه به وزیری وضع مشعر است که برخی از وکیلان هزاره آلهی دست و نیروی کمکی فاشیست ها هستند اینها است که در ناو، مالدستان و قریه باغ مردم را به «نفاق» کشانده اند کاری برای مردم نمی کنند پس از هر فاجعه ای کارشان کمپاین انتخاباتی است تلاش ها، دادخواهی ها و گفتگوها توسط چهره های گمنام در غزنی صورت می گیرد اما کار برخی از وکیلان کابل نشین شرکت در گفتگوی تلویزیونی به منظور محک زدن نام شان و شعار دادن تهنی از عمل شده است.

ما بارها شاهد بوده ایم که دادخواهی ها را مردم محروم کرده اند اما برخی از وکیلان در تلویزیون و فضای مجازی دست به سینه‌ی خویش زده اند بی آمد این کار ناامیدی، بی اعتمادی و بی تفاوتی مردم خواهد بود از این رو ما در شرایط بدی قرار داریم اگر بیدار نشویم همه‌ی ما را می کشند.

انتهای پیام

منبع افغان پی پر

برخی مراکز آموزش عالی به دلیل کاهش داوطلبان خالی شده اند

۱۸-۰۱-۱۳۹۷ | ساعت ۱۱:۳۷



شفقتا- وزیر علوم گفت: در شرایط فعلی با افت تعداد داوطلبان ورود به دانشگاه ها، شاهد خالی شدن برخی از مراکز آموزش عالی پراکنده در سطح کشور به ویژه شهرستان های کوچک هستیم.

به گزارش شفقتا به نقل از مهر، دکتر منصور غلامی وزیر علوم تحقیقات و فناوری در برنامه نشست هم اندیشی وزیر علوم و مدیران ستادی که صبح امروز در سالن اجتماعات وزارت علوم در حال برگزاری است با تبریک سال نو گفت: وظیفه ما در این شرایط این است که بتوانیم در راه تحقق آرمان های آموزش عالی کشور تا جایی که مقدرات اجازه می دهد، تلاش کنیم. وی ادامه داد: بدون هم اندیشی و شنیدن نظرات صاحبان اندیشه این کار اجرایی نشده و به خوبی پیش نمی رود، برای همین این برنامه امروز برگزار شد و این برنامه به صورت مستمر خواهد بود و ما حتما در طول اجرای برنامه های پیش روی وزارت علوم از نظرات صاحب نظران آموزش عالی بهره مند خواهیم شد.

وزیر علوم تصریح کرد: آموزش عالی کشور در شرایط خاصی قرار دارد و نیاز به برنامه ریزی و اجرای برنامه های مهمی است تا ما در شرایط خاص بتوانیم از دستاوردهای آموزش عالی بهره مند شده و جهت حرکتمان را طوری تنظیم کنیم که در روزها و سال های آینده علاوه

بر حفظ دستاوردها، روند رو به رشد و موفقی را داشته باشیم.

غلامی ادامه داد: یکی از مهمترین مباحث آموزش عالی بحث ساماندهی آن است، چرا که در گذشته کمیت گرایی بر آموزش عالی غلبه یافته و توسعه یافته است و مراکز آموزش عالی ایجاد شده که بعضا حتی در زمان تشکیل شدن فاقد برنامه راهبردی بوده است. این مراکز بیشتر به دلیل افزایش داوطلبان آموزش عالی ایجاد شده بود که در شرایط فعلی که با افت تعداد داوطلبان ورود به دانشگاه مواجه هستیم، نیاز به ساماندهی این مراکز است و ما بعضا شاهد خالی شدن برخی از این مراکز آموزش عالی هستیم که بیشتر آنها در شهرستان های کوچک قرار دارند. وی افزود: بحث دیگری که در آموزش عالی مورد توجه است، این است که ما در سال های گذشته در حوزه (کبی و ترجمه) مقالات علمی و نشریات (خارجی)، آمارهای خوب و رشد علمی خوبی داشته ایم اما نقدی که بر ما وارد شده است، بحث حضور دانشگاه ها و مراکز پژوهشی در حل مسائل و مشکلات جامعه کنونی است.

وزیر علوم خاطرنشان کرد: در حال حاضر کشور ما با چالش های بزرگی در سطح کشور مواجه است که گاهی سوال می شود چرا دانشگاه ها در این مسائل وارد نشده و یا اینکه با تاخیر وارد شده اند، از جمله این چالش ها می توان به چالش محیط زیست، اشتغال، عدم توانایی دانش آموختگان در کارآفرینی و موارد دیگر اشاره کرد.

وی ادامه داد: در شرایط فعلی علاوه بر اینکه ساختار آموزش عالی ما گرفتار مسائلی بوده و نیازمند برنامه ریزی است، در مقابل مجموعه اجرایی و کل جامعه نیز مورد سوال هستیم. وزیر علوم گفت: آموزش عالی کشور در سال های اخیر برنامه هایی پیش رو داشته که در حوزه های مختلف در حال اجرا است که این برنامه ها نیازمند تقویت است که از جمله این برنامه ها می توان به ساماندهی مراکز آموزش عالی و ساماندهی کنکور سراسری اشاره کرد که تمام این موارد بدون نظرات و پیشنهادات اساتید پیشکسوت و کسانی که دلسوز آموزش عالی هستند، به خوبی پیش نمی رود؛ بنابراین تقاضای من این است که اساتید دانشگاه ها و صاحب نظران ما را از پیشنهادات و نظرات خود محروم نکنند.

شیعیان سعودی و نقش آنها در «عربستان جدید»/ تحلیلی از العربیه

۱۱:۴۰ | ساعت ۱۳۹۷-۰۲-۰۳



شفقنا نظرسنجی- شیعیان در عربستان سعودی -و تمامی مردم این کشور- اکنون فرصتی برای مشارکت صادقانه در پایه گذاری «عربستان سعودی جدید» دارند تا با همکاری موثر در کنار رهبران سیاسی خود، آینده کشور خود را بدون هیچ ترسی از فتوای تکفیری یا تبعیض مذهبی بسازند. این فتاوا اکنون به پایان خود رسیده و با تاکید پادشاه دیگر هرگز باز نخواهد گشت.

به گزارش سرویس ترجمه شفقنا، حسن المصطفی، نویسنده و تحلیلگر سعودی، در مقاله ای که روز ۱۲ مارس ۲۰۱۸ در العربیه انگلیسی با عنوان «شیعیان سعودی و نقش آنها در عربستان سعودی جدید»^{*} منتشر شد، نوشت: در آپریل ۲۰۱۵ با انتشار خبری که یک سرباز عربستانی بر توییت قرار داد و در آن شهروندان شیعه عربستان در قطیف را به قتل عام تهدید کرد، افکار عمومی عربستان دچار شوک و نگرانی شد. شاهزاده محمد بن سلمان که در آن زمان وزیر دفاع سعودی بود و هنوز به جایگاه ولیعهدی نرسیده بود، مستقیماً در موضوع مداخله کرد. وی دستور داد آن سرباز مورد بازپرسی قرار گیرد و مساله را به یک دادگاه نظامی ارجاع داد.

سابقه عربستان در حفاظت از شهروندان شیعه

محمدرضا نصرالله، عضو سابق شورای سعودی برخی از جزئیات این رویداد را در وب سایت «Sobra» روایت کرده است. وی اذعان کرده است: «در آن زمان من قادر بودم با شاهزاده محمد تماس برقرار کنم و پیام سپاسگزاری شهروندان قطیف و احصا را به دلیل این پیگیری به وی برسانم. من از پاسخ وی شگفت زده شدم که در آن گفته بود «این اقدام برای دریافت تشکر شهروندان شیعه صورت نگرفته بلکه این وظیفه دولت است که امنیت آنها را تامین کند و از حقوق آنها حمایت نماید».

در ماه می ۲۰۱۵، طی یک حمله انتحاری از سوی داعش به نمازگزاران مسجد امام علی بن ابیطالب [ع] در قطیف، ده ها نفر از شیعیان عربستان کشته شدند. این نخستین بار بود که یک مسجد شیعی در عربستان سعودی هدف حمله تروریستی قرار می گیرد. مقامات سعودی سریعاً به پیگیری ماجرا

پرداختند. ملک سلمان در پیامی با بازماندگان ابراز همدردی کرد و شاهزاده محمد بن سلمان، محمدرضا نصرالله را برای ملاقات با خانواده های قربانیان و ابلاغ پیام تسلیت پادشاه اعزام کرد. همچنین دولت به خانواده هر یک از شهیدان یک میلیون ریال و به مصدومان حادثه نیم میلیون ریال پرداخت کرد. در همان ماه ملک سلمان فرمان بازسازی مسجد را صادر کرد. در سال های اخیر دولت سعودی همه موارد حمله تروریستی که گردهمایی ها و مساجد شیعیان را هدف قرار داده، شدیداً و به طور اثرگذاری رصد کرده است. در واقع دولت سعودی نیروهای امنیتی و اطلاعاتی خود را برای جلوگیری از حملات آینده افزایش داده است. همچنین سطح همکاری مابین نیروهای امنیتی و مردم را برای فراهم کردن امنیت در منطقه قطیف، که تهدید تروریسم از سوی داعش، گروه های تکفیری و باندهای مجرمین العوامیه وجود دارد، ارتقاء داده است.

نقش شیعیان در تقویت کشور

از لحاظ تاریخی، در اوایل سال ۱۹۱۳ زمانی که احصا و قطیف داوطلبانه تحت قلمرو ملک عبدالعزیز بن عبدالرحمن قرار گرفتند، شهروندان شیعه سومین استان سعودی را شکل دادند. هیچ مقاومت یا جنگی در این باره اتفاق نیفتاد. ملک عبدالعزیز حقوق مردمان این منطقه را برای پرستش خداوند و انجام مناسک مذهبی براساس احکام شیعه جعفری تضمین کرد.

ائتلاف شکل گرفته مابین شهروندان شیعه و پادشاه طی دهه ها پابرجا ماند. اکثر شهروندان در این استان شرقی که غنی از منابع نفت است، شیعه هستند. بسیاری از آنها در آرامکو مشغول به کار هستند که پیش از این شرکت نفت عربی-امریکایی نامیده می شد. آنها در ساخت کارخانجات شرکت، استخراج نفت، مدیریت تأسیسات و آموزش نیروی انسانی مشارکت داشته اند.

اینگونه شیعیان مستقیماً در توسعه اقتصادی پادشاهی سعودی ایفای نقش کرده اند. همچنین آنها در حوزه های تجارت، آموزش، بانکداری و چندین بخش دولتی همکاری کرده و نقش مهمی در پایه گذاری شهرک صنعتی جبیل داشته اند. یکی از برجسته ترین شخصیت هایی که به توسعه این شهر کمک کرد مهندس جمیل الجبیشی بود که بعدها به عنوان سفیر عربستان سعودی به تهران فرستاده شد.

این مشارکت موثر در پایه ریزی اقتصاد با احکام سیاسی مورد تقدیر قرار گرفته اما همچنین افراط گرایان وابسته به جنبش تکفیری را خشمگین کرده است. این جنبش ادامه اخوان هستند که ملک عبدالعزیز در جنگ سال ۱۹۲۹ با آنها روبرو شد.

«اسلام سیاسی»

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹، و پس از آن تصرف مسجدالحرام از سوی جهیمان العتیبی و یارانش در نوامبر همان سال، افراط گرایی در منطقه شدت گرفت. این رویدادها منجر به ایجاد دوقطبی مذهبی گردید و جنبش هایی از اسلام سیاسی را در هر دو جوامع شیعه و سنی به وجود آورد. بیداری اسلامی که در نتیجه آمیزه ای از سلفیسم، سوروریسم و اخوان المسلمین پدید آمد، رقیب سنی انقلاب اسلامی ایران محسوب می شود، درحالی که انقلاب ایران به نوبه خود جنبش های سیاسی همچون حزب الله، خط امام و حزب اسلامی دوا را ایجاد کرد. این میراث سیاسی تأثیری منفی بر جامعه شیعه سعودی گذاشت که خود را در میانه منطقه ای یافتند که شاهد جنگی میان ایران و عراق و نزاعی مابین اسلام گرایان سنی و شیعه بود. در همین زمان برخی از قدرت های سیاسی بین المللی درصدد برآمدند تا در صحنه های سیاسی دولت سعودی را تحت فشار قرار داده و از آن باج خواهی کنند.

در سال ۱۹۹۳، از سوی ملک فهد به اپوزیسیون شیعه سعودی اجازه داده شد در این پادشاهی بمانند زیرا وی اعتقاد داشت آنها شهروندان عربستان هستند که باید در کشور خود بمانند و این مسائل از طریق گفتگو قابل حل خواهد بود. این نظر ملک فهد نتیجه جنبش اصلاح (حزب اصلی اپوزیسیون شیعه سعودی در خارج از این پادشاهی) بود که در سال ۱۹۹۰ اعلام کرد مخالف حمله صدام حسین به کویت است. در آن زمان شیخ حسن الصفار، رهبر این جنبش، از جوانان شیعه سعودی خواسته بود به مقابله با آن حمله

برخیزند و در برابر نیروهای عراق در کنار دولت بمانند. جنبش اصلاح همچنین انجام هر مأموریت امنیتی و نظامی برای ایران را رد کرد. اینگونه مجادله مابین این جنبش و تهران بالا گرفت و بسیاری از رهبران آن تهران را به مقصد دمشق، لندن و دیگر شهرها ترک کردند. این مساله باعث ایجاد یک تصویر وطن پرستانه مثبت درباره شیعیان عربستان گردید و نشان داد که آنها ستون پنجم دشمن نیستند که بخواهند علیه کشور خود و منافع آن اقدام کنند.

حضور شیعیان در عربستان بر پایه اعتقاد راسخ آنها به وفاداری به کشور و رهبران سیاسی آن، عدم پذیرش مداخله و خشونت خارجی، حفظ صلح داخلی، دوری از گفتمان مذهبی و نژادی، تاکید بر اصول وحدت اسلامی، پذیرش گفتگو و ارتباط برای حل معضلات و اعتقاد به قانون به عنوان مرجعی برای تضمین فرصت های برابر در میان شهروندان بدون هیچ گونه تبعیض مذهبی است.

فرصت های برابر، چشم انداز مشترک

این جهت گیری با ویرژن ۲۰۳۰ هماهنگ است که هدف آن ایجاد یک جامعه مولد برای رسیدن به یک کشور مدرن است که در آن قانون بر سهم خواهی و جانبداری ارجحیت دارد. ولیعهد محمدبن سلمان در طی دیدار اخیر خود با خبرنگاران مصری در قاهره با رویکردی مثبت درباره شهروندان شیعه سعودی و نقش آنها در ساختن کشور صحبت کرده است.

شهروندان شیعه به همان طریقی زندگی می کنند که مابقی شهروندان. شاهزاده ولیعهد در تلاش است تا بار سنگین «گفتمان بنیادگرای افراطی» را که مدت زمان درازی است شیعیان متحمل می شوند، از دوش آنها بردارد. شاهزاده ولیعهد قول داده است افراط گرایان را سریعاً از بین ببرد. بنابراین شهروندان شیعه دیگر تحت فشار و سلطه افراط گرایانی که در سال های گذشته در جامعه آنها نفوذ کردند و مانع آن شدند که بسیاری از آنها آنگونه که می خواهند نتوانند وظایف ملی خود را انجام دهند، نخواهند بود.

شیعیان در عربستان سعودی -و تمامی مردم این کشور- اکنون فرصتی برای مشارکت صادقانه در پایه گذاری «عربستان سعودی جدید» دارند تا با همکاری موثر در کنار رهبران سیاسی خود، آینده کشور خود را بدون هیچ ترسی از فتوای تکفیری یا تبعیض مذهبی بسازند. این فتاوا اکنون به پایان خود رسیده و با تاکید پادشاه دیگر هرگز باز نخواهد گشت.

*پایگاه خبری شفقنا این مطلب را با تصرف و تلخیص، صرفاً جهت اطلاع به فارسی برگردانده و محتوای آن را تایید یا رد نمی کند.

منبع: العربیه

مترجم: زهرا اسدیان

جند توضیح مهم:

- 1- این تحلیل و گزارش را خبرگزاری رسمی سعودی نوشته و منتشر کرده است
- 2- حمله ال سعود و وهابیان در ابتدای تاسیس به مناطق شرقی احساء که شیعه نشین است؛ همراه با کشتار وسیع شیعیان بود نه بنطور که فوقاً نوشته شرح این جنایات در کتاب تاریخ نجد که کتاب تاریخ وهابیان است تفصیلاً آمده است
- 3- تا قبل از بیروزی انقلاب اسلامی شیعیان عربستان در سطح زیر فقر نکه داشته می شدند بحدی که علیرغم همه مواهب؛ غالباً مستحق صدقات بودند، و یکی از برنامه های زائران ایرانی کمک به فقرای شیعه مدینه بود، بعد بیروزی انقلاب اسلامی و از ترس تاثیر آن در عربستان حکومت سعودی مقداری فشار را از شیعیان برداشت و توانستند در سطح حداقلی معیشت رفاه پیدا کنند، اما همچنان نوعی شهروند درجه دو یا درجه سه محسوب شده و در هیچ

يك از مناصب عاليه حكومتي جاикаهي ندارند، وقايع كردن زدن شيخ نمر و تخريب محلات قديمي و تاريخي احساء كه شيعه نشين است از آخرين تعرضات حكومت سعودي به شيعيان است

- 4- در عربستان شيعيان جند قسم هستند: 1- شيعيان كيسانيه قائلين به امامت و غيبت محمد حنفيه در نواحي اطراف ينبع. 2- شيعيان زيديه در نواحي حجاز و استانهای جيزان و ابها.
- 3- شيعيان اسماعيليه در استان جنوبي نجران 4- شيعيان اثنا عشريه در نواحي بايتخت رياض و استان حجاز و استان الشرقيه كه همان احساء و قطيف است.
- 5- شيعيان اثنا عشريه عربستان هم خود جند قسم هستند: 1- طايفه ای از بيروان شيخ احسايي 2- طايفه اي از اهل حديث و اخباريه 3- و طايفه از بيروان مرجعيت اصوليه، كه اين دسته خود جند نوع هستند: 1- بيروان مراجع و علماي محلي احساء و خليج. 2- بيروان آيت الله سيستاني و مراجع نجف 3- بيروان مراجع قم و ايران 4- بيروان آيت الله شيرازي. 5- شيعيان اثنا عشرري جز اينها.
- 6- البته شرايط سخت حكومت سعودي و جو سنكين وهابيان و داعشيان، و نيز فضاي اختناق داخلي و تحكم برخي طوايف بر جمعيت تر؛ به غالب شيعيان اجازه ابراز وجود عقیده نمی دهد، ولذا شيعيان عربستان بطور عمده همه خود را به مرجعيت نجف منسوب مي كنند، حتی طوايف كيسانيه حجاز، تظاهر به اثنا عشريه و تبعيت مرجعيت نجف. مكر شيعيان زيديه و اسماعيليه كه عنوان رسمي خود را دارند.

یک دستگاه نظارتی نوشته بود فلان نوع هواپیما خوب نیست
برایش نوشتم اصلا به تو چه ربطی دارد؟ / بعضی‌ها از فضای
مجازی و اطلاع داشتن مردم بدشان می‌آید؛ فضای مجازی یعنی
امر به معروف و نهی از منکر / هر مدیری در برابر فشارها
عقب نشینی می‌کند، برود / در ۴ سال گذشته، ارز کاغذی را با
هواپیما و با مشکل می‌آوردیم؛ ماشین مسلح می‌بردیم ارز را
تحویل می‌گرفتیم / چند کارمند ارزها را با گونی بین صرافی‌ها
تقسیم می‌کردند؛ برخی دلارهای خوب را برای خود نگه
می‌داشتند!

حسن روحانی می‌گوید: از رئیس‌جمهور انتقاد کنید؛ چرا که برخی‌ها خیلی خوشحال می‌شوند، انتقاد کردن جزو حقوق
شهروندی است.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir):



همایش هم‌اندیشی مدیران ارشد دولت تدبیر و امید با حضور رئیس‌جمهور آغاز شد.
به گزارش «انتخاب»، این همایش لحظاتی پیش در سالن اجلاس سران آغاز شد.
رئیس‌جمهور، جهانگیری معاون اول، اردکانیان وزیر نیرو، سیف رئیس کل بانک مرکزی، نوبخت رئیس سازمان
برنامه و بودجه و رحمانی فضلی وزیر کشور از جمله سخنرانان این همایش هستند.
مهمترین بخش‌های سخنان رییس‌جمهور روحانی بدین شرح است:

کسی که از قانون عقب نشینی کند، صندلی اش بر او حرام است
ما در صندلی قانون نشسته ایم، قانون این صندلی را به ما داده است
بار مسئولیت بر عهده ی بخش اجرایی است

هیچ دستگاه نظارتی حق ندارد در مدیریت دخالت کند، حالا نظری دارد، اشکال ندارد بگوید
یک دستگاه نظارتی به وزارت خانه نوشته بود فلان نوع هواپیما خوب نیست من برایش نوشتم اصلا به تو چه ربطی
دارد؟

جواب هر نامه ای را ندهید، اگر می ترسید نامه را برای من بفرستید
هیچ کس در اداره حق ندارد از پله بالا برود

یک نفر در همان طبقه همکف باید پاسخ مردم را بدهد، شما (کارمند) باید بالا پایین بروی نه مردم
نمی دانم چرا بعضی ها از موبایل بدشان می آید

بعضی ها از فضای مجازی و اطلاع داشتن مردم بدشان می آید
فضای مجازی یعنی امر به معروف و نهی از منکر

بعضی ها می گویند ما امر به معروف و نهی از منکر از طریق موبایل را نمی پذیریم، باید برویم در خیابان یقه
مردم را پاره کنیم

برخی می گویند مردم بهتر است در بی خبری به سر ببرند تا شب راحت بخوابند

اینکه فضای مجازی نباید در انحصار باشد حرف درستی است

در عین حال بگذارید مردم زندگی شان را بکنند

هر مدیری در برابر فشارها عقب نشینی می کند، از دولت دوازدهم برود همانجایی که قرار است 5-6 سال دیگر
برود

من از سیستم ارز در 4 سال گذشته و سیستم فعلی خشنود نیستم

در 4 سال گذشته، ارز کاغذی را با هواپیما و با مشکل می آوردیم و هواپیما را بیمه می کردیم

عده ای ماشین مسلح می بردیم ارز را تحویل می گرفتیم

چند کارمند ارز ها با گونی می بردند تقسیم می کردند بین صرافی ها که ما دیگر نمی دانستیم چجوری و چگونه
تقسیم می کردند!

مانند میوه فروش هایی که برخی میوه ها را برای خود نگه می دارد، برخی دلارهای خوب را برای خود نگه می
داشتند!

در این بازاری که ارز می بردیم، عده ای که نیازمند واقعی بودند مثلا برای تولید ، ارز به دستشان نمی رسید و
مجبور می شد برود سراغ همان دلال ها!

من با این شیوه مخالف بودم

از سیستم ارز در چهار سال گذشته ناراضی بودم و از سیستم ارزی فعلی هم راضی نیستم باید سیستم سومی را تهیه
کنیم.

از رئیس جمهور انتقاد کنید؛ چرا که برخی ها خیلی خوشحال می شوند، انتقاد کردن جزو حقوق شهروندی است .

این که یک شبکه ای در ایران انحصار نداشته باشد خوب است؛ چرا که انحصار درست نیست اما بگذارید مردم
زندگی شان را بکنند.

بلافاصله پس از معرفی پمپئو به عنوان وزیر جدید خارجه آمریکا، وی مخفیانه با رهبر کره شمالی دیدار کرده است

روزنامه واشنگتن پست به نقل از دو مقام آگاه نوشت که مایک پمپئو رییس سیا به عنوان فرستاده دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا سفری مخفیانه به کره شمالی داشته و با کیم جونگ اون رهبر آن کشور دیدار کرده است.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir):



روزنامه واشنگتن پست به نقل از دو مقام آگاه نوشت که مایک پمپئو رییس سیا به عنوان فرستاده دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا سفری مخفیانه به کره شمالی داشته و با کیم جونگ اون رهبر آن کشور دیدار کرده است.

به گزارش «انتخاب» به نقل از واشنگتن پست، این دو مقام که خواستند نامشان فاش نشود، اعلام کردند که سفر پمپئو بخشی از تلاش‌ها برای تدارک مقدمات دیدار میان ترامپ و کیم بوده است.

این دیدار بلافاصله پس از آن انجام شد که ترامپ پمپئو را به عنوان وزیر امور خارجه آمریکا معرفی کرد.

به نوشته ایرنا، رویترز نیز به نقل از یک مقام ارشد آمریکایی که نخواست نامش فاش شود، اعلام کرد: گفت وگوهای پمپئو در کره شمالی ترامپ را به این نتیجه رسانده که امکان برقراری مذاکرات سازنده با پیونگ یانگ وجود دارد اما ضمانتی برای آن نیست.

ترامپ روز سه شنبه اعلام کرد که گفت وگوهای مستقیمی «در سطوح بسیار بالا» با کره

شمالی جریان دارد تا مقدمات دیدار وی با کیم فراهم شود. اما وی اندکی بعد اظهار داشت: بگذارید که این گفت و گوها اندکی پایین تر از بالاترین سطح باشد.

به نوشته رویترز، این اظهارات باعث ابهام شده است. ترامپ اظهار داشت که پنج محل برای ملاقات وی با کیم جونگ اون رهبر کره شمالی پیشنهاد شده است. وی افزود: یا دیدار بسیار خوبی خواهیم داشت یا دیدار خوبی نخواهیم داشت. شاید با توجه به اتفاقات آینده، اصلاً با هم دیدار نکنیم. اما فکر می کنم که فرصت خوبی برای حل یکی از مشکلات جهانی داریم.

'سارا هاکبی سندرز' سخنگوی کاخ سفید هم به نقل از رئیس جمهوری گفت که دولت گفت و گوهایی در بالاترین سطوح داشته است اما در عین حال اضافه کرد که این گفت و گوها با رئیس جمهوری نبوده است.

سندرز درباره سفر پمپئو به کره شمالی گفت: دولت در مورد سفر رییس سیا اظهار نظر نمی کند.

آزمایش های هسته ای و موشکی کره شمالی در سال گذشته میلادی تنش هایی میان واشنگتن و پیونگ یانگ ایجاد کرد.

آمریکا از طریق سازمان ملل تحریم های گسترده ای را علیه کره شمالی وضع کرده است. چندی پیش «کمیته تحریم های کره شمالی» بنابه درخواست آمریکا 21 شرکت کشتیرانی، یک فرد تایوانی، 15 کشتی کره شمالی و 12 کشتی دیگر را که متعلق به پیونگ یانگ نیست، تحریم کرد.

شورای امنیت سازمان ملل پیش از آن صادرات زغال سنگ، آهن، منسوجات، شیلات و برخی محصولات دیگر کره شمالی را تحریم کرده بود. این شورا همچنین صادرات نفت خام و پالایش شده به این کشور را تحریم کرده است.

نرمش قهرمانانه کره شمالی

شوکی که رهبر کره شمالی به جهان سیاست وارد کرد



شفقتا- کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی امروز در حالی اعلام کرد که همه آزمایش های موشکی و هسته ای کشورش را به حالت تعلیق در می آورد که رهبران سال هاست که به اتخاذ موضعی مقتدرانه در برابر غرب به ویژه آمریکا شهره بوده و هستند. به گزارش شفقتا به نقل از ایرنا، رهبران این کشور سال ها بعد از جنگ جهانی دوم به ویژه با تقسیم شبه جزیره کره به دو کره «شمالی» و «جنوبی» همواره وانمود می کردند که در برابر غرب به سرکردگی آمریکا سر تسلیم فرود نمی آورند، چرا که کیم جونگ اون رهبر کره شمالی و پیشتر پدر او نیز که به زعم رهبران جمهوریخواه آمریکا رهبر یکی از کشورهای شرور دنیا به حساب می آمد، با بلندپروازی های نظامی خود، آمریکا و کشورهای همسایه اش را به چالش کشیده است.

کشورهای غربی همواره سعی کردند به کمک رسانه های چند ملیتی خود از کره شمالی به عنوان یک کشور صاحب توانایی موشکی و هسته ای قابل توجه که فناوری های مرتبط را به دیگر کشورهای جهان از جمله کشورهای مخالف با سیاست خارجی آمریکا قرار می دهد، به عنوان یک خطر بزرگ علیه امنیت جهانی معرفی کنند. این درحالی است که رهبر این کشور امروز در اجلاس سالانه کمیته مرکزی حزب کارگران آن کشور تصمیم گرفت که از امروز همه آزمایش های موشک های بالستیک قاره پیما و آزمایش های هسته ای کشورش را متوقف می کند.

این تصمیم رهبری پیونگ یانگ و اعلام جهانی آن تعجب همگان به ویژه تحلیلگران مسایل سیاسی و نظامی جهان را در پی داشته است، زیرا این کشور پیشتر نیز ادعاهای مشابه کرده بود که البته بعد از برخی بدعهدی های غربی ها و تحریک کشورهای همسایه توسط آنها علیه این کشور، کره ای ها زیر قول خود زده بودند. این تصمیم کیم جونگ اون در یک جو ناباورانه تعجب طیف های مختلف سیاستمداران جهان، هم کشورهای دوست و هم کشورهای دشمن این کشور را در پی داشت که در این میان فقط کشورهای دشمن سابق از جمله آمریکا، انگلیس، اتحادیه اروپا و کشور همسایه نسبت به آن و البته با کمی تردید واکنش مثبت نشان دادند.

کشورهای دوست و همپیمان سنتی این کشور هنوز در باره این اعلامیه رسمی رهبری کره شمالی اظهار نظر رسمی نکردند و قضاوت در باره واکنش احتمالی آنها در این مقطع زمانی نیز چندان آسان نیست.

تردید غربی ها به این تصمیم کره شمالی بیشتر از آن رو است که پیونگ یانگ در سال ۲۰۰۷

راکتور اتمی 'یونگ بیون' را در چارچوب یک توافق خلع سلاح های اتمی در برابر کمک های بشردوستانه غیرفعال کرده بود؛ اما پس از بازسازی سایت و سومین آزمایش هسته ای در سال ۲۰۱۳، بار دیگر آنرا فعال کرد.

آمریکا حتی در سال ۱۹۹۴ در زمان ریاست جمهوری بیل کلینتون نیز توافقی را با کره شمالی و همپیمانان آسیایی اش امضا کرد که بعدها با روی کار آمدن جرج بوش نقض شد. در سال ۲۰۰۲ نیز داستان مشابهی میان آمریکا و کره شمالی شکل گرفت، اما کره شمالی سرانجام بعد از کسب توان هسته ای از آژانس بین المللی انرژی اتمی خارج شد. ناگفته نماند که بعد از این تصمیم گیری کیم جونگ اون، کمیته مرکزی کره شمالی امروز اعلام کرد در هیچ شرایطی سلاح های هسته ای یا فناوری هسته ای خود را انتقال نخواهد داد و هرگز نیز به سلاح های هسته ای متوسل نخواهد شد مگر در صورتی که تهدیدها و تحریکات هسته ای علیه این کشور وجود داشته باشد.

به گزارش خبرگزاری اسپوتنیک روسیه، کره شمالی که سال ها در انزوا قرار دارد امروز در تصمیمی خیره کننده پایان آزمایش های هسته ای، آزمایش موشک های قاره پیما و تعطیلی پایگاه آزمایش های اتمی خود را اعلام کرد و متعهد شد به این تعهدات خود پایبند باشد.

البته هنوز نمی توان در موضعگیری پیونگ یانگ قطعیتی را تصور کرد چرا که به رغم این اعلام جهانی پیش شرط هایی را نیز برای انجام این تعهدات پیش کشید، چون این کمیته اعلام کرد که از امروز، شنبه پایگاهی را که در آن به آزمایش های هسته ای می پردازد، تا پیش از دیدار احتمالی کیم با ترامپ منهدم می کند.

اما همین کمیته مرکزی حزبی در عین حال تاکید کرد که در صورت تهدید و تحریکات هسته ای علیه این کشور، به سلاح های هسته ای خود متوسل می شود.

رهبر کره از یک سو گفت از آنجایی که تعلیق آزمایش هسته ای روند مهمی برای خلع سلاح هسته ای جهانی است و کره شمالی به تلاش های بین المللی و تلاش های دیگر برای توقف کامل آزمایش های هسته ای خواهد پیوست.

وی همچنین گفت که کشورش دیگر به انجام دادن آزمایش های هسته ای یا موشک های بالستیک بین قاره ای نیازی ندارد زیرا برنامه های تسلیحاتی خود را تکمیل کرده است و به جای آن بر تقویت اقتصاد کشورش متمرکز خواهد شد.

ناگفته نماند که تنش و اشنگتن و پیونگ یانگ در دوران ریاست جمهوری ترامپ و در بحبوحه آزمایش های موشک بالستیک کره شمالی و ادعای این کشور مبنی بر این که موشک هایش قابلیت هدف قرار دادن همه نقاط در آمریکا را دارند، تشدید شده است.

مقامات کاخ سفید پیشتر گفته بودند تا زمانی که کره شمالی گام هایی در جهت خلع سلاح هسته ای و پایان آزمایش های موشکی بر ندارد، این دیدار انجام نخواهد شد.

در هر حال تنش میان آمریکا و کره شمالی مسبوق به سابقه است و این تنش در سال گذشته میلادی در پی آزمایش های موشکی و هسته ای کره شمالی شدت بیشتری یافت و آمریکا از طریق سازمان ملل تحریم های گسترده ای را بر این کشور اعمال کرد.

البته این تصمیم رهبر کره امروز درحالی اتخاذ و اعلام عمومی شد که او سه شنبه گذشته با 'مایک پمپئو' رئیس سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده (سیا) دیدار کرده بود، دیداری که ابتدا سعی می شد مخفی بماند اما رئیس جمهوری آمریکا آنرا علنی کرد.

البته قبل پرداختن بیشتر به موضوع تنش زدایی میان سئول و واشنگتن، بد نیست یاد آوری شود که دو کره طی چند ماه اخیر قدم های جدی را برای رفع اختلافات میان خود برداشتند که به اعتقاد تحلیل گران احتمالاً با تشویق هدفمند آمریکا صورت گرفته باشد.

دو کره که از لحاظ فنی بعد از پایان جنگ سال ۱۹۵۳ در بحران به سر می برند، از آغاز بازی های المپیک پیونگ چانگ، تنش زدایی در روابط خود را تجربه کرده اند، به طوری که هیئت های ورزشی دو کشور در مراسم افتتاحیه بازی های المپیک زیر یک پرچم رژه رفتند.

این تنش زدایی که به برخی تبادلات میان دو کشور منتهی شد، سرانجام تعیین تاریخی را برای نخستین نشست سران دو کشور بعد از ۱۰ سال امکان پذیر کرد.

بنابراین، با تمهیداتی که صورت گرفته است، کیم جونگ اون و مون جائه این رهبران دو کره قرار است جمعه هفتم اردیبهشت در یک اقدام بی سابقه با هم دیدار کنند تا زمینه تنش های بیش از نیم قرن اختلاف میان خود را به صفر رسانده و همه همت خود را برای توسعه شبه جزیره واحد کره متمرکز سازند.

دیدار پیش روی رهبران دو کره از نظر تحلیلگران و به ویژه سیاست مداران غربی و بطور مشخص دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا بسیار حائز اهمیت است و ارزش این دیدار تا جایی است که ترامپ می کوشد که این نشست در تاریخ به نام خودش ثبت کند.

در عین حال گزارشات حاکی است که ترامپ نیز قرار است اواخر ماه مه و یا اوایل ماه ژوئن با رهبر کره شمالی در اولانباتور، پایتخت مغولستان دیدار کند.

صرف نظر از اهمیت این رویداد تاریخی و تردیدها از دو سوی این معامله سیاسی (آمریکا و کره شمالی) و استقبال بلوک غرب از آن، باید منتظر بود که واکنش کشورهای همسایه و مهم کره شمالی یعنی چین و روسیه به عنوان حامیان اصلی سیاسی و نظامی پیونگ یانگ در این خصوص چگونه خواهد بود.

تا پیش از این تصور می شد که مساله کره شمالی با آمریکا یکی از پیچیده ترین بحران های جهان باشد و حل آن را در پیمودن یک مسیر طولانی ارزیابی می کردند، چرا که نقش روسیه و چین نیز در حل این مسئله را نباید نادیده گرفت،، کشورهای حامیان کره شمالی و از دشمنان و رقبای سیاسی و اقتصادی آمریکا در طول تاریخ به شمار می روند.

روسیه و چین هر یک هم بطور مشترک از لحاظ سیاسی و هم بطور جداگانه به لحاظ اقتصادی و سیاسی و نظامی از قبل با آمریکا در چالش قرار دارند.

پس باید دید آیا چین حاضر می شود برای جلب نظر آمریکا به سبب مشکل تجاری و گمرکی که با آن کشور دارد کره شمالی را وجه مصالحه این جنگ مهم اقتصادی کند.

به اعتقاد تحلیلگران بعید نیست پکن بخواهد در اقدامی هدفمند ماموریت یابد با تشویق پیونگ یانگ به انجام این معامله با واشنگتن و دادن برخی ضمانت های امنیتی به دو طرف، از یک سو سرمایه گذاری در صنایع و زیرساخت های کره شمالی را به عهده گیرد و از سوی دیگر امتیازاتی را نیز از طرف آمریکایی طلب کند.

چرا که دولت آمریکا نیز بخوبی می داند برای انجام هرگونه توافق با کره شمالی باید حمایت همپیمانان منطقه ای و بین المللی همپیمانان آن و حتی همپیمانان واشنگتن را نیز جلب کند.

پس بعید نیست تکرار سناریویی مشابه در این معامله چند وجهی را برای روسیه نیز صادق دانست، چون روسیه نیز به سبب بحران های مالی داخلی و نیز بحران سیاسی با غرب در ۲

جبهه اوکراین و در سوریه بطور خاص با آمریکا در کلیت آن با غرب اختلاف اساسی دارد. در هر حال تا پایان این داستان هنوز نمی توان نتیجه خاصی را برای این بازی سیاسی و شاید اقتصادی متصور بود، چون از طرف دیگر بعید نیست ترامپ بعد از انجام این مذاکرات و آرام کردن پیونگ یانگ در این مقطع حساس از تنش ها در خاورمیانه و حتی کسب شهرت داخلی برای حل نهایی بحران با پیونگ یانگ، نخواهد بار دیگر با رویکردی خشن تر با کره شمالی روبه برو شود.

حتی برخی دیگر از تحلیلگران نیز معتقدند که ترامپ به عنوان یک تجار بین المللی با حل اختلافش با کیم، امروزه بر اعمال فشار اقتصادی بیشتر بر پکن چشم دوخته است. پس هنوز باید منتظر انجام مذاکرات و تاثیر احتمالی آن بر نظم منطقه ای و حتی بین المللی ماند.

نیویورک تایمز: «کیم جونگ اون» توسعه انرژی هسته ای را با اقتصاد معاوضه می کند



شفقنا- روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی نوشت: تا زمانی که «کیم جونگ اون» رهبر کره شمالی است، خواستار دستیابی همزمان به تسلیحات هسته ای و رشد اقتصادی با هدف تبدیل کشور به «یک قدرت هسته ای بزرگ سوسیالیست» شده است.

به گزارش شفقنا به نقل از جماران، در ادامه ی این گزارش آمده است: با این حال در روز شنبه، کیم ناگهان اعلام کرد که سیاست اش، معروف به «بیونگجین» یا «پیشرفت موازی» را کنار گذاشته است. این استراتژی در مرکز تبلیغات وی، و در منشور حزب کارگران تحت رهبری او قرار دارد. اما کیم می گوید اکنون زمان اتخاذ یک «خط مشی جدید» است و منابع ملی را برای بازسازی اقتصاد خود متمرکز می کند.

در مورد سلاح های هسته ای، او اساسا اعلام کرد که این مأموریت انجام شده است، و گفت که کره شمالی دیگر نیازی به آزمایش موشک های دوربرد یا بمب اتمی ندارد و تنها سایت آزمایش هسته ای شناخته شده خود را تعطیل کرده است. او می گوید سیاست بیونگجین، «پیروزی بزرگ» خود را به دست آورده است، که یک زرادخانه است که می تواند دشمنان کشور را هدف قرار دهد.

این تغییر سیاست کیم از آزمایش هسته ای به سمت اقتصاد، فقط چند روز پیش از یک دیدار برنامه ریزی شده با «مون جائه این» رئیس جمهور کره جنوبی و چند هفته پیش از نشست

برنامه ریزی شده اش با «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا صورت می گیرد.
با وجود شک و تردید در مورد توانایی این کشور برای حمله به قاره آمریکا با سلاح هسته ای،
کیم به نظر می رسد به وضوح گفته است که او قصد دارد به عنوان یک قدرت هسته ای وارد
مذاکره با واشنگتن شود؛ همانطور که شوروی دهه ها قبل این کار را انجام داد.
سوال بزرگ این است که آیا او سلاح هسته ای خود را کنار خواهد گذاشت یا خیر.
قدرت هسته ای و موشکی

اگر بخواهیم با جزئیات بیشتری به شرایط فعلی نگاه کنیم، پنجمین و ششمین آزمایش هسته ای
کره شمالی که به ترتیب در سپتامبر ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ انجام شد، نشانه های پر اهمیتی از
وضعیت توسعه توان هسته ای کره شمالی ارائه کرده اند. در آزمایشی که سپتامبر ۲۰۱۶ انجام
شد، به گفته رسانه دولتی کره شمالی، از کلاهکی استاندارد با اندازه کوچک استفاده شد که
می توان آن را روی همه انواع موشک های برد کوتاه، متوسط و قاره پیمای کره شمالی سوار
کرد.

قدرت تخریب برآورد شده این کلاهک ها، حدود دو تا سه برابر بمب اتمی است که آمریکا در
آخرین روزهای جنگ جهانی دوم روی «ناکازاکی» انداخت که برای هدفی که کره شمالی دنبال
می کند، کاملاً کافی است.

و پر اهمیت تر از همه، آزمایش موشکی اخیر کره شمالی است که نشان داد این کشور توانایی
تولید کلاهکی با قدرت انفجاری بسیار زیادی را دارد.

کارشناسان مستقل و سازمان های اطلاعاتی کشورهای مختلف، هنوز درباره اینکه که آیا کره
شمالی واقعا به طراحی بمب هیدروژنی دست یافته یا خیر اتفاق نظر ندارند. اما داده های مربوط
به لرزه نگاری که در سوم سپتامبر ۲۰۱۷ ثبت شده، آن قدر اطلاعات به جهان داد که براساس
آن بتوان نتیجه گیری کرد که کلاهک کره شمالی، قدرت به اصطلاح «ویران کردن یک شهر»
(یا قدرت تخریب معادل ۶,۳ میلیون تن تی ان تی) را دارد.

کره شمالی تاکنون، موشک هایی را که می توانند به نزدیکی خاک آمریکا برسند را سه بار
آزمایش کرده است.

کمک های اقتصادی

سیاستمداران کره جنوبی معتقدند که کیم تمایل خود را برای برچیدن زرادخانه هسته ای اش با
توجه به انگیزه های مناسب، از جمله کمک های اقتصادی، دستیابی به یک معاهده صلح و دیگر
تضمین های امنیتی از سوی واشنگتن – نشان داده است؛ اقداماتی که وی برای بازسازی اقتصاد
کره شمالی به آنها نیاز دارد.

«لی جونگ سوک» وزیر اتحاد سابق کره جنوبی می گوید: «کیم به دنبال نوعی رشد سریع
اقتصادی است که در چین دیده می شود. کره شمالی که او بر آن حکومت می کند، با کره شمالی
پدرش متفاوت است.»

لی همچنین یادآور می شود: «ما فقط به جنبه هسته ای حکومت کیم جونگ اون نگاه کرده ایم، و
سخت تلاش کرده ایم که به جنبه دیگر آن نگاه نکنیم. او آماده است تا به منظور توسعه
اقتصادی، سلاح های هسته ای را کنار بگذارد.»

«چئونگ سئونگ چانگ» یکی از کارشناسان ارشد کره شمالی در موسسه «سجونگ» یک
موسسه تحقیقاتی در کره جنوبی می گوید که بیانیه کیم، «انتظارات مردم اش را برای بهبود

اقتصادی» را برآورده خواهد کرد.

اما کره شمالی از مدت ها پیش گفته است که تسلیحات هسته ای جای چانه زنی ندارد و کیم خود آنها را «یک شمشیر محسوس عدالت» و یک «بازدارنده قدرتمند» نامیده بود که به طور جدی از «حقوق مردم» محافظت می کند.

«لی سونگ یون» کارشناس کره ای در دانشکده حقوق و دیپلماسی «فلچر» دانشگاه «تافتس»، تصمیم کیم را فقط بازنویسی یک تاکتیک کره ای قدیمی می داند - تلاش برای جلب نظر دشمنان با ژست های چشمگیر در تلاش برای کسب امتیازات بدون هیچ قصدی برای کنار گذاشتن سلاح های هسته ای.

او می گوید: «تاریخ بار دیگر تکرار می شود.»

مقامات آمریکا می گویند که در مذاکرات پیشین در مورد خلع سلاح هسته ای کره شمالی نیز به بازی گرفته شده اند. توافق سال ۱۹۹۴ در نهایت شکست خورد؛ زمانی که آمریکا کره شمالی را به غنی سازی مخفیانه اورانیوم متهم کرد. توافق دیگر در سال ۲۰۰۵ نیز با توجه به اختلاف نظرها در مورد چگونگی تایید توقف برنامه هسته ای شکست خورد. در سال ۲۰۱۲ کره شمالی موشک دوربرد پرتاب کرد.

فقط یک گام

تصمیم کیم برای تبدیل اقتصاد به اولویت کشور و تعلیق آزمایش های هسته ای، به اتفاق آرا در نشست حزب کارگران در روز جمعه به تصویب رسید. او همچنین قول داد که از سلاح های هسته ای استفاده نکند؛ مگر اینکه با تهدید هسته ای مواجه شود.

واشنگتن، سئول، پکن و توکیو از این اقدام استقبال کردند، گرچه آنها هشدار دادند که تعلیق آزمایش ها تنها یک گام به سوی خلع سلاح هسته ای است. در این اعلامیه مراحل بعدی کار ذکر نشده است.

کیم قول داد که «یک محیط بین المللی مطلوب برای ایجاد ساختار اقتصادی سوسیالیستی» ایجاد کند. تحلیلگران می گویند که او از این کار برای پوشش سیاسی مذاکره در مورد کاهش زرادخانه های خود استفاده خواهد کرد.

«آدام مونت» یکی از همکاران ارشد فدراسیون دانشمندان آمریکایی مستقر در واشنگتن می گوید: «این اعلامیه بیشتر به یک پیشنهاد کنترل تسلیحات از سوی یک کشور هسته ای می ماند تا یک رژیم منزوی که به آن خلع سلاح تحمیل شده است. این یک بیانیه دقیق محسوب می شود. این یک چرخه جزئی برای برنامه های هسته ای و موشکی کره شمالی را محسوب می شود، اما نه خلع سلاح. حتی تحت این محدودیت ها، کره شمالی می تواند به طور قابل توجهی توانایی های خود را گسترش دهد.»

اما مونت می گوید تعلیق آزمایش ها بسیار مهم است، زیرا «طبق استانداردهای فنی و نظامی، کره شمالی یک زرادخانه پیشرفته هسته ای را تکمیل نکرده است.»

وی می افزاید: «این کار پیشرفت قابل ملاحظه ای برای متوقف کردن توسعه هسته ای آنها خواهد بود؛ در حالی که ما مذاکره می کنیم تا این برنامه را متوقف کنیم.»

در هفته های اخیر برخی از مقامات و تحلیل گران در کره جنوبی این گونه استدلال کرده اند که تغییرات بنیادین دیگری در دست اقدام است.

تحت سیاست بیونگجین، کیم برنامه های موشک بالستیک قاره پیما و هسته ای خود را توسعه داد

و اواخر سال گذشته اعلام کرد که بازدارندگی هسته ای خود را کامل کرده است. همزمان، او اصلاحات بازار محور را معرفی کرد و شکوفایی در پیونگ یانگ را آغاز کرد. او همچنین به امید جذب سرمایه گذاران خارجی، طرح هایی را برای افتتاح مناطق اقتصادی ویژه در کشورش اعلام کرد؛ رویایی که تنها در صورتی قابل تحقق است که تحریم های بین المللی علیه کره شمالی کاهش یابد. انگیزه های ناپایدار

در سال ۲۰۱۳ حزب حاکم سیاست بیونگجین را تصویب کرد و این استدلال را مطرح کرد که رشد اقتصادی تنها زمانی رخ می دهد که کشور امن باشد. کیم در کنگره حزب خود در سال ۲۰۱۶ گفت که بیونگجین یک گام موقتی و نه یک استراتژی دائمی است. انگیزه های قطعی او مشخص نیست. برخی از تحلیلگران می گویند کیم لازم دیده تحریم ها کاهش یابند.

تحلیلگران می گویند اگر کیم در مورد رشد اقتصادی جدی باشد، به کمک جهان نیاز دارد. آنها به مثالی که در دهه ۱۹۸۰ توسط «دنگ شیائوپینگ» مهم ترین رهبر چین در آن زمان ارائه شد، اشاره دارند که تعامل او با غرب برای شکوفایی کشورش اهمیت داشت. چئونگ می گوید: «اینکه کیم جونگ اون، «دنگ شیائوپینگ کره شمالی» می شود یا خیر، به جوامع بین المللی از جمله آمریکا و کره جنوبی بستگی دارد و اینکه آیا آنها می توانند ضمانت های امنیتی و فرصت های توسعه اقتصادی لازم را ارائه کنند تا این کشور به سمت عاری سازی تسلیحات هسته ای پیش برود یا خیر.»

جنایت مخوف و بی رحمانه یک مرد سعودی در مکه (ذبح کودکان خود)

۱۳۹۷-۰۲-۰۲ | ساعت ۱۹:۱۹



شفقنا-منابع امنیتی سعودی امروز (یکشنبه) اعلام کردند: یک شهروند عربستانی در مکه مکرمه در جنایتی بی رحمانه و هولناک سر ۳ دخترش را با چاقو برید. به گزارش سرویس ترجمه شفقنا به نقل از روسیا الیوم، این منابع به رسانه های سعودی گفتند: پلیس توانست فرد جنایت کار را دستگیر کند. روزنامه «سبق» عربستان در این باره نوشت: در این جنایت یک شهروند سعودی ۳ دختر ۳، ۵ و ۶ ساله اش را با یک چاقوی تیز سر برید. سرویس های امنیتی تحقیق در این حادثه را آغاز کرده اند و بررسی های اولیه نشان می دهد که فرد جانی تابعیت عربستانی دارد و دچار اختلالات روانی است. این منابع به سبق گفتند: مادر دخترانی که سربریده شدند، دچار فروپاشی عصبی شده و از طریق هلال احمر به بیمارستان ملک فیصل انتقال داده شد و حال وی پایدار است. منابع دیگری در گفتگو با این روزنامه عنوان کردند که مادر دختران در پی فریادهای کودکان خود از خواب بیدار شد در حالی که مرد بالای سی ساله به اتاق دخترانش وارد شد و سر آنها را یکی پس از دیگری برید. براساس این گزارش مادر دختران توانسته بود از دست پدر فرار و از عابران پیاده درخواست کمک کند که در نهایت یکی از همسایگان از موضوع باخبر می شود و به نیروهای امنیتی اطلاع می دهد و نیروهای امنیتی نیز این فرد را دستگیر می کنند. به گفته منابع مذکور، پدر این دختران پس از ذبح آنها هیچ اثری از پشیمانی در وی دیده نمی شد

و در حالی که لباسش با خون آغشته شده بود از اتاق خارج شده است.

تفاصيل اللحظات الأخيرة.. هكذا تصرف الأب بعد نحر بناته الثلاث في مكة "صور"

روى شاهد عيان يدعى سلطان القرشي، وهو أحد جيران الوالد الذي ذبح بناته الثلاث بسكين في حي الملاوي في مكة، تفاصيل جديدة بشأن الواقعة الصادمة.

وقال القرشي إنه حين حضر إلى موقع الجريمة، كان أحد الجيران يمسك بالجاني، ولم يكن قد رأى شيئاً، وعند سؤاله للأب، أجابه: "ما في شي، تفضل شوف البيت بيتك".

وأضاف لقناة الإخبارية أن الأم كانت في حالة هستيرية وتردد: "بناتي بناتي"، الأمر الذي دعاه لدخول المنزل لرؤية ما حدث فيه برفقة أحد الجيران الآخرين من الجنسية النيجيرية، فشهد 3 بنات منحورات.

ووصف القرشي تصرفات الأب الجاني، قائلاً إنه كان يجلس بكل برود، ويردد أنه لم يفعل شيئاً، ويشرب من قارورة ماء اشتراها من البقالة بعد ارتكاب الجريمة، وكأن شيئاً لم يحدث.

وأتى القرشي أن الجيران تجمعوا حول القاتل الذي كان يجلس هادئاً، لمنعه من أي تصرف عدائي آخر، لحين وصول الجهات المختصة.

وقال يزيد العصيمي، مبلغ عن الجريمة الشنيعة: إن أحداثها وقعت حوالي الساعة الحادية عشرة من صباح اليوم بعد سماعه صرخات والدتهم المكلومة من داخل المنزل، ثم نزل الجاني -38 عاماً- بعد فعلته الشنيعة إلى الشارع ولم تظهر عليه آثار ارتكاب جريمته وجلس أمام البقالة.

وأضاف: وعند حضوري لسؤاله عن سبب صراخ زوجته؛ أفاد بأنه لا يوجد شيء مريب، وبعد لحظات خرجت زوجته وهي في حالة هستيرية وتصرخ: بناتي بناتي! وبعد ذلك اتجه إلى البقالة وطلب ماء وجلس على عتباتها وهو لا يبالي؛ ما جعلني أكرر عليه السؤال: هل قتلت بناتك؟ ورد بكل ثقة: حياكم الله إلى المنزل. عندها حضر شاهد العيان سلطان القرشي ومعه أحد الجيران -مقيم من الجنسية الأفريقية- وصعدنا لمنزل الجاني.

وتابع: ودخلت وشاهدت البنات الثلاث غارقات بدمائهن في منظر بشع، عندها تأكدنا بحدوث الجريمة ثم أمسكنا بالجاني، ثم قدم يزيد العصيمي بلاغاً لمركز العمليات الأمنية الموحد 911 بمنطقة مكة المكرمة وانتظرنا حتى وصول الدوريات الأمنية وتم ضبط الجاني واستلام الموقع والتحفظ على أداة الجريمة، ومباشرة الجهات ذات الاختصاص.

وأفاد "القرشي" بأن الجاني يسكن حي الروضة منذ خمس سنوات، وهو يعمل بإحدى الحراسات الأمنية، وليس كثير الاختلاط مع الجيران، وهو متزوج من مقيمة من الجنسية النيجيرية وليس له غير بناته التي نحرهن.

تواصلت "سيدتي" مباشرة مع عدد من شهود العيان حول جريمة قاتل بناته الثلاثة في مكة بحي الملاوي صباح الأحد، وسألته عن ملابس الواقعة واستفسرت عن أخلاق الجاني وسلوكه مع جيرانه وأصدقائه في الحي. ذكر جار القاتل فراس هودلي أن القاتل يعمل في شركة حراسات أمنية و كان حسن السلوك والسيرة - على حد وصفه- وأنه كان يرتاد المسجد. أبدى استغرابه من هذه الواقعة، وأنه علم بها عن طريق مجموعات الواتس آب والتي تداولها أبناء الحي.

أما صديقه في الحي محمد القرشي والذي كان مع القاتل قبل يومين في بقالة الحي لشراء بعض الحلويات لبناته، رجح أن السبب وراء القتل هو خلاف عائلي حيث سمع أصوات مشاجرات بينه وبينه زوجته التي خرجت من المنزل إلى الشارع وهي تصرخ وهو يلحق بها.. مرجحاً أنه قتل بناته ثم هربت زوجته وطاردها في الشارع. أما عامل البقالة في الحي والتي كان يرتادها الجاني عبدالجليل ذكر أن الجاني كان يأتي بصحبة بناته شهرياً لشراء الحلويات لهن، إلا أنه كان مديون للبقالة بمبالغ مالية متعددة. خاص لسيدتي:

صرح مصدر مسؤول لسيدتي من مستشفى الملك فيصل في مكة أن الأم وضعها مستقر، وأنه بعد وصولها للمستشفى وعلاجها علمت بوفاة بناتها الثلاثة واللاتي تم نحرهن من قبل والدهن بعد أن اختلى بهن في غرفة في المنزل بدون والدتهن، وأنه هو من اتصل بالشرطة.

وحسب تشخيص الأطباء فلقد تم نحر البنات الثلاث بسكين حادة ولم يتم فصل الرأس،

شاهد.. فيديو لأب سعودي يثير الذعر بين رواد مواقع التواصل والأمن يتبعه!!



فيديو مؤلم لأب سعودي يعذب طفله الرضيعه و يكتم أنفاسها!



فيديو | أب سعودي يعذب بناته بطريقة مروعة! ... شاهد

بالفيديو ؛ أب سعودي ذبح ابنه ويتوعد ابنته بنحرها!

سخنگوی شورای شهر اصفهان: نگرانی از تأمین آب شرب ۵ میلیون نفر/ تمام چاه‌های شهرداری اصفهان خشک شده است

چکیده: مسئله آب اصفهان به یک عزم ملی نیازمند است که اگر به آن توجه نشود تبعات زیادی دارد. برای مردم اصفهان فقط مقداری فضای سبز مانده که اگر همین هم مثل زاینده رود از آنان گرفته شود، عملاً امید به زندگی از بین می‌رود.

مهدی مقدری سخنگوی شورای شهر اصفهان در گفت‌وگو با اعتمادآنلاین درباره وضعیت آب اصفهان اظهار کرد: سد زاینده رود خیلی آبی ندارد که بخواهد در مصارف غیر شرب استفاده شود و پیش‌بینی می‌شود که این حجم آب موجود نهایتاً در خردادماه، آب شرب مردم اصفهان را تأمین کند. مقدری درباره تأمین آب برای فضای سبز اصفهان گفت: ما برای تأمین آب فضای سبز مشکل داریم، هرچند یک برنامه‌ریزی‌هایی هست که از تصفیه پساب فاضلاب استفاده شود و از همین طریق آبیاری‌هایی صورت می‌گیرد ولی برای همه فضای سبز اصفهان بخصوص مناطقی که درختان کهن‌سال وجود دارد، این آب هم کافی نیست چون در این مناطق درختان کهن‌سال ریشه‌های در عمق ۴۰ متری زمین دارند و این نیازمند آبیاری به شیوه غرقابی است.

سخنگوی شورای شهر اصفهان تأکید کرد: مسئله آب اصفهان به یک عزم ملی نیازمند است که اگر به آن توجه نشود تبعات زیادی دارد. برای مردم اصفهان فقط مقداری فضای سبز مانده که اگر همین هم مثل زاینده رود از آنان گرفته شود، عملاً امید به زندگی از بین می‌رود.

مقدری افزود: برای این حجم باقی‌مانده در سد، غیر از شرب نمی‌توانیم فکر کنیم. بر اساس گزارش‌ها الآن اصلاً مسئله کشاورزی، صنعت و یا فضای سبز مطرح نیست، بلکه نگرانی اصلی تأمین آب شرب مردم اصفهان است و غیرازاین نمی‌توان فکر کرد و فعلاً این حجم نهایتاً تا خردادماه تأمین‌کننده آب شرب مردم است چه‌بسا در اردیبهشت‌ماه هم دچار مشکل شود.

این مقام محلی درباره شیوه تأمین آب کارخانه‌های اصفهان اظهار کرد: کارخانه‌ها هم از پساب شهرهای اطراف خود مثل مبارکه استفاده می‌کنند. وقتی آب نباشد یا باید مثل کشاورزی تعطیل شوند یا چاره‌ای ندارند که آب خریداری کنند تا چرخ صنعت بچرخد. این در حالی است که وقتی کاهش مصرف آب باشد، میزان پساب هم کاهش پیدا می‌کند.

مقدری تصریح کرد: همه این موارد به بحرانی برای اصفهان تبدیل‌شده است ولی متأسفانه مقامات دولت بحث انتقال آب را در اصفهان جدی نگرفته‌اند و امسال به بحرانی‌ترین شکل ممکن خود را نشان می‌دهد به شکلی که قابل‌تصور نیست و در ماه‌های آینده این بحران نتیجه خود را نشان می‌دهد.

سخنگوی شورای شهر اصفهان درباره همکاری استان‌های بالادستی اصفهان در موضوع آب گفت: الآن مسئله اساسی که کارشناسان می‌گویند این است که بزرگ‌ترین معضل به‌غیر از طرح انتقال آب که به جریان نیفتد، برداشت‌های غیرمجاز در بالادست زاینده‌رود است که باعث شده ورودی به سد را کاهش دهد. موقعی می‌توانستند برداشت‌هایی داشته باشند که پروژه انتقال آب عملی می‌شد ولی الآن که تونل سوم کوه‌رنگ احداث نشده، این برداشت‌ها باعث شده که میزان آب ورودی به سد کاهش پیدا کند.

مقدری درباره رایزنی با دیگر استان‌ها گفت: این مسئله با گفت‌وگو حل می‌شود ولی الآن به‌قدری جدی است که به‌غیر از ورود حاکمیت و نهادهای بالادستی دولتی از این فضای تعاملی نمی‌توانیم استفاده کنیم. شورای شهرها لزوماً تصمیم‌گیرنده نیستند. مسئله ملی است و روسای قوا باید ورود کنند. ۵ میلیون انسان نه برای کشاورزی و صنعت بلکه برای شرب خود با بحران آب مواجه هستند.

سخنگوی شورای شهر اصفهان تأکید کرد: من سعی می‌کنم نگرانی را منتقل نکنم ولی آمارها را ببینید. تمام چاه‌های شهرداری اصفهان خشک‌شده است و روزبه‌روز سطح آب پایین‌تر می‌رود و به‌تبع کیفیت آب هم کمتر می‌شود.

او همچنین اعلام کرد: در بخش‌هایی از شهر اصفهان تاکنون چند بار قطعی آب و یا افت فشار گزارش‌شده ولی هنوز جیره‌بندی اعلام‌نشده است.

روایت رئیس انجمن کلیمیان از وضعیت اقلیت
های ایران؛ هیچ محدودیتی در انجام فرائضمان
نداریم/ اسرائیل از یهودیت سوء استفاده می
کند/ صهیونیزم همان داعش یهودی هاست



شفقتا-مصطفی صالحی؛ رئیس انجمن کلیمیان تهران می گوید: از زمان حضور حجت الاسلام
والمسلمین دکتر روحانی در جایگاه ریاست جمهوری، نگاهشان نسبت به اقلیت ها و اقوام، نگاه
فرهنگی شده است و همین مسئله، تعامل بین اقلیت های مذهبی و دولت را بیشتر کرده است.
دکتر همایون سامه یح می گوید: انتخاب حجت الاسلام یونسی به عنوان دستیار ویژه ای که
کارش فقط رسیدگی به اقلیت ها و اقوام باشد کار بسیار عاقلانه و عالیای بود.
او می گوید: اول انقلاب مشکلاتی برای جامعه ما بود مثلاً رئیس انجمن کلیمیان تهران، آقای
القانیان اعدام شد. در صورتی که اگر الآن بود، بعید می دانم چنین حکمی برای ایشان صادر می
شد. اما هرچه زمان گذشته است، وضعیت بهتر شده.
او معتقد است: در همه قشری کلاهدرداری هست ولی کلیمی ها سعی می کنند کلاهدرداری نکنند
و اگر درصدی حساب کنیم بین آنها کلاهدرداری خیلی کمتر است و سعی کرده اند خوش حساب
باشند.

مشروح گفت و گوی شفقنا با رئیس انجمن کلیمیان را می خوانید:

به عنوان مقدمه، لطفا توضیحاتی در مورد خودتان و انجمن بر ایمان داشته باشید.

من سامه یح هستم؛ رئیس انجمن کلیمیان تهران. شغل اصلی‌ام داروسازی است. بنده و یازده نفر دیگر به عنوان هیئت مدیره در اینجا مشغول هستیم. سه بازرس داریم و حقوقی هم دریافت نمی‌کنیم. وظیفه اصلی ما در اینجا مسائل مذهبی و خیریه جامعه خودمان است. کار عمده مان فرهنگی، خیریه و مذهبی است. وظیفه انجمن ما دخالت در امور سیاسی نیست. وظیفه سیاسی به عهده نماینده مجلس ماست؛ ولی در امور اجتماعی انجمن مختار است که هرکاری انجام دهد.

وضعیت کلی یهودیان ایران به چه صورت است و درباره پراکندگی‌شان در شهرهای مختلف توضیح بفرمایید.

در حال حاضر جمعیت ما در حدود پانزده هزار نفر است. بیشترین جمعیت در تهران است؛ بعد شیراز و اصفهان بعد کرمانشاه. در کرمان، رفسنجان و همدان هم یهودی داریم، ولی تعدادشان کم است.

جمعیت کل یهودیان دنیا چقدر است؟

دقیق نمی‌دانم. حدود سی میلیون نفر احتمالاً.

وضعیت جمعیت یهودیان ایران چگونه است، شنیده ایم مهاجرت هایی صورت گرفته؟

وضعیت اقتصادی ایران متأسفانه وضعیت خوبی نیست. نه فقط جمعیت زیادی از یهودیان مهاجرت کرده‌اند، مسلمان‌ها هم مهاجرت زیادی داشته‌اند. در دوران جنگ و بعد هم مشکلات اقتصادی و غیره، فشار آورد و طبیعی است که عده‌ای دوست دارند در جای دیگری زندگی کنند. آزادی‌ای که ایران به ما داد باعث شد که عده‌ای از ما مهاجرت کنند. بیشتر مهاجرت سمت آمریکا است. اول انقلاب به‌طرف اسرائیل هم مهاجرت بود که البته ادامه دار نبود و الآن جمعیت قابل توجهی از ایرانی‌ها در آمریکا زندگی می‌کنند.

درباره کنیسه‌هایی که در تهران و شهرهای دیگر دارید توضیح بفرمایید. چند کنیسه دارید و چه ا عمال مذهبی‌ای در آن انجام می‌شود؟

در تهران ۲۶ کنیسه داریم که ۱۳ تا از آنها فعال است و به دو دلیل بقیه‌اش تعطیل شده: مهاجرت کلیمی‌ها به‌طرف خارج کشور و دیگری مهاجرت از قسمت‌های جنوبی شهر به‌طرف مرکز و شمال شهر. می‌دانید که تقریباً خیلی از اعمال مذهبی ما با اسلام مشابه است. ما نماز سه‌گانه و روزه داریم. در روز سه بار باید نماز بخوانیم به جز نمازی که هنگام خواب و در خانه باید بخوانیم که با آن چهارتا می‌شود. نماز صبح و ظهر و شب و عصر که باید خوانده شود. در کنیسه‌های ما این نمازها به صورت جماعت خوانده می‌شود، فرادا هم می‌شود خواند. در کنیسه‌هایی که مرکزیت دارند این نمازها به صورت جماعت خوانده می‌شود مثلاً در کنیسه‌هایی که در قسمت یوسف آباد یا ابریشمی یا طرف جمهوری وجود دارد. چند کنیسه هست که صبح و ظهر و عصر باز است برای نماز جماعت. بعضی کنیسه‌ها نه. چون جمعیت کمتر است چون ما باید حتماً ده نفر باشیم که بتوانیم نماز جماعت بخوانیم این کنیسه‌ها بیشتر روزها و شبهای شنبه باز است و مردم مراجعه می‌کنند و نماز می‌خوانند.

روز شنبه بر ایمان مقدس است؛ شنبه نباید کارکنیم و شنبه‌هایمان تعطیل است. دوره آقای روحانی بعد از سی‌وپنج شش سال موفق شدیم که شنبه‌های مدارسمان را تعطیل کنیم. از اول انقلاب تا آن موقع شنبه‌ها تعطیل نبود ولی آقای روحانی مساعدتی داشتند و موفق شدیم شنبه‌ها را تعطیل کنیم

و در عوض مدارسمان پنجشنبه‌ها که مدارس عادی تعطیل است، باز هستند.

بجز مدارس، مراکز دیگری هم دارید که شنبه‌ها تعطیل باشند؟

بیشتر یهودی‌های ایران بنابه دلایلی شغل آزاد دارند. تمام افرادی که شغل آزاد دارند مراکز خودشان را می‌بندند تا غروب آفتاب. تابستان‌ها تا شب باز نمی‌شود.

نمازهای سه‌گانه شما هم مانند اسلام حالت وجوبی دارد؟ شکل نمازهایتان چطور است؟

بله واجب است. نمازهای ما طولانی‌تر از نماز مسلمان‌ها است. نماز جماعت صبح روزهای معمولی سه ربع تا یک ساعت طول می‌کشد. روزهای دوشنبه، پنجشنبه و شنبه به حداقل به دو ساعت و دو ساعت و نیم افزایش پیدا می‌کند.

گفتید بعد از انتخاب دستیار ویژه رئیس‌جمهور در مورد اقلیت‌ها، به نظرتان پیشرفت

های قابل ملاحظه‌ای دربار سایر ادیان انجام شده است، لطفا توضیح دهید؟

بله. حتی تعطیلی شنبه‌های ما هم به دلیل فعالیت‌های آقای یونسی بود. خیلی از مشکلات ما را هم ایشان حل کردند. همکاری خیلی خوبی با جامعه ما داشتند و ما همیشه از ایشان ممنونیم. انتخاب ایشان و انتخاب دستیار ویژه‌ای که کارش فقط رسیدگی به اقلیت‌ها و اقوام باشد کار بسیار عاقلانه و عالی بود.

دوره‌های قبل از آقای روحانی مشکلاتی در جامعه ما وجود داشت که ما ترجیح می‌دهیم آنها را با دولتی‌ها در میان بگذاریم. مشکلات پیچیده بود ولی از زمان حضور آقای روحانی نگاهشان نسبت به اقلیت‌ها و اقوام نگاه فرهنگی شده است و همین نگاه فرهنگی، تعامل بین اقلیتهای مذهبی و دولت را بیشتر کرد. قبلاً هم این تعامل وجود داشت ولی از زمان آقای روحانی این تعامل خیلی بهتر شد. مشکلاتی که وجود داشت به راحتی می‌توانست حل بشود و بنابه دلایل مختلف حل نمی‌شد ولی چیزی که از دست رئیس‌جمهور و دستیارش و دولت برمی‌آمد کمک کردند و خیلی از مشکلات ما حل شد.

یهودیان ایران از چندین سال پیش در اینجا ساکن بوده‌اند؟

سکونت اصلی جامعه یهودی در ایران به دوران کوروش بزرگ برمی‌گردد، اما قبل از آن یعنی دویست سال قبل هم یک گروه از یهودیان توسط آشوری‌ها اسیر گرفته می‌شوند و به منطقه گیلارد یا دماوند کوچ داده می‌شوند و آنجا زندگی می‌کردند و تعدادشان حدود هزار نفر بوده است. اما در زمان کوروش بابل به بیت المقدس حمله می‌کند و مردم را قتل عام و بیت المقدس را خراب می‌کنند. تعداد بسیاری از این افراد یهودیان بیت المقدس به عنوان اسیر گرفته می‌شوند و آنها را به بغداد فعلی یا بابل می‌برند. کورش حمله می‌کند بابل را می‌گیرد و تمام اسرا را آزاد می‌کند و منشور معروف خودش را به خاطر همین مسئله می‌نویسد؛ منشور حقوق بشری که الآن در سازمان ملل متحد هم هست. از زمان کوروش مردم را آزاد می‌گذارد و می‌گوید هرکسی که می‌خواهد بیاید در کشور من زندگی کند، هر کسی هم که می‌خواهد برگردد به بیت المقدس. عده‌ای برمی‌گردند و عده‌ای هم در ایران ماندگار می‌شوند. از همان زمان بود که در ایران، عراق و حاشیه خلیج فارس، عربستان، یمن و خیلی از کشورهای عربی پخش می‌شوند و به زندگی خودشان ادامه می‌دهند؛ فراز و نشیب‌های زیادی هم داشته‌اند. زمانی بوده که جمعیت ایران فعلی یعنی با مساحت الآن حدود ششصد هزار نفر یهودی در ایران زندگی می‌کرده‌اند و کمابیش به زندگی خود تاکنون ادامه داده‌اند.

سخت‌ترین دوره زندگی برای یهودی‌ها در این برهه سه هزار ساله چه دورانی بوده است؟

نمی توانم دقیق بگویم. در دوران هخامنشی، در زمان اردشیر دوم مشکلاتی برای جامعه یهودی پیش آمد. قبل از اسلام مشکلاتی بود، بعد از اسلام هم همینطور بوده است. در حدود صد سال اخیر وضعیت جامعه یهودی ایران خیلی بهتر از قبل شده است.

بعد از ورود اسلام وضعیت یهودیان چه تغییری داشته است؟

دوره قبل از اسلام وضعیت، مرتب تغییر میکرد و جریان سینوسی بود. پادشاهی می آمده مثبت فکر میکرد پادشاه بعدی منفی فکر میکرد. این جریان مرتب فراز و نشیب داشته. در دوران صفوی دستور داده بودند که موقع باران، اقلیتهای مذهبی اجازه خروج از خانه هایشان را ندارند. چون خیس می شوند و نجس می کنند و یا وصله ای که هیتلر دستور داده بود یهودی ها به لباسشان بزنند تا مشخص باشند از دیگران. همین وصله را در ایران هم داشته ایم که به آن می گفتند وصله جودی. وصله ای باید به لباسش بچسباند که بگوید من یهودی ام. چنین مسائلی بوده و نمیتوان گفت در دوران اسلام بهتر یا بدتر بوده. زمانی بوده که در غرب کشور در قسمت همدان و ملایر و یک قسمت از شمال شرقی کشور، مشهد و خراسان جامعه یهودی را اجبار می کنند که یا مسلمان شوید یا کشته شوید. عده ای از ترس جان مسلمان شدند و بعد که فضا باز شد به یهودیت برگشتند. نمی توان گفت چه زمانی در چه برهه ای بهتر یا بدتر بوده است.

ایام جنگ جهانی و فضایی که هیتلر علیه یهودیت درست کرده بود در ایران وضع یهودی ها چه طور بود؟

خیلی عالی بوده است. یک گروه از یهودی های لهستان به عنوان اسیری گرفته می شوند و به سبیری می روند. وقتی آزاد می شوند ایران می آیند. آن زمان اروپا و لهستان فضای امنی برای آنها نبوده است. آنها در ایران زندگی می کردند. کنیسیایی از لهستانی ها باقی مانده ما در بهشتی همان - آنجایی که فوتی ها را دفن می کنیم - قبرهایی است که از لهستانیها باقی مانده است. ایران در آن زمان مکان امنی برای اقلیت های مذهبی خصوصاً جامعه یهودی بوده است.

جامعه کلیمیان بعد از انقلاب در کدام دوره ها با چه چالش هایی روبرو بوده و در کدام دوره ها درک بهتری از وضعیتی یهودیها وجود داشته است؟

طبیعتاً در هر انقلابی به هم ریختگی و تدرروی در میان انقلابیون وجود دارد. نه فقط انقلاب ایران که انقلاب شوروی و فرانسه هم همینطور بوده. خیلی اعدام ها پیش می آمد و فضای بدبینی و مسئولینی که سرکار می آمدند، تجربه کافی برای این مسائل نداشتند. اول انقلاب مشکلات برای جامعه ما بود و اعدام هایی بود. مثلاً رئیس انجمن کلیمیان تهران، آقای القانیان اعدام شد. در صورتی که اگر الآن بود، بعید می دانم چنین حکمی برای ایشان صادر می شد. اما هرچه گذشت وضعیت بهتر شد. برهه هایی بود که بدون هیچ مدرکی یا علتی که برای ما معلوم باشد چند نفر از جامعه ما را می گرفتند به عنوان جاسوس و حکم اعدام میدادند مثلاً در دروان جنگ. این حکمها خدا را شکر باطل شد و اعدام نشدند و آزاد شدند ولی سختیهایی برای جامعه ما درست کرد. این روند همیشه به طرف بهبود است. الآن نسبت به دوره شاه، نظر جامعه، نسبت به جامعه اقلیت های مذهبی مثبت شده و خیلی راحتتر می توانیم زندگی کنیم. مردم هم بهتر می توانند ما را بپذیرند. مشکلات ما هم در جامعه کمتر شده است.

همیشه خوشنامی یهودی به عنوان آدمهایی خوش حساب در جامعه چه قبل از انقلاب چه بعد از انقلاب بوده. یکی از موارد مثبت جامعه این است که به خوش حسابی در کار و کسب مشهور هستیم. مردم در کسب و کار به محض اینکه بفهمند طرفشان کلیمی است خیلی راحت معامله

می‌کنند. چک‌های ما را بهتر از بقیه قبول می‌کنند ولی در باره پذیرش جامعه یهودی در ایران به جرات می‌گویم نسبت به قبل خیلی بهتر شده.

ریشه پیشرفت های اقتصادی و این خوش حسابی که می‌فرمایید چه چیزی است؟

ما جامعه کوچکی هستیم. در همه جای دنیا اینطور است که هر به هم ریختگی ای که ایجاد شود، معمولاً بعضاً دولتمردها دوست دارند که این مسئله را به گردن قشر کوچکی از جامعه بیندازند و از سر خودشان باز کنند. به همین دلیل ما سعی کرده ایم هیچ بهانه ای به دست هیچکس ندهیم. در همه قشری کلاهبرداری هست ولی ما سعی می‌کنیم کلاهبرداری نکنیم و اگر درصدی حساب کنیم بین ما کلاهبرداری خیلی کمتر است و سعی کردیم خوش حساب باشیم. این دیگر رسم و قانون شده در میان ما. مزیت‌هایی برایمان ایجاد کرده و ما نمی‌خواهیم آن را خراب کنیم.

درباره انجمن کلیمیان و اهدافش و تاریخش و کارهای عام المنفعه آن توضیح بفرمایید.

انجمن کلیمیان تهران از سال ۱۳۰۲ به صورت رسمی شروع به کار کرد. شماره ثبت انجمن ۶ است یعنی ششمین شرکت رسمی ایران بوده. قبل از آن هم انجمن‌هایی داشته ایم که اسامی مختلف داشته‌اند. شورای ریش سفیدها داشته ایم که کارهای جامعه را انجام می‌داده‌اند. بعد از سال ۱۳۰۶ ما رسمی شدیم. یکی از مسائلی که مردم هم خیلی درگیرانش نیستند این است که در جامعه ما نیز افراد کم بضاعت، کم نیستند. برخلاف چیزی که مردم درباره ما فکر می‌کنند که ما خیلی متمول هستیم. البته افراد متمول داشته ایم که مهاجرت کرده‌اند. مقداری از جامعه ما متوسط و روبه بالای جامعه هستند. عده‌ای از جامعه ما هم افراد فقیری هستند. خیلی فقیر. انجمن کلیمیان یکی از وظایفش حمایت از این قشر ضعیف است. کمک‌های جهیزیه، کمک تحصیلی چه در دانشگاه و مدرسه؛ خیلی از سرویس مدارسشان رایگان می‌شود. کمک‌های مالی، کمک‌های غذایی. ما چند زیرمجموعه داریم که کار آنها را راه می‌اندازند. جامعه ما خوب کمک می‌کنند. وقتی از آنها کمک می‌خواهیم خوب کمک می‌کنند. برای مثال چندوقت پیش یک پسر شانزده ساله یهودی متأسفانه با موتور به یک پیرمرد می‌زند و آن بنده خدا هم فوت می‌کند. آن پسر نوجوان از لحاظ مالی ضعیف بود. جامعه ما کمک کردند و دیه پیرمرد را پرداخت کردند. ضمناً ما به جامعه مسلمان هم کمک‌هایی می‌کنیم. اصلاً نهادهای خیریه ای داریم که ۹۹ درصد خدماتشان به جامعه مسلمان است. ما بنیاد شروین روبنزاده داریم که جدا از انجمن کلیمیان است. خیریه است ۹۹ درصد زیرمجموعه اش مسلمانها هستند؛ یا بیمارستان سپیر ما که در خیابان شهید مصطفی خمینی است، یک بیمارستان خیریه است که ۹۹ درصد پرسنل و مراجعانش مسلمان هستند.

درباره مدارس استان برای ما توضیح دهید. برای بچه‌ها مدارس مخصوصی دارید و آیا با مدارس عمومی کشور متفاوت است؟

بله مدارس ما متفاوت است. ما دو مدرسه دخترانه داریم در مقطع دبستان و راهنمایی و یکی در مقطع دبستان، راهنمایی و دبیرستان است. سه مدرسه پسرانه داریم یکی در مقطع دبستان و راهنمایی، یکی در مقطع دبستان و یکی هم در مقطع راهنمایی و دبیرستان. دو تا از این مدارس دولتی هستند. مدارس دخترانه هم دولتی هستند یکی از مدارس پسرانه مان غیرانتفاعی است. تمام مدارس سطح کشور کلیمیان به دلیل نداشتن دانش آموز تعطیل شده ولی در تهران پنج تا مدرسه باقی مانده است. قبلاً خیلی بیشتر بود ولی الآن پنج تا باز است. آموزش و پرورش هم

کمک میکند. در بعضی کلاس ها سه تا پنج تا شاگرد هست ولی آموزش و پرورش با این وجود تا جایی که در توانش هست معلم ما را تامین میکند. حقوق یک سری از پرسنل را انجمن کلیمیان پرداخت میکند و البته دولت دارد کمک خیلی خوبی میکند. مشکلی برای اداره مدارسمان نداریم با آموزش و پرورش از اول انقلاب تا حالا تعامل خیلی خوبی داشته و داریم. البته ما هم در مقابل به آموزش و پرورش کمک میکنیم. مثلاً چندتا از مدارس ما که تعطیل شده اند و دانش آموزی نداشته اند را در اختیار آموزش و پرورش گذاشته ایم. دبستانی که مثلاً حدود چهارصد تا پانصد دانش آموز دارد، ما با مبلغ یک تا دو میلیون تومان به آموزش و پرورش اجاره داده ایم. لذا دولت به ما کمک می کند و ما هم در توان خودمان، کمک و جبران میکنیم.

در مدارس به زبان عبری صحبت می کنید؟

خیر. ما به خاطر قدمتی که در ایران داریم، زبان محاوره مان فارسی است. در مدارس و خانه هایمان هم فارسی صحبت میکنیم ولی نمازمان به زبان عبری است. دقیقاً مثل مسلمان های ایرانی.

از آزادی رسانه ای هم برخوردارید؟

بله ولی منظم نیست. یک فصلنامه داریم که در آن مقالات در حوزه های مختلف را از هر سه چهار ماه چاپ می کنیم؛ اجتماعی، پزشکی، روانشناسی و تاریخی است. بیشتر مقالات مرتبط می شود به نحوی به یهودیت. سایت هم هست. کانال خودمان هم هست که برای اطلاع رسانی جامعه خودمان است.

آیا از لحاظ مذهبی محدودیتی برای انجام مراسمات دارید؟

نه. خیلی راحت هستیم و هیچ محدودیتی در انجام فرائضمان نداریم. ما در کنیسه هایمان نه تنها نماز می خوانیم بلکه خیلی از کلاس های تدریس سطح بالای علوم دینیمان هم در کنیسه هایمان برگزار می شود و هیچ مشکلی نداریم.

دیدگاه شما نسبت به مسئله هولوکاست چیست؟

ما قبلاً گفته ایم و امروز و فردا هم میگوییم که ما هولوکاست را قبول داریم. من مطمئنم که بسیاری از یهودیان در جنگ جهانی دوم کشته شدند. تعداد شاید کمی بالاتر یا پایین تر از شش میلیون نفر باشد ولی تعداد زیادی از یهودیهای اروپایی در دوران جنگ جهانی قتل عام شدند. مدارک آن هم اگر کسی بخواهد میتواند مستند ببیند. فیلم و مقاله وجود دارد کاملاً مستند است. خیلی از افراد جامعه ما در دوره آقای دکتر احمدی نژاد به خاطر اینکه به این مسئله اعتراض کردند، دچار مشکلاتی شدند ولی باز هم در دروان حجت الاسلام دکتر روحانی محدودیت هایشان رفع شد و مشکلات ما هم خیلی کمتر شد.

انحرافات صهیونیسم از یهود چیست ؟

من فقط یک مثال برای شما میزنم بقیه اش را خودتان بسنجید. مکه معظمه و شهرهای مقدس مسلمانان در عربستان قرار دارد. حکام عربستان ریاست این شهرها را به عهده گرفته اند و از آن طرف در یمن هم کشتار می کنند و در جاهای دیگر هم شیطننت میکنند و از داعش حمایت می کنند. اینطور نیست که ما بگوییم چون مرکز اسلام در عربستان است پس دین اسلام یعنی عربستان. داعش مسلمان بود، القاعده مسلمان بود. القاعده میگفت هرکس هفت تا ده تا شیعه را بکشد جایش در بهشت است. داعشی خودش را مسلمانترین آدم روی زمین میداند. کسی که بمب به خودش وصل می کند تا چند نفر را بکشد و به بهشت برود، اعتقاداتش خیلی زیاد است. اینها

منحرف شده اند و هیچکس نمی تواند بگوید کارهای که اینها می کنند به عهده همه مسلمانهاست؛ همان کاری که در اروپا و غرب انجام میدهند و بخاطر همین مسئله مسلمان هراسی انجام میکنند. همین مسئله درباره صهیونیسم هم صدق میکند. اسرائیل می گوید دین رسمی اش یهودیت است ولی دارد از یهودیت سواستفاده میکند. در اسرائیل ۹۰ درصد تا ۹۹ درصد جمعیت اسرائیل افراد غیرمذهبی هستند و دین را اصلا قبول ندارند بسیاری از کارهایی که ما در ایران انجام میدهم را آنها اصلا قبول ندارند. نمی شود بگوییم که چون آنها اسمشان یهودی است، پس یهودیت مساوی است با صهیونیسم؛ همانطور که نمیتوان گفت اسلام مساوی است با وهابیت. صهیونیسم یک حزب سیاسی است که دارد از یهودیت سوء استفاده می کند. صهیونیسم میگوید فلسطین مال ماست به هر قیمتی که باشد.

دین یهود درباره داشتن حکومت ادعایی دارد؟

از لحاظ مذهبی من نمی توانم در این باره نظری بدهم. چون آدم خیلی مذهبی ای نیستم. از لحاظ مذهبی یک فرد معمولی هستم و در این باره باید با مراجع دینیان صحبت کنید. ولی از لحاظ اجتماعی باید بگویم که جزو برنامه یهودیان است که در هر کشوری که زندگی می کنند در هر زمانی باید به حکام آن کشور احترام بگذارند و این جزو دین ماست و این کار در حال انجام است.

یهودیان به شاخه های مختلفی تقسیم میشوند؟

نه. ما اینطور نیستیم. ما در شرق سفارادی هستیم و در غرب اشکنازی؛ که فقط در روش نمازمان مقدرای اختلاف داریم، ولی بقیه چیزهایمان یکی است. اینطور نیست که مثلا ما اروپا برویم بگویند شما جزو ما نیستید میتوانیم به کنیسه هایشان برویم و نماز بخوانیم و ما را از خودشان میدانند. فقط مختصر تفاوتی در نوع نماز خواندنمان وجود دارد. هیچ شاخه شاخه ای نیستیم.

درباره بیمارستان سپیر توضیح دهید:

بله قبل از انقلاب حدود سی سال قبل از انقلاب، از یک درمانگاه کوچک شروع شد و کم کم بزرگ و تبدیل به بیمارستان شده است. موقع انقلاب هم بسیاری از کسانی که مجروح شدند و گارد شاه دنبالشان میکرده در این بیمارستان به صورت پنهانی درمان می شده اند. همان موقع هم خیریه بوده است. در آن زمان نزدیک بیمارستان یک محله یهودی نشینی بوده است به اسم محله عودلاجان. محله کلیمی ها بوده است. آنجا جمعیت زیادی از یهودی ها زندگی می کرده اند و آن بیمارستان را تاسیس کرده اند. از همان زمان هم مسلمان ها هم در آنجا به صورت خیریه درمان میشده اند. کم کم آن محله خالی می شود از یهودی ها ولی بیمارستان همانجا مانده است. با وجود اینکه ما توانایی این را داریم که بیمارستان را به نقاط بالای شهر و یهودی نشین منتقل کنیم ولی این کار را نکردیم؛ به خاطر کمک به جامعه نیازمند جنوب شهر.

دوستان کلیمی سربازی هم می روند؟

بله پسر خود من همین الان سرباز یک ماه خدمت است. در صفر یک خدمت می کند.

در دانشگاه محدودیت ندارید؟

نه خداروشکر محدودیت خاصی وجود ندارد.

در بحث استخدام چطور؟

بله مقداری مشکلات وجود دارد.

شما نامه ای به آقای اوباما نوشته بودید. آیا واقعا امیدوار بودید که وضعیت بین ایران و آمریکا در زمانی که این نامه را نوشتید، اصلاح شود؟ آیا همچنان امیدوارید؟

بله من نامه نوشتم و امیدوار بودم ولی الآن آمیدی ندارم. فعلا که حزب جمهوریخواه حاکم است و یک دیوانه به نام ترامپ آنجا نشسته و مشکلاتی ایجاد می کند.

درباره متن نامه تان توضیح دهید.

آن زمان نخست وزیر اسرائیل نتانیاهو در سازمان ملل سخنرانی ای کرده بود درباره وضعیت آزادی در جامعه ایرانی ها. گفت بود در ایران آزادی نیست مردم در اختناق کاملند و شلوار جین نمیتوانند بپوشند! حرفهای او مصادف شده بود با فرمایشاتی که رهبر انقلاب داشتند درباره نرمش قهرمانانه که در ایام مذاکرات هسته ای بود. همان زمان ما تجمعی با هماهنگی دولت انجام دادیم جلوی مقر سازمان ملل و بیانیه ای صادر کردیم و به مقامات سازمان ملل دادیم درباره حمایت جامعه کلیمیان از استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای. آن زمان نه تنها من، که بسیاری از مردم ایران به این مسئله امیدوار بودند. خوب هم پیش رفت ولی متأسفانه نمی دانم سیاست بود یا شانس و اتفاق که هیولایی به نام ترامپ وارد معرکه شد و الآن دارد بسیاری از مسایل را به هم میریزد.

سران دین شما در ایران ظاهرا تخصص هایی هم دارند؟

بله ما این مسئله را بد می دانیم که از دین معیشت کنیم. بزرگترین کسانی که در دوران گذشته معلّم دینی ما بوده اند، هیزم شکن، باربر و کفاش بوده اند. حتا خاخامهای بزرگ ما و کسانی که کتاب و رساله دارند، معیشتشان از طریق دین نبوده و دین را به عنون خیریه به مردم هدیه می کرده اند.

انتهای پیام

تصحیح و تدقیق زبان فارسی: "را" در جست و جوی "جا"

سلام بر همه فارسی زبان ها و فارسی دان های سراسر دنیا.

صحبت همچنان از زبان است، از زبان فارسی، که آن را در دوره ای دراز پیش از تعلم «کتاب» و «کاتب» و «مکتب»، آموخت

و لازم نبود بداند که لفظ «را» علامت «مفعول بیواسطه»، یا «مفعول صریح» (۱) است و همیشه، بلافاصله، بعد از این مفعول می آید، چه این مفعول یک کلمه باشد، مثل «هابیل» در جمله ساده «قابیل هابیل را کشت»،

چه یک جمله دراز اسمی باشد مثل «زور بازوی زن ها در موقع کشیدن کمان برای شکار آهو» در جمله «رئیس قبیله؛ زور بازوی زن ها در موقع کشیدن کمان برای شکار آهو را هیچ وقت ندیده بود».

و حالا که دوره «پسا مدرن رسانه ای» است (۲)، شخص تحصیل کرده «رسانه گر» که در موقع حرف زدن، زبان طبیعی او جای درست «را» در جمله ای شبیه جمله عصر «بیسوادی» را برایش پیدا می کند، در موقع نوشتن همان جمله، از زور «با سوادی» حواسش پرت می شود، و جای درست «را» را گم می کند و می گوید: «پیکارجویان طالبان توانایی نیروهای افغان را در پاسخ سریع دادن به حملات آنها دست کم گرفته بودند»، و فراموش می کند که در این جمله تمامی عبارت «توانایی نیروهای افغان در پاسخ سریع دادن به حملات آنها» مفعول بیواسطه است و «را» بلافاصله بعد از آن می آید.

این جمله، با وجود درازی، در ترکیب با جمله ساده «قابیل هابیل را کشت» هیچ فرقی ندارد. قابیل «فاعل»، هابیل «مفعول»، «را» علامت مفعول بیواسطه، کشت «فعل جمله». و حالا آن جمله دراز: پیکارجویان طالبان «فاعل»، توانایی نیروهای افغان در پاسخ سریع دادن به حملات آنها «مفعول»، «را» علامت مفعول بیواسطه، دست کم گرفته بودند «فعل جمله». برای ملاحظه آسانی و سادگی پیدا کردن «مفعول بیواسطه»، نویسنده تحصیل کرده پسا مدرن رسانه ای می تواند ابتدا «فعل جمله» را پیدا کند، که در این جمله «دست کم گرفته بودند» است. بعد از خود بپرسد: «پیکارجویان طالبان چی را دست کم گرفته بودند؟» که جوابش این است: «توانایی نیروهای افغان در پاسخ سریع دادن به حملات آنها را». به این ترتیب و با این سؤال، «را» که علامت مفعول بیواسطه است، خودش جایش را پیدا می کند و به نویسنده نشان می دهد. جمله ساده «قابیل هابیل را کشت» هم همین وضع را دارد: «کشت؟»، «کی کشت؟»، «قابیل»، «کی را؟»، «هابیل را»!

گاهی نویسنده پسا مدرن رسانه ای در موردی که مفعول در حالت «معرفه» نیست تا با علامت «را» مشخص شود، یک «را» ی زائد به آن وسط پرتاب می کند. مثلاً می گوید: «از کشورهایی نظیر اسرائیل دستوراتی "را" دریافت کرده اند»؛ یا «رهبران منطقه یورو پیشنهادهایی "را" برای برقراری ثبات مالی در این منطقه ارائه کرده اند»؛ یا «آنها دیروز تظاهرات بزرگی "را" در اعتراض به کشته شدن دو نفر از اعضای این جنبش برگزار کردند».

و شگفتا و دریغا و هیهات که همین «رسانه گر» همه روزه در گفت و شنود با دیگران «مفعول نکره» (۳) را با علامت «را» همراه نمی کند. یعنی خیلی راحت، به راحتی نفس کشیدن و بدون ذره ای شک مثلاً می گوید: «تلاش هایی برای کمک به فقرا انجام می دهند»، و

نمی گوید «تلاش‌هایی را»، یا می‌گوید: «این گزارش در میان احزاب فلسطینی بحرانی به وجود آورده است»، و نمی‌گوید «بحرانی را».

بله، من پیر مرد و این رسانه‌گر جوان باید بدانیم که در جمله مرکبی مثل: «مأموران آتش نشانی سعی دارند این آتش [--] که بخشی از جنگل را سوزانده است، مهار کنند» (۴)، بعد از «آتش» که مفعول بیواسطه، است «را» لازم دارد و «را»ی بعد از «جنگل» مال مفعول جمله فرعی دوم است، مگر نه؟ ها؟
زبان‌تان همواره دارا و دانا و توانا باد.
علیزاده طوسی

زیرنویس‌ها:

۱- در لغتنامه اینترنتی دهخدا درباره مفعول بیواسطه می‌خوانیم: «مفعول بی‌واسطه یا مستقیم آن است که معنی فعل را بی‌واسطه حرفی از حروف تمام کند: حسن کتاب را آورد. مفعول بی‌واسطه غالباً در جواب «که را؟» یا «چه را؟» واقع شود: آموزگار دانش آموز را پند داد. آموزگار که را پند داد؟ دانش آموز را، پس دانش آموز مفعول بی‌واسطه است. علامت مفعول بی‌واسطه غالباً «را» است.

مفعول بیواسطه یا مفعول صریح، که در انگلیسی به آن «مفعول مستقیم» (direct object) می‌گویند، برای انگلیسی زبان‌ها یک تعریف ساده و مختصر دارد که به فارسی این است: «کلمه یا عبارتی که عمل فعل متعدی بر آن واقع می‌شود. [از لغتنامه Merriam-Webster] جمله‌ای که در این لغتنامه برای مفعول بیواسطه (مستقیم) و مفعول به واسطه (غیر مستقیم) به عنوان مثال آورده شده است، این است: «آنها برای الیزابت یک خانه ساختند»: در این جمله مرکب «خانه» مفعول بیواسطه است و «الیزابت» مفعول به واسطه است.

۲- من نمی‌خواهم کسی را «پسا مدرن» یا «رسانه‌ای» بخوانم. این خود این طایفه‌اند که برای هر قدمی که بیرون از خط معنی و منطق بر می‌دارند، اسمی جدید می‌سازند و آن اسم جدید را برهان و حجت درست و پیشرو بودن بی‌معنایی و بی‌منطقی افاضات خود اعلام می‌دارند، غافل از اینکه «دیگرگون» شدن «پیشرو» بودن نیست. افراد جامعه‌های انسانی از ابتدای تاریخ یا «پیشرو» بوده‌اند که راه درست زمان خود را «ادامه» داده‌اند، یا «بی‌راه» بوده‌اند و ابن‌الوقت و مانع سرسخت پیشروی.

۳- در موردی که مفعول بیواسطه «اسم نکره» باشد بعد از آن «را» آورده نمی‌شود. تعریف اسم نکره در نزد دهخدا این است: «اسمی را گویند که در نزد مخاطب معلوم و معین نیست. نشان نکره در فارسی «ی» (ee) است که به آخر اسم جنس ملحق کنند.»
به چند نمونه از موردهایی نگاه می‌کنیم که «رسانه‌گر» بعد از «مفعول نکره»، بر خلاف حکم زبان «را» آورده است:
غلط = این مسأله برای شما چه مشکلی را ایجاد کرده است؟ / صحیح = این مسئله برای شما چه مشکلی ایجاد کرده است؟

غلط = حال پیشنهادهایی را برای حل این معضل ارائه می‌نمایم. / صحیح = حال برای حل این معضل پیشنهادهایی ارائه می‌نمایم.
غلط = این معضل گرفتاری‌هایی را برای ما به دنبال می‌آورد. / صحیح = این معضل برای ما گرفتاری‌هایی به دنبال می‌آورد.

۴- به جملهٔ مرگب «مأموران آتش نشانی سعی دارند؛ این آتش که بخشی از جنگل را سوزانده است، مهار کنند» را به همان صورتی که «رسانه‌گر» آن را نوشته است، نگاه می‌کنیم. حسّ می‌کنیم که جمله نقصی دارد.
می‌پرسیم: «مأموران آتش نشانی سعی دارند چه کنند؟» در جواب می‌گوییم: «این آتش را مهار کنند»،
و باز می‌پرسیم: «این آتش چه کرده است؟» و در جواب می‌گوییم: «بخشی از جنگل را سوزانده است».
حال با موصول «که» این دو جمله را به یک جملهٔ مرگب تبدیل می‌کنیم: «مأموران آتش نشانی سعی دارند این آتش را که بخشی از جنگل را سوزانده است، مهار کنند.»

